

درس یازدهم: خاطرات کودکی

واژه‌های جدید

ماشین کوکی، چیپس، بیسکویت، بستنی، بادکنک، تفنگ، عروسک، پفک، آدامس، خوراکی، قهر، آستی، تنبیه، شیطان، بازیگوش، پرخور، بهانه، درسخوان، سربه‌هوا، لوس، شکمو، خاله‌بازی، قایم‌موشک، گرگ‌به‌هوا، لی‌لی، طناب‌بازی، خاک‌بازی، وابسته، کمر و (خجالتی)

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از بازی‌ها و اسباب بازی‌های کودکان آشنا شود.
۲. صفات مربوط به توصیف افراد را بداند.
۳. بتواند درباره‌ی خاطرات کودکی‌اش با دیگران صحبت کند.
۴. راه‌هایی برای مقابله با کمرویی کودکان بداند.
۵. گذشته استمراری را بشناسد و بتواند به‌خوبی از آن استفاده کند.



درس یازدهم: خاطرات کودکی

واژه‌های مناسب را زیر تصاویر بنویسید.



واژه‌ها و اصطلاحات

- الف) ماشین کنترلی ب) بیسکویت پ) بادکنک ت) عروسک ث) آدامس
 ج) چیپس چ) بستنی ح) تفنگ آب‌پاش خ) پفک د) توپ



۱



۲



۳



۴



۵



۶



۷



۸



۹



۱۰

به هر قسمت چند واژه اضافه کنید.

.....	خوراکی
.....	اسباب بازی

متن زیر را با واژه‌های مناسب کامل کنید.

مهربان

- دعوا می‌کردیم کمک می‌کردیم قصه می‌گفت دوچرخه‌سواری می‌کردیم
 نقاشی می‌کرد آشتی می‌کردیم تنبیه می‌کرد کاردستی درست می‌کرد

اسم من عبدالله است. من ۵۸ سال دارم و در شهر انزلی زندگی می‌کنم. من یک برادر دارم که دو سال از من کوچک‌تر است. اسم برادرم اکبر است. من اکبر را خیلی دوست دارم. ما از بچگی با هم مثل دو تا دوست بودیم. البته بعضی وقت‌ها با هم ؛ اما خیلی زود و دوباره دوست می‌شدیم. من و برادرم اکبر دو تا دوچرخه داشتیم و همیشه در خیابان‌ها من خیلی شیطون و بازیگوش بودم. یا پنجره می‌شکستم یا گلدان و یا چیزهای دیگر را. برای همین پدرم، همیشه من را ؛ اما اکبر پسر خیلی آرام و ساکتی بود. او هنرمند خوبی بود. همیشه یک کاغذ و مداد در دستش بود و بعضی وقت‌ها هم با برگ درخت‌ها و چوب من و اکبر یک مادر بزرگ مهربان داشتیم که ما را خیلی دوست داشت. ما همیشه روزهای تعطیل به خانه‌اش می‌رفتیم و در کارهای خانه به او من مادر بزرگم را خیلی دوست داشتم. او همیشه قبل از خواب برای من و اکبر خدا رحمتش کند!



واژه‌ها و اصطلاحات

هر یک از گزینه‌های زیر را به‌گزینه مناسب وصل کنید.



۱ درس خوان

۲ بازیگوش

۳ سر به هوا



۴ حرف گوش کن

۵ بی ادب

۶ لوس

۷ شکمو



۸ کمرو

۹ آرام

۱۰ کم حرف



۱ خجالتی

۲ کسی که زیاد حرف نمی‌زند.

۳ بچه‌ای که به حرف پدر و مادرش توجه می‌کند.

۴ کسی که با ادب نیست.

۵ کسی که خیلی درس می‌خواند.

۶ پر خور

۷ شیطون

۸ ساکت

۹ بچه‌ای که همیشه گریه می‌کند و بهانه می‌گیرد.

۱۰ کسی که در انجام کارهایش دقت نمی‌کند



سنیدن

کدام یک از صفات زیر برای توصیف هر کودک مناسب است؟ (هر فرد ممکن است بیش از یک صفت داشته باشد)



درس خوان بازیگوش سر به هوا حرف گوش کن بی ادب لوس شکمو کمرو کم حرف آرام

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵



خاک بازی

طناب بازی

لی لی

گرگم به هوا

قایم موشک

خاله بازی



- وقتی بچه بودی، با خانواده ات در چه شهری زندگی می کردی؟

- ما آن موقع ترکیه زندگی می کردیم. شهر استانبول.

- تا چند سالگی ترکیه زندگی می کردی؟

- تا نه سالگی.

- پس زبان ترکی هم بلدی؟

- آره من در ترکیه همیشه ترکی صحبت می کردم.

- حتماً آنجا دوست و رفیق زیادی هم داشتی؟

- آره. هر روز در پارک با دوستانم بازی می کردم. قایم موشک،

خاک بازی، طناب بازی، والیبال. یادش بخیر. شما چطور؟

- من تا هشت سالگی لبنان زندگی می کردم. من هم دوستان

زیادی داشتم و همیشه با آنها بازی می کردم. گرگم به هوا،

قایم موشک، فوتبال ...

- پس شما زبان عربی بلد هستید؟

- بله، مثل بلبل حرف می زنم.



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- وقتی بچه بودید، کجا زندگی می کردید؟
- کجا درس می خواندید؟ / کدام مدرسه می رفتید؟
- کجا بازی می کردید؟
- شما چطور بچه ای بودید؟
- اسم بهترین دوست شما چه بود؟
- شما بیشتر چه بازی هایی می کردید؟
- من بچه باهوشی / کم حرفی / بازیگوشی / سربه هوایی بودم.
- من و دوستانم همیشه دوچرخه بازی / عروسک بازی / طناب بازی / خاله بازی می کردیم.
- من و دوستانم هر روز لی لی / گرگم به هوا / قایم موشک بازی می کردیم.
- معلم ما خیلی مهربان بود.
- دوستم خیلی سربه هوا بود؛ معلم ما همیشه او را تنبیه می کرد.
- من هر روز با دوستانم دعوا می کردم و یک ساعت بعد آشتی می کردم.



«کار»، «شغل»، «حرفه»؛ همه ما معنای این واژه‌ها را می‌دانیم. وقتی با کسی دوست می‌شویم، معمولاً بعد از پرسیدن اسم و فامیل او، این سؤال را از او می‌پرسیم: «شغل شما چیست؟» بنابراین، داشتن شغل، خیلی اهمیت دارد؛ اما آیا بچه‌ها هم باید شغل داشته باشند؟ در این موضوع افراد مختلف جامعه نظرهای گوناگونی دارند:

محمد: به نظر من دوران شیرین کودکی بسیار کوتاه است. بچه‌ها باید از این دوران لذت ببرند و ما نباید این دوران کوتاه را برای آنها تلخ کنیم.



مجید: من با کار کردن بچه‌ها موافقم. این روزها پیدا کردن شغل مناسب، بسیار سخت‌تر از گذشته است. آنها از کودکی باید به فکر پیدا کردن یک کار خوب برای آینده خود باشند.



مهدی: من با کار کردن بچه‌ها مخالف هستم. در گذشته آنها از پدر و مادر خود یاد می‌گرفتند چطور دامداری یا کشاورزی کنند؛ اما این روزها بچه‌ها برای پیدا کردن یک شغل خوب باید به دانشگاه بروند. اگر دانش‌آموزان کار کنند، فرصت نمی‌کنند خوب درس بخوانند و بچه‌ای که خوب درس نخواند، نمی‌تواند در آینده شغل مناسبی پیدا کند.



سامان: به نظر من بچه‌ها قبل از اینکه وارد دانشگاه بشوند، باید مدتی کار کنند تا تجربه به دست آورند. مدرسه و دانشگاه نمی‌تواند همه تجربه‌های لازم را به آنها بدهد. این تجربه‌ها فقط در محیط کار به دست می‌آیند.



صادق: من هم موافقم که بچه‌ها باید تجربه به دست آورند؛ اما تجربه‌هایی که آنها باید به دست بیاورند، با تجربه بزرگ‌ترها فرق می‌کند. بچه‌ها باید دوچرخه‌بازی را تجربه کنند. آنها باید خاک‌بازی را تجربه کنند. اینها تجربه‌های زمان کودکی است.



منتظر: کار کردن برای بچه‌ها خیلی خوب است. آنها وقتی کار می‌کنند، می‌فهمند به دست آوردن پول چقدر سخت است. هم‌چنین یاد می‌گیرند مستقل باشند و برای پول همیشه به پدر و مادر خود وابسته نباشند.



**نظر شما چیست؟
آیا شما با کار کردن بچه‌ها
موافق هستید؟ چرا؟**



بند اول: چرا پسر من همیشه در خانه است؟ چرا دختر من کمرو است؟ چرا او هیچ دوستی ندارد؟ کودکان کمرو اغلب دوست ندارند زیاد با دیگران صحبت کنند. آنها معمولاً در مهمانی‌ها ساکت هستند. حتی هنگامی که با آنها حرف می‌زنیم، فقط زمین را نگاه می‌کنند. آنها دوست ندارند بدون پدر و مادرشان جایی بروند؛ اما چطور می‌توان به بچه‌های کمرو کمک کرد تا بیشتر اجتماعی باشند؟



بند دوم: صحبت کردن با کودکان، روش مناسبی برای درمان کمرویی است؛ مثلاً اگر کودکی با دوستانش صحبت نمی‌کند یا با آنها بازی نمی‌کند، پدر و مادر می‌توانند به او بگویند: «من احساس تو را می‌فهمم» یا «من هم وقتی بچه بودم، گاهی این احساس را داشتم». آنها با این کار به کودک کمک می‌کنند، مشکلاتش را حل کند.

بند پنجم:

وقتی کودک شما در مهمانی سلام کرد، او را تشویق کنید؛ چون تشویق کردن کودک در بین دیگران خیلی مؤثر است. برای بعضی از کودکان کمرو، گفتن حتی یک جمله در مهمانی موفقیت خیلی بزرگی است. پدر و مادر باید این موفقیت‌ها را پیدا کنند و کودک را تشویق نمایند.

بند چهارم:

اگر در خانه فرزند کمرو دارید، با او بازی کنید؛ نقش‌های مهم را در بازی به او بدهید و به او کمک کنید تا همه چیز را در بازی تجربه کند. مثلاً به او بگویید: «من یک دانش‌آموز جدید هستم. شما هم معلم کلاس باش. بیا با هم معلم‌بازی کنیم». تکرار بعضی از بازی‌ها به بچه‌ها کمک می‌کند تا کمتر بترسند و راحت‌تر با دیگران دوست شوند.

بند سوم:

هیچ‌وقت به بچه‌ها نگویید «کمرو». گفتن این کلمه بچه‌ها را ناراحت می‌کند. اگر شما مجبور بودید از واژه «کمرو» استفاده کنید، همیشه واژه «کمرو» را در کنار یک نکته مثبت بگویید؛ مثلاً بگویید: «پسر من در مهمانی‌ها کمی کمرو و خجالتی است؛ ولی پسر من یک دانش‌آموز خوب و درس‌خوان است».



متن بالا را بخوانید و عنوان مناسب برای بندها بنویسید.

.....	عنوان مناسب برای بند اول:
.....	عنوان مناسب برای بند دوم:
.....	عنوان مناسب برای بند سوم:
.....	عنوان مناسب برای بند چهارم:
.....	عنوان مناسب برای بند پنجم:



درباره دوران کودکی خود در کلاس سخنرانی کنید.



گذشته استمراری

برای بیان کاری که در زمان گذشته اتفاق افتاده و قدری ادامه داشته یا چند بار تکرار شده است از فعل گذشته استمراری استفاده می‌شود.

روش ساخت

می + بن ماضی فعل (مصدر بدون «ن») + شناسه = فعل گذشته استمراری

مثال:

من همیشه کتاب‌های علمی می‌خواندم.
دانش‌آموزان هر روز با اتوبوس به مدرسه می‌رفتند.
وقتی مادر بزرگم جوان بود، هر روز به خرید می‌رفت.

نکته: معمولاً در کنار فعل ماضی استمراری از قیدهای هر هفته، هرماه، هرسال و همیشه استفاده می‌شود.

مثال	ماضی استمراری	شناسه	بن ماضی	می
من هر روز ساعت ۱۲ ناهار می‌خوردم.	می‌خوردم	م	خورد	می
تو هر روز ساعت ۱۲ ناهار می‌خوردی.	می‌خوردی	ی	خورد	می
او هر روز ساعت ۱۲ ناهار می‌خورد.	می‌خورد	-----	خورد	می
ما هر روز ساعت ۱۲ ناهار می‌خوردیم.	می‌خوردیم	یم	خورد	می
شما هر روز ساعت ۱۲ ناهار می‌خوردید.	می‌خوردید	ید	خورد	می
آنها هر روز ساعت ۱۲ ناهار می‌خوردند.	می‌خوردند	ند	خورد	می

کمران

الف) جای خالی را با فعل گذشته استمراری کامل کنید.

- مثال) مهسا هر روز خیلی زود سر کار **می‌رفت** (رفتن) ۳ ابو علی سینا بیش از هزار سال قبل در ایران (زندگی کردن)
 ۱ معلم ما همیشه خیلی خوب (درس دادن)
 ۲ من همیشه قبل از خواب (مسواک زدن)
 ۴ مردم در گذشته با آتش غذا (پختن)
 ۵ علی هر روز خیلی دیر از مدرسه (برگشتن)

ب) جاهای خالی را با فعل مناسب پر کنید.

وقتی بچه بودم، با خانواده‌ام در شهر کرمان (زندگی کردن) مدرسه من از خانه‌مان خیلی دور بود. من همیشه با اتوبوس به مدرسه (رفتن) من در کرمان دوستان خوبی داشتم. ما هر روز با هم به پارک رفتن و (بازی کردن) من کرمان را خیلی دوست داشتم. برای همین روزی که از کرمان به تهران برمی‌گشتم، خوشحال نبودم و خیلی (گریه کردن)

ج) به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. پدر بزرگ شما وقتی جوان بود، در کجا کار می‌کرد؟

 ۲. شما وقتی دانش‌آموز بودید چه کارهایی می‌کردید؟

 ۳. شما وقتی بچه بودید چه ورزشی می‌کردید؟

 ۴. شما دیروز در بازار مرکزی چه می‌کردید؟



انشا: دوران کودکی شما چگونه بود؟ انشا بنویسید.

موضوع: دوران کودکی من

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوعهای آن)

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا)

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)

نمره توصیفی: عالی (۱۹-۲۰) خیلی خوب (۱۷-۱۸) خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

واژه‌های جدید

تحويل بار، صرافى، پله برقى، شارژ كردن، نمازخانه، گمرک، خروجى، گیت (ورودى)، گم شده، رفت و برگشت، یک طرفه، مبدأ، از این گذشته، مستقیم، راهرو، خروپف، دستمال مرطوب، ضد عفونی کننده، یک بار مصرف، تعویض

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. بخش‌های گوناگون فرودگاه را بشناسد.
۲. واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط با فرودگاه را بداند.
۳. بتواند درباره مزایا و معایب سفر با هواپیما صحبت کند.
۴. با مسائل بهداشتی سفر با هواپیما آشنا شود.
۵. شناسه‌های گذشته را به خوبی تلفظ کند.



درس دوازدهم: فرودگاه

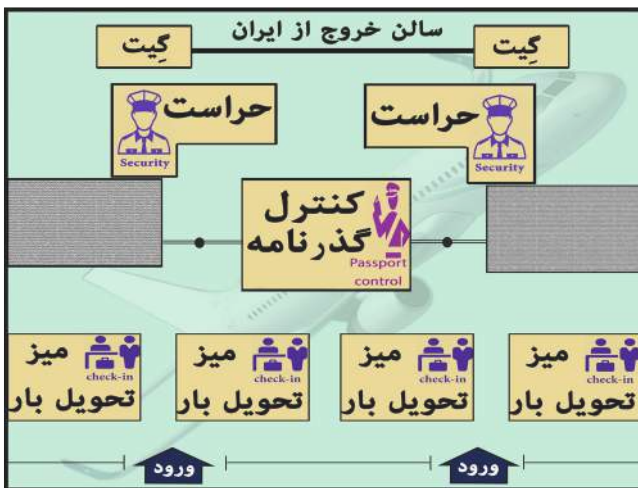


واژه‌ها و اصطلاحات

هر تابلو نشان دهنده کدام بخش از فرودگاه است؟



- ۱ آسانسور
- تحویل بار مسافر
- بانک / صرافی
- سرویس بهداشتی
- تاکسی
- محل شارژ موبایل
- پله برقی
- نمازخانه
- اطلاعات



بخش‌های مختلف فرودگاه را به ترتیب علامت بزنید.



با توجه به نقشه صفحه قبل گزینه‌های درست را به هم متصل کنید.

- | | | | |
|-----|---|---|-----------------------------|
| الف | انتهای سالن ورود، یکی سمت چپ است و یکی سمت راست. | ۱ | تحويل بار به مسافر..... |
| ب | انتهای سالن خروج، بعد از ميز پذیرش بار. | ۲ | گمرک..... |
| پ | ابتدای سالن ورود، بين صرافى و اطلاعات. | ۳ | محل اشیای گم شده..... |
| ت | انتهای سالن خروج، سمت راست و چپ بين گیت‌ها و کنترل گذرنامه. | ۴ | پلیس..... |
| ث | وسط سالن ورود سمت راست، بين نمازخانه و گمرک. | ۵ | ميز پذیرش بار از مسافر..... |
| ج | انتهای سالن خروج، سمت راست و چپ بعد از حراست. | ۶ | کنترل گذرنامه..... |
| چ | ابتدای سالن خروج، دوتا سمت راست است و دوتا سمت چپ. | ۷ | حراست..... |
| ح | انتهای سالن ورود، سمت راست. نزدیک محل شارژ موبایل. | ۸ | گیت..... |



الف) هر یک از این افراد با کدام بخش از فرودگاه کار دارند؟ (ممکن است نام بیش از یک بخش آمده باشد)

گمرک	صرافی	گذرنامه	کنترل	نمازخانه	رستوران	گمشده	دفتر اشیای	فروشگاه	پلیس	بهداشتی	سرویس
۱	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
۲	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
۳	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
۴	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
۵	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
۶	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●

ب) یک بار دیگر گفتگوها را بشنوید و بگویید هر بخش در کجاست؟

- ۱ روبه روی نمازخانه.
- ۲ طبقه پایین کنار سالن تحويل بار.
- ۳ کنار فروشگاه.
- ۴ کنار اداره پلیس.
- ۵ طبقه پایین، انتهای سالن، کنار بانک.
- ۶ بين رستوران و سالن تحويل بار.



AirPlane

نام و نام خانوادگی: فهیمة مرادی

میدان: تهران

نوع بلیت: رفت و برگشت یک طرفه

مقصد: دومی

مستقیم غیر مستقیم

نوع پرواز: درجه یک عادی

2805 600012 262805



- سلام، خسته نباشید.
- سلام، ممنونم. بلیت را لطف می کنید؟
- بله، حتماً، بفرمایید.
- آقای مهران رجبی. تنها هستید؟
- نه، با خانمم هستم.
- دو صندلی کنار هم می خواهید؟
- بله، اگر می شود صندلی خانمم کنار پنجره باشد.
- بله حتماً.
- شماره صندلی ما چند است؟
- صندلی ۱۱ و ۱۲. چند تا چمدان دارید؟
- دو تا، این کیف دستی را می توانم با خودم داخل هواپیما ببرم؟
- کیفتان خیلی بزرگ نیست؛ اشکالی ندارد.
- ممنون از لطف شما.



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- شماره پرواز شما چند است؟
- پرواز ما از گیت شماره چند است؟
- شماره صندلی ما چند است؟
- چقدر وقت داریم؟
- ببخشید سرویس بهداشتی / نمازخانه / اطلاعات کجاست؟
- شماره پرواز شما چه ساعتی است؟
- می شود صندلی ام کنار پنجره / راهرو باشد؟
- چند تا چمدان دارید؟
- چند نفر هستید؟



سفر هوایی بله / خیر!



آیا شما دوست دارید با هواپیما سفر کنید؟

امروزه بسیاری از مردم برای مسافرت از هواپیما استفاده می‌کنند؛ چون راحت و سریع است با این حال بسیاری از مردم هم سفر هوایی را دوست ندارند. شما چطور؟ آیا شما از هواپیما خوشتان می‌آید؟ معمولاً با چه وسیله‌ای سفر می‌کنید؟

هواپیما بهترین وسیله برای سفر کردن است. با هواپیما خیلی سریع می‌توانیم به همه جا سفر کنیم. هواپیما سریع‌ترین وسیله برای سفر است. از محل زندگی من تهران تا مشهد با ماشین پانزده ساعت و با هواپیما یک ساعت طول می‌کشد. من غذاهای داخل هواپیما را خیلی دوست دارم.



چرا همه عجله دارند زودتر به مقصد برسند؟ اگر با ماشین سفر کنیم می‌توانیم از دیدن جنگل، بیابان، رودخانه و جاده لذت ببریم. من از غذاهای هواپیما خوشم نمی‌آید.



هواپیما راحت‌ترین وسیله برای سفر است. در هواپیما راحت می‌توانیم بخوابیم، فیلم ببینیم، موسیقی گوش کنیم و هر وقت گرسنه یا تشنه شدیم، به مهماندارها بگوییم برای ما آب یا خوراکی بیاورند. دیگر بهتر از این می‌شود؟



سفر کردن با هواپیما خیلی راحت است؛ اما این وسیله خیلی گران است. مسافران در هواپیما مثل زندانی هستند؛ نمی‌توانند از آن بیرون بروند یا پنجره را باز کنند تا هوای تازه به صورت آنها بخورد. به نظر من سفر کردن با ماشین خیلی بهتر است.



سفر کردن با ماشین خیلی گران است. بنزین ارزان نیست؛ از این گذشته، وقتی با ماشین سفر می‌کنیم، خیلی دیر به مقصد می‌رسیم و بعد از رسیدن به مقصد باید حتماً چند ساعت استراحت کنیم. سفر با ماشین یعنی یک سفر گران و طولانی؛ پس سفر کردن با هواپیما خیلی بهتر است.



سفر با هواپیما خیلی خطرناک است. هر سال تعداد زیادی هواپیما در دنیا سقوط می‌کنند. من از سفر با هواپیما می‌ترسم. از این گذشته، تعداد زیادی مسافر در یک فضای کوچک نشسته‌اند. اگر یک نفر از آنها بیمار باشد همه را بیمار می‌کند. این سفر هم خطرناک است و هم غیربهداشتی.



نظر شما چیست؟

شما دوست دارید با هواپیما سفر کنید یا با ماشین؟

آیا شما از سفر با هواپیما لذت می‌برید؟

در سفرهای تفریحی چه وسیله نقلیه‌ای بهتر است؟ در سفرهای کاری چطور؟

کدام سفر گران‌تر است؟ سفر با ماشین یا سفر با هواپیما؟ چرا؟



اگر با هواپیما مسافرت می‌کنید، حتماً بخوانید.

هوای داخل هواپیما خشک است، صندلی‌ها کوچک هستند، خوراکی‌ها خوشمزه نیستند، سرویس بهداشتی کم است، مسافر پشتی خروپف می‌کند؛ همه این موارد می‌تواند شیرینی پرواز با هواپیما را برای شما تلخ کند؛ اما مشکل دیگری هم هست که معمولاً مسافران کمتر به آن توجه می‌کنند و آن باکتری‌ها و ویروس‌هایی است که داخل هواپیما را آلوده می‌کنند؛ پس اگر با هواپیما مسافرت می‌کنید، حتماً مطالب زیر را بخوانید.



ب) صندلی هواپیما

مشکل دیگر، صندلی‌های آلوده هواپیما است. دسته‌ها و سینی‌های مخصوص غذا در هواپیما معمولاً کثیف‌ترین جاهای صندلی هستند. چون ممکن است شرکت هواپیمایی به هر دلیلی آن بخش‌ها را تمییز نکرده باشد، خودتان با یک دستمال مرطوب این کار را انجام دهید.

پ) پتو و بالش هواپیما

بالش و پتوی داخل هواپیما بسیار آلوده است. البته طبق قوانین جدید، این وسایل باید «یک بار مصرف» باشند؛ اما برخی از شرکت‌های هواپیمایی، به دلیل گرانی پتو و بالش یک بار مصرف، آنها را روزی یک بار تعویض می‌کنند، نه بعد از هر پرواز. بهتر است که قبل از پرواز پتو و بالش یک بار مصرف بخرید.

الف) دستشویی هواپیما

آلوده‌ترین مکان در داخل هواپیما، سرویس بهداشتی آن است. در هر پرواز حدود صد نفر از دو یا سه دستشویی عمومی استفاده می‌کنند؛ تصور کنید دو یا سه نفر از این مسافران بیمار باشند و ممکن است مسافران نتوانند به خوبی دست‌هایشان را با آب و صابون بشویند. حالا با این آلودگی باید چه کار کرد؟

چند راه حل ساده هست: اولاً برای باز و بسته کردن در سرویس‌های بهداشتی از دستمال مرطوب استفاده کنید؛ ثانیاً قبل از خوردن غذا حتماً با ژل یا اسپری ضد عفونی کننده یا دستمال مطوب دست‌های خود را تمییز کنید.



تلفظ شناسهٔ افعال گذشته

نوشتار	گفتار
رفتم	رفتم
رفتی	رفتی
رفت	رفت
رفتیم	رفتیم
رفتید	رفتید
رفتند	رفتند

همان طور که مشاهده کردید، در افعال زمان گذشته، تلفظ گفتاری برخی از شناسه‌ها با حالت نوشتاری آنها متفاوت است. (ید - ین ؛ َند - َن). به مثال‌های زیر توجه کنید:

شما در کلاس درس خواندید؟ / خواندین /
حسین و مادرش بیرون رفتند. / رفتن /

نکته ۱: در فارسی عامیانه، شناسه در افعال گذشته همیشه به شکل گفتاری تلفظ می‌شود؛ اما هیچ وقت به شکل گفتاری نوشته نمی‌شود.

مثال در گفتار: آنها دیروز در رستوران غذا خوردن.

مثال در نوشتار: آنها دیروز در رستوران غذا خوردند.

جمله‌های زیر را به صورت گفتاری بخوانید.

۱. سمانه و مادرش پارسال به شیراز رفتند.
۲. آنها همیشه این روز را جشن می‌گرفتند.
۳. عرفان و پرویز در روز عید از پدرشان عیدی گرفتند.
۴. شما دو نفر همهٔ شیرینی‌ها را خوردید؟
۵. مردم در زلزلهٔ دیروز خیلی به مجروحان کمک کردند و افراد زخمی را نجات دادند.
۶. بر اثر بارش باران و برف، بیست ماشین در جاده تصادف کردند.



انشا: دربارهٔ سفر با هواپیما انشا بنویسید.

موضوع: ویژگی‌های سفر هوایی

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن)

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا)

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)

نمرهٔ توصیفی: عالی (۱۹-۲۰) خیلی خوب (۱۷-۱۸) خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

واژه‌های جدید

سواری، ماشین اسپورت، وانت، ماشین شاسی‌بلند، ون، سپر، کاپوت، چرخ، لاستیک، آگزوز، پنجره، برف‌پاک‌کن، چراغ راهنما، چراغ خطر، صندوق عقب، آینه بغل، پدال گاز، پدال ترمز، کلاچ، دنده، فرمان، ترمز دستی، بوق، کمر بند ایمنی، خط عابر پیاده، انحراف به چپ، ورود ممنوع، خیابان یک‌طرفه، چراغ قرمز، نقص فنی، لاستیک، پنجره شدن، باک بنزین، سوراخ شدن، روغن ماشین، یکدفعه (یک‌هو)، باتری ماشین، استارت، خودروی شخصی، کیفیت، ضرر، پوستر، هوشیار

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با قسمت‌های مختلف خودرو آشنا شود.
۲. برخی از علت‌های تصادفات را بداند.
۳. بعضی از نقص‌های فنی ماشین را بشناسد.
۴. بتواند درباره مزایا و معایب استفاده از اتومبیل شخصی و وسایل حمل و نقل عمومی صحبت کند.
۵. با کاربرد گذشته مستمر آشنا شود و بتواند به‌خوبی از آن استفاده کند.



درس سیزدهم: خودرو و رانندگی



واژه‌ها و اصطلاحات (۱)

کدام یک از ماشین‌های زیر را بیشتر دوست دارید؟ چرا؟



ماشین شاسی‌بلند

وانت

ماشین اسپورت

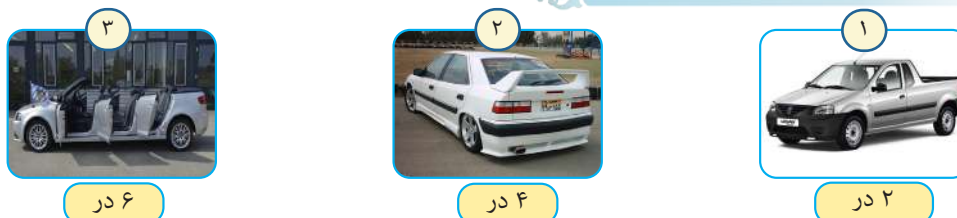
سواری

ون

ماشین مورد علاقه شما چه رنگی است؟



ماشین مورد علاقه شما چند در دارد؟



۶ در

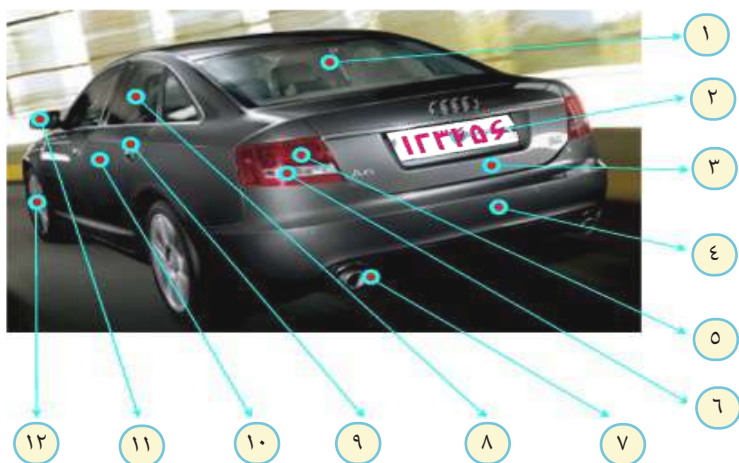
۴ در

۲ در

واژه‌ها و اصطلاحات (۲)



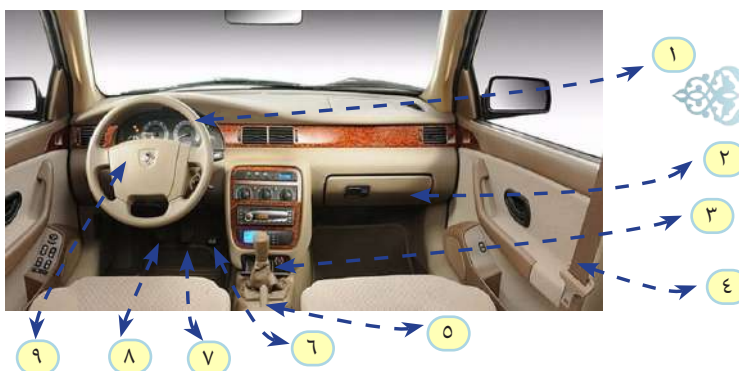
اجزای بیرونی ماشین



واژه‌های زیر را بخوانید و اجزای ماشین را مشخص کنید.

- | | |
|----------------------|----------------------|
| الف) سپر عقب ۴ | ج) شیشه عقب |
| ب) دستگیره در | ح) پلاک ماشین |
| پ) لاستیک | خ) چراغ راهنما |
| ت) آگزوز | د) چراغ خطر |
| ث) شیشه در عقب | ذ) صندوق عقب |
| ج) در | ر) آینه بغل |

اجزای داخلی ماشین



واژه‌های زیر را بخوانید و اجزای ماشین را مشخص کنید.

- | | |
|------------------------|---------------------------|
| الف) پدال گاز ۶ | ج) فرمان |
| ب) پدال ترمز | چ) ترمز دستی |
| پ) کلاچ | ح) داشبورد |
| ت) دنده | خ) ایربگ (کیسه هوا) |
| ث) کمر بند ایمنی | |

واژه‌ها و اصطلاحات



شما در خیابان‌های شهر کدام تخلف رانندگی را بیشتر می‌بینید؟ آنها را به ترتیب از ۱ تا ۸ شماره بزنید.



۲ توقف روی خط عابر پیاده



۱ صحبت کردن با تلفن همراه



۴ انحراف به چپ



۳ سرعت بالا



۶ نداشتن کمربند ایمنی



۵ ورود ممنوع به خیابان یک‌طرفه



۸ عبور از چراغ قرمز



۷ داشتن نقص فنی



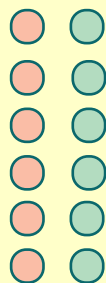
سنجش

الف) راننده‌ها چه تخلفی انجام دادند؟ (ممکن است بیش از یک تخلف انجام داده باشند)



عبور از چراغ قرمز	نداشتن کمربند ایمنی	انحراف به چپ	توقف روی خط عابر پیاده	داشته شدن نقص فنی	ورود ممنوع به خیابان یک طرفه	سرعت بالا	صحبت کردن با تلفن همراه	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۶

ب) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. کدام یک از جملات زیر درست و کدام نادرست است؟



- ۱ در آنجا چراغ قرمز نبود.
- ۲ راننده خط عابر پیاده را ندیده است.
- ۳ ماشین راننده سفید و شاسی بلند است.
- ۴ ماشین راننده خراب شده است و حرکت نمی‌کند.
- ۵ راننده در هنگام صحبت کردن با تلفن همراه، کمربند ایمنی را نبسته است.
- ۶ راننده گواهی نامه ندارد.

پرسش گفتگو



- لاستیک ماشینم پنچر شده.
- شیشه جلوی ماشینم شکسته.
- برف پاک کن ماشینم کار نمی کند.
- باک بنزینم سوراخ شده.
- روغن ماشینم تمام شده.
- راهنمای ماشینم خراب شده.
- صندلی ماشینم خراب شده.

آقا ببخشید ...



- سلام.

- سلام، چه شده است؟

- هر چه استارت می زنم، ماشینم روشن نمی شود.

- بنزین دارید؟

- بله دیروز بنزین زدم.

- لطف کنید کاپوت ماشین را بالا بزنید.

- چشم، همین الان.

- متأسفانه باتری ماشین شما مشکل دارد.

- چه کار باید بکنم؟

- یک باتری سازی ۳۰۰ متر جلوتر است، باید یک باتری نو بخرید.

- خیلی ممنون، چقدر بدهم خدمت شما؟

- ۷۰ هزار تومان.



کار گروهی

مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- داشتم با تلفن صحبت می کردم که یک دفعه (یک هو)
- داشتم خیلی سریع رانندگی می کردم که یک دفعه ...
- داشتم رانندگی می کردم که یک دفعه
- داشتم ماشین را پارک می کردم که یک هو (یک دفعه)
- کمر بند ایمنی / صندلی ماشینم خراب شد.

- سلام آقا / خانم چه شده؟
- لاستیک ماشینم پنچر شد.
- راهنمای / چراغ خطر / آینه بغل / شیشه جلوی ماشینم شکست.
- برف پاک کن / رادیو / ماشینم کار نمی کند.
- باک بنزینم سوراخ شد.
- بنزین / روغن / آب / باتری ماشینم تمام شد.
- راهنمای / بوق / کلاچ / استارت ماشینم خراب شد.



در همه کشورهای دنیا، مردم خودرو می‌خرند و از آن استفاده می‌کنند؛ اما چرا استفاده زیاد از خودروی شخصی کار درستی نیست؟ زیرا باعث آلودگی هوا، بسته شدن خیابان‌ها و افزایش مصرف بنزین می‌شود. بعضی از کارشناسان پیشنهاد می‌کنند، مردم به جای استفاده از خودروی شخصی از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند.



به نظر من بهترین راه افزایش تعداد تاکسی‌ها و اتوبوس‌هاست. با این کار مردم خیلی ارزان و سریع می‌توانند به همه جا بروند.

افزایش تعداد اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها کافی نیست. باید کیفیت آنها را هم بالا برد؛ مثلاً در شهر ما تعداد اتوبوس کم نیست؛ اما کیفیت آنها خیلی پایین است. صندلی بعضی از اتوبوس‌ها خراب شده یا کثیف است. کولر و بخاری آنها درست کار نمی‌کند و هزاران مشکل دیگر.

به نظر من استفاده از خودروهای شخصی بیش از حد راحت است و دولت باید کاری کند که استفاده از آنها خیلی سخت شود؛ مثلاً قیمت بنزین را بالا برد یا مثلاً رانندگی در بعضی از خیابان‌های شهر را برای خودروهای شخصی ممنوع کند. حتی می‌توان قیمت خودرو را بالا برد تا همه مردم نتوانند خودروی شخصی بخرند.

من فکر می‌کنم نباید استفاده از خودروی شخصی را برای مردم سخت کرد. این کار باعث می‌شود مردم دیگر زیاد ماشین نخرند. من در یک کارخانه خودروسازی کار می‌کنم. در کارخانه ما حدود هفت هزار نفر کار می‌کنند. اگر مردم ماشین نخرند، تکلیف این هفت هزار نفر چه می‌شود؟

من هم موافق هستم. نباید استفاده از خودروی شخصی را سخت کرد. بهترین کار، آموزش استفاده صحیح از خودروی شخصی است. مردم باید بدانند استفاده نادرست از وسایل نقلیه شخصی تا چه اندازه به سلامت آنها ضرر می‌زند.

به نظر من فقط آموزش کافی نیست. دولت باید قیمت خودرو را افزایش دهد. الان در همه شهر پوسترهایی هست که به مردم می‌گوید سیگار کشیدن برای سلامتی آنها ضرر دارد. اما هنوز هم بسیاری هستند که سیگار می‌کشند؛ پس فقط آموزش کافی نیست.

می‌توان گفت آموزش بی‌تأثیر است. همین پوسترها باعث می‌شوند خیلی از افراد سیگار نکشند. به نظر من، شما فقط نیمه خالی لیوان را می‌بینید!



نظر شما چیست؟

آیا شما از خودروی شخصی زیاد استفاده می‌کنید؟ چرا؟

به نظر شما چطور می‌توان مردم را تشویق کنیم تا از وسایل حمل و نقل عمومی بیشتر استفاده کنند.



چرا تصادف!!!؟

اولین تصادف با خودرو که باعث مرگ افراد شد، در هفدهم آگوست ۱۸۹۶ میلادی در انگلستان اتفاق افتاد. در این تصادف یک مادر ۴۴ ساله و دخترش از دنیا رفتند. اولین تصادف در ایران هم در سال ۱۳۰۵ هجری اتفاق افتاد و در آن، یک موسیقیدان بزرگ ایرانی درگذشت. توجه نکردن به «قوانین راهنمایی و رانندگی» دلیل بیشتر تصادفات است. در این بخش درباره مهم‌ترین تخلفات رانندگی صحبت خواهیم کرد.

۳. استفاده نادرست از چراغ راهنما

علت بسیاری از تصادفات دیر روشن کردن یا روشن نکردن چراغ راهنما هنگام دور زدن و انحراف به چپ است. در این شرایط راننده عقبی خیلی دیر چراغ راهنمای ماشین جلویی را می‌بیند و نمی‌تواند به موقع ترمز کند. پس همیشه در فاصله ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر مانده به پیچ، راهنمای خود را روشن کنید. توجه به همین سه نکته ساده می‌تواند هر سال جان هزاران نفر را نجات دهد؛ پس لطفاً در زمان رانندگی هوشیار باشید.

۲. سرعت بالا

رانندگی کردن با سرعت بالا یکی از مشکلات مهم در کل دنیا است. بعضی از راننده‌های جوان، زمانی که یک خودروی مدل بالا را می‌بینند، تصمیم می‌گیرند از آن سبقت بگیرند؛ در این تصادفات اگر راننده کمربند ایمنی خود را نبسته باشد، ممکن است جانش را از دست بدهد. پس هیچ وقت با سرعت بالا رانندگی نکنید؛ چون دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است!

۱. حرف زدن با تلفن همراه

بسیاری از تصادفات به علت حرف زدن با تلفن همراه است. وقتی کسی با تلفن صحبت می‌کند، دیگر به رانندگی توجه نمی‌کند؛ مخصوصاً اگر در گفتگوی تلفنی خبر بدی به راننده بدهند، ممکن است او دیگر نتواند ماشین را کنترل کند و این باعث تصادف می‌شود؛ پس استفاده از تلفن همراه در زمان رانندگی ممنوع.



با توجه به متن، کدام یک از موارد زیر درست و کدام یک نادرست است؟

۱. اولین کسی که در دنیا در یک تصادف رانندگی کشته شد، موسیقیدان بود.
۲. صحبت کردن با تلفن همراه فقط زمانی خطرناک است که به راننده خبر بدی داده می‌شود.
۳. گاهی صحبت کردن با تلفن همراه باعث می‌شود راننده با سرعت بالاتری رانندگی کند.
۴. طبق متن، در بزرگراه‌های بیشتر خودروهای مدل بالا با سرعت زیاد رانندگی می‌کنند.
۵. راننده‌های بد معمولاً، راهنمای ماشین خود را زود روشن می‌کنند.
۶. استفاده از راهنما در فاصله ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری به پیچ ممکن است باعث تصادف شود.



سخنرانی



در باره ضررها و فایده‌های خودرو شخصی سخنرانی کنید.



یادآوری: گذشته مستمر

ساخت واژه:

صرف گذشته ساده فعل «داشتن» + فعل گذشته استمراری

صرف فعل «داشتن»	می	بن ماضی	شناسه	ماضی استمراری	گذشته مستمر
داشتم	می	رفت	- م	می رفتم	داشتم می رفتم ...
داشتی	می	رفت	ی	می رفتی	داشتی می رفتی ...
داشت	می	رفت	-	می رفت	داشت می رفت ...
داشتیم	می	رفت	یم	می رفتیم	داشتیم می رفتیم ...
داشتید	می	رفت	ید	می رفتید	داشتید می رفتید ...
داشتند	می	رفت	- ند	می رفتند	داشتند می رفتند ...

اگر عملی در زمان گذشته در حال انجام باشد و عمل دیگری با آن همزمان شود، در این شرایط عمل اول با گذشته مستمر و عمل دوم با گذشته ساده نشان داده می شود.

نکته: معمولاً صرف گذشته فعل «داشتن» در کنار فعل ماضی استمراری نمی آید.

گذشته ساده	که	گذشته مستمر
یکی از دوستانم را دیدم.	که	داشتم از خیابان عبور می کردم
پایم شکست.	که	داشتم فوتبال بازی می کردم
داشتم از خیابان عبور می کردم که دوستم را دیدم.		به مثال های زیر توجه کنید.
داشتم تمرین می نوشتم که صدای اذان آمد.		مثال ۱: عبور کردن از خیابان / دیدن دوست
داشتم می خوابیدم که تلفن زنگ زد.		مثال ۲: نوشتن تمرین / صدای اذان ظهر
		مثال ۳: خوابیدن / زنگ تلفن



با استفاده از مصدرهای زیر، جملاتی با فعل ماضی مستمر و گذشته ساده بنویسید.

.....	۱. بازی کردن / زمین خوردن
.....	۲. غذا پختن / سوختن دست
.....	۳. خرد کردن سبزی / بریدن دست
.....	۴. غذا خوردن / آمدن دوست
.....	۵. صحبت کردن با تلفن / تصادف کردن
.....	۶. درس خواندن / مادر صدا کردن
.....	۷. پارک کردن / ماشین پنچر شدن
.....	۸. عبور از چراغ قرمز / جریمه کردن
.....	۹. صحبت با همکلاسی / نگاه کردن معلم



انشا: یک تصادف را که دیده یا شنیده‌اید، انشا بنویسید.

موضوع: توصیف یک تصادف

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن)

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا)

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)

نمره توصیفی: عالی (۱۹-۲۰) خیلی خوب (۱۷-۱۸) خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

درس چهاردهم: خاطرات تلخ سفر

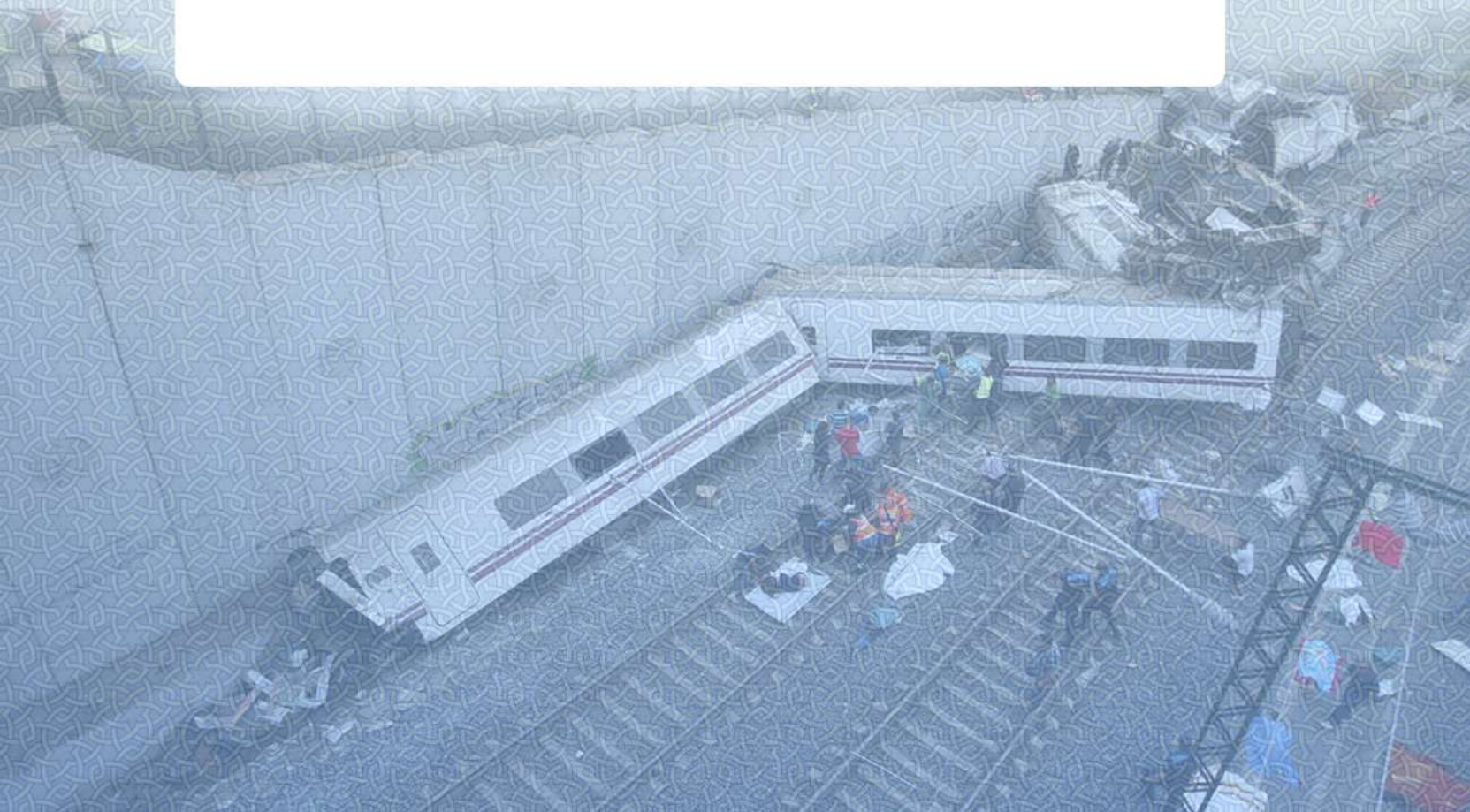
واژه‌های جدید

تأخیر، نقص فنی، کنسل شدن، جا گذاشتن، خونگرم، شرعی، حلال، گشتن،
ضریح، معدن، برعکس، امنیت، جذب کردن، به حساب آمدن، غواصی

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از مشکلات سفر آشنا شود.
۲. بتواند درباره خاطرات بد سفرش صحبت کند.
۳. بتواند جاذبه‌های گردشگری کشورش را معرفی کند.
۴. کاربرد فعل گذشته بعید را بداند.
۵. با تفاوت فعل گذشته بعید و گذشته ساده آشنا شود و بتواند به‌خوبی از این زمان‌ها استفاده کند.



درس چهاردهم: خاطرات تلخ سفر



واژه‌ها و اصطلاحات

جدول زیر را کامل و درباره پاسخ‌های خود گفتگو کنید.

بله	خیر
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>

- ۱ پرواز شما تأخیر داشته است؟
- ۲ در مسافرت تصادف کرده‌اید؟
- ۳ در مسافرت بنزین ماشین شما تمام شده است؟
- ۴ در مسافرت ماشین شما خراب شده است؟
- ۵ هواپیمای شما نقص فنی داشته است؟
- ۶ پرواز شما کنسل شده است؟
- ۷ گذرنامه‌تان را در خانه جا گذاشته‌اید؟
- ۸ در دریای طوفانی با کشتی سفر کرده‌اید؟

آیا تا به حال ...

متن زیر را با استفاده از واژه‌های مناسب کامل کنید.

تأخیر داشت تاکسی گرفتیم بگیریم جا گذاشتم نقص فنی داشت برگشتم خراب شد

چند سال پیش من و همسرم می‌خواستیم برای تفریح به کشور هندوستان سفر کنیم. هواپیمای ما ساعت ۱:۰۰ نیمه‌شب از تهران پرواز می‌کرد. ما حدود ساعت ۱۱:۰۰ شب یک تا با تاکسی به فرودگاه برویم، اما متأسفانه، در بین راه تاکسی نیم‌ساعت طول کشید تا یک تاکسی دیگر آمد و ما را به فرودگاه برد.

حدود ساعت ۱۲:۰۰ به فرودگاه رسیدیم. خیلی سریع به کنار میز تحویل بار رفتیم تا کارت پرواز؛ اما در کنار میز تحویل بار فهمیدیم که پاسپورت‌هایمان را در خانه خیلی عصبانی بودم. زود یک تاکسی دیگر گرفتیم، به خانه و گذرنامه‌هایمان را برداشتم. وقتی به فرودگاه رسیدیم ساعت ۱:۳۰ نیمه‌شب بود. خوشبختانه آن روز هواپیمای ما و برای همین پرواز ما حدود یک ساعت همه مسافرها ناراحت بودند که چرا پرواز تأخیر دارد؛ اما من و همسرم از این تأخیر خیلی خوشحال بودیم.





واژه‌ها و اصطلاحات

به فهرست زیر چند خاطره خوب و بد اضافه کنید.

غذاهای آنجا بدمزه بود.	مردم آنجا خونگرم نبودند.	هوا خیلی شرجی بود.	کیفم را دزدیدند.	خاطرات بد
.....	
آنجا غذاهای حلال داشت.	زبان آن کشور را بلد بودم.	هوا خیلی تمیز بود.	پاسپورتم پیدا شد.	خاطرات خوب
.....	



الف) به این خاطره ها گوش دهید. در هر کدام چه اتفاق بدی افتاده است؟

..... ۱ ۲ ۳
---------	---------	---------

ب) یک بار دیگر به این خاطره‌ها گوش دهید و جملات زیر را مرتب کنید.

..... دو بلیت اتوبوس خریدند.	خاطره ۱ در حرم دنبال دخترش گشت.	خاطره ۲
..... او دوستش گرسنه بودند و غذا خوردند.	 دخترش با بچه‌های دیگر بازی می‌کرد.	
..... آنها مریض شدند.	 روبه‌روی ضریح ایستاد و نماز خواند.	
..... ماشین آنها خراب شد.	 دخترش کنار او خوابیده بود.	
..... به یک رستوران کثیف رفتند.	 روبه‌روی ضریح نشست و از امام رضا کمک خواست.	

..... با ماشین به طرف تبریز رفتند.	خاطره ۳
..... همه پول‌ها را در کیف گذاشتند.	
..... به تهران برگشتند.	
..... به هتل رسیدند و فهمیدند کیف دستی آنها گم شده است.	
..... او متوجه شد که کیف دستی در صندوق عقب است.	

ج) یک بار دیگر به این خاطره‌ها گوش دهید. کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است؟

<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	الف) رستوران در یک شهر کوچک بود.	۱
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	ب) غذای آن رستوران خیلی ارزان بود.	
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	الف) او همه حرم را به تنهایی دنبال دخترش گشت.	۲
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	ب) دختر او در حرم خوابیده بود.	
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	الف) وقتی به هتل رسیدند، متوجه شدند که پول ندارند.	۳
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	ب) آنها کیف پول را پیدا کردند و دوباره به تبریز برگشتند.	



مشکلات حمل و نقل

ماشینم خراب شد ماشینم پنچر شد تصادف کردیم هواپیما تأخیر داشت پروازم کنسل شد



- سلام؛ رسیدن بخیر.
- سلام؛ سلامت باشی.
- خب، تعریف کن. خوش گذشت؟
- راستش را نخواهی، نه خیلی.
- چرا؟ اتفاقی افتاد؟
- اوایل سفر خوب بود، اما بعد ماشینم خراب شد.
- جدی؟ بعد چه شد؟
- یک روز در جاده بودم تا ماشینم را درست کردم.
- چقدر بد! خب بعد چکار کردی؟
- بعد از اینکه ماشینم را درست کردم. نزدیک شهر خوابم برد و با ماشین روبرو تصادف کردم.
- واقعاً، چقدر بد شد! ماشین چه شد؟
- ماشین را به تعمیرگاه بردم و خودم با اتوبوس برگشتم.
- ان شاء الله بلا دور است. خدا را شکر که سالم هستی.



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- ماشینم خراب شد.
- ماشینم پنچر شد.
- تصادف کردیم.
- پروازم لغو شد.
- کیفم را دزدیدند.
- پاسپورتم گم شد.
- غذاهای آنجا بدمزه بود.
- آنجا غذاهای حلال نداشت.
- زبان آن کشور را بلد نبودم.
- هوا خیلی آلوده بود.
- هوا خیلی گرم بود.
- هواپیما تأخیر داشت.



سفر کردن چه تأثیری در زندگی شما داشته است؟

تا به حال به چند کشور سفر کرده‌اید؟



آیا شهر شما، شهر توریستی است؟

گردشگری یک صنعت است و صنعت یعنی پول. در خیلی از کشورهای دنیا معدن یا کارخانه‌های زیادی وجود ندارد، این کشورها معمولاً سعی می‌کنند با جذب گردشگر پول به دست آورند. هر گردشگر پول زیادی را با خود به یک شهر یا کشور دیگر می‌آورد و آن را خرج می‌کند.



من با این موضوع که صنعت گردشگری می‌تواند با خود کلی پول به یک شهر یا کشور بیاورد، موافقم؛ اما به چه قیمتی؟ هر شهر و روستایی فرهنگ خاص خودش را دارد و رفت و آمد گردشگر به یک شهر، باعث می‌شود فرهنگ‌های مردم در شهرهای کوچک از بین برود.



من مخالفم؛ زیرا ممکن است زمانی که مردمی از یک فرهنگ دیگر به شهر شما می‌آیند، فرهنگ‌های زیبای شما را یاد بگیرند و با خود به شهرهای خودشان ببرند. گردشگری باعث می‌شود فرهنگ یک شهر منتشر شود، نه اینکه از بین برود.



آمدن گردشگر به یک شهر خوب است؛ اما وقتی گردشگرها با خودشان مقدار زیادی پول حمل می‌کنند، باعث می‌شود تا دزدها و خلاف کارها بیشتر به این شهرها بروند. زمانی که دزدها به شهر بیایند، امنیت شهر از بین می‌رود.



دزدی فقط مخصوص شهرهایی نیست که در آن گردشگر زیاد است. دزدها در هر شهری هستند. آمدن گردشگر باعث می‌شود تا بیکاری از بین برود و جوانان بیشتر بتوانند کار کنند.



بله! گردشگرها با خود پول می‌آورند؛ اما هر سال بعضی از همین گردشگرها بخش‌های زیادی از جنگل‌ها، بیابان‌ها و دریاچه‌ها را آلوده می‌کنند. من اینگونه گردشگرها را اصلاً دوست ندارم.



نظر شما چیست؟

شما با آمدن گردشگر به شهرتان موافق هستید؟ چرا؟



جزیره کیش یکی از جزیره‌های خلیج فارس است که در جنوب ایران قرار دارد. زبان مردم این جزیره فارسی و عربی و دین بیشتر آنها اسلام است. مساحت این جزیره در حدود نود کیلومتر مربع است؛ اما همین جزیره نسبتاً کوچک سالانه بیش از یک میلیون گردشگر را از سرتاسر دنیا به خود جذب می‌کند.



جاذبه‌های گردشگری

علاوه بر آثار تاریخی که در جزیره کیش وجود دارد، پارک‌های ساحلی و تفریحی بسیاری نیز در آن به چشم می‌خورد؛ مانند:

- **پارک دلفین کیش:** پارک دلفین از مکان‌های منحصر به فرد در غرب آسیا است. شما و گردشگران می‌توانید دلفین‌ها را در اینجا از نزدیک مشاهده کنید. هزینه ورودی برای هر بازدیدکننده حدود ۲۰۰/۰۰۰ تومان است.

- **پارک درخت سبز:** قدیمی‌ترین درختان جزیره در این پارک هستند.

شما و خانواده عزیزتان می‌توانید از گردش در این پارک لذت ببرید. ورود به پارک درخت سبز برای همه رایگان است.

- **کشتی یونانی:** از جاذبه‌های مهم گردشگری جزیره کیش کشتی یونانی در یکی از سواحل کیش است بازدید از این کشتی نیز برای همه رایگان است. شما می‌توانید در اینجا عکس‌های فوق‌العاده‌ای بگیرید.

- **شهر زیرزمینی کاریز:** این شهر بیش از ۲۵۰۰ سال پیش در جزیره کیش ساخته شده است. این شهر در حال حاضر حدود شانزده متر زیر سطح زمین است و یکی از جاذبه‌های گردشگری مهم در کیش به حساب می‌آید. هزینه ورودی این شهر زیبایی زیرزمینی برای هر گردشگر تنها ۳۰/۰۰۰ تومان است.

در خیابان‌های جزیره کیش به خاطر رعایت دقیق قوانین رانندگی چراغ راهنمایی وجود ندارد. علاوه بر این، بزرگترین پرچم ایران نیز در این جزیره وجود دارد. شما می‌توانید از پیست‌های سوارکاری، دوچرخه‌سواری و اتوموبیل‌رانی جزیره کیش لذت ببرید. حتی می‌توانید در خلیج فارس غواصی کنید و جت اسکی سوار شوید. اسکی روی آب نیز از تفریحات جزیره کیش است. از همه مهم‌تر اینکه، این تفریحات در یک کشور اسلامی وجود دارد؛ پس بانوان می‌توانند، علاوه بر تفریحات معمولی، از محل‌هایی که در جزیره کیش مخصوص بانوان طراحی شده است، لذت ببرند.



در متن نیست



با توجه به متن کدام جمله درست و کدام نادرست است؟

- | | | | |
|-----------------------|-----------------------|-----------------------|---|
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۱. جزیره کیش کوچکترین جزیره خلیج فارس است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۲. دین اکثر مردم در این جزیره دین اسلام است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۳. ورودی پارک دلفین‌های کیش از ورودی شهر زیرزمینی کاریز گرانتر است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۴. ورودی پارک درخت سبز از ورودی کشتی یونانی ارزانتر است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۵. قدیمی‌ترین درخت‌های ایران در پارک درخت سبز است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۶. شهر زیرزمینی کاریز از آثار تاریخی جزیره کیش است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۷. در جزیره کیش محل‌های تفریحی برای بانوان بیشتر از آقایان است. |



درباره خاطرۀ یکی از سفرهای بد خود، سخنرانی کنید.



سخنرانی



ماضی بعید

فعل ماضی بعید برای نشان دادن عملی به کار می‌رود که در زمان گذشته قبل از کار دیگری انجام شده است.



ساخت واژه

صفت مفعولی = بن ماضی + ه	صفت مفعولی + بود + شناسه = ماضی بعید
--------------------------	--------------------------------------

مثال: وقتی به مدرسه رسیدم، معلم به کلاس رفته بود.
وقتی آنها آمدند، هواپیما رفته بود.

نیازی نیست همیشه برای نشان دادن اتفاق اول از گذشته ساده استفاده کنیم؛
دو کلمه «قبل از» و «پیش از» می‌توانند نشان‌دهنده اتفاق اول و دوم باشند.

مثال: پیش از خوردن غذا دست‌هایش را نشسته بود.
سارا قبل از اینکه من برسم، تکلیف‌هایش را نوشته بود.



الف) جاهای خالی را با فعل مناسب کامل کنید.

۱. سمیرا تازه به خانه که دوستش با او تماس گرفت. (رسیدن)
۲. قبل از اینکه سوار ماشین شوم، دوستم را (دیدن)
۳. هنوز تکالیفم را که برنامه تلویزیونی مورد علاقه‌ام شروع شد. (انجام دادن)
۴. پیش از اینکه بخوابد، غذایشان را (خوردن)
۵. در اتاقش که ناگهان صدای عجیبی شنید. (خوابیدن)

ب) جاهای خالی را با فعل مناسب کامل کنید.

سارا و خواهرش پارسال به مسافرت (رفتن). وقتی آنها به فرودگاه (رسیدن)،
هواپیما (پرواز کردن). سارا از خواهرش (خواستن) که با اتوبوس بروند.
آنها با اتوبوس به سفر (رفتن). وقتی به هتل (رسیدن)، اتاق‌های هتل
..... (پر شدن)؛ آنها خیلی ناراحت شدند و به مدیر هتل (گفتن)، آنها از قبل
یک اتاق (رزرو کردن)؛ اما مدیر هتل گفت: چون آنها خیلی دیر به هتل
(آمدن)، آنها اتاق را به یک خانواده دیگر (دادن).



انشا: دربارهٔ یک خاطرهٔ تلخ از سفر انشا بنویسید.

موضوع: خاطرهٔ تلخ در سفر

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوعهای آن)

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا)

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)

خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

نمرهٔ توصیفی: عالی (۲۰-۱۹) خیلی خوب (۱۸-۱۷)

واژه‌های جدید

خلمه سس، سوسیس، فلفل دلمه، استخوان، گوشت چرخ کرده، گوشت راسته، خوردن انگشتان، املت، چرب، شور، تند، تلخ، ترش، آخ جان، غذای سنگین، غذای سبک، آبدار، فست فود، عادت بد غذایی، تندتند، درصد، سیب زمینی سرخ کرده، زیاده‌روی، سوخاری، کلسترول، مصرف کردن، پذیرفته، ناپذیرفته، میزان، نفی، تاکید، عاقلانه، ماهرانه، هوشمندانه، آهسته، مطلقاً، هیچ‌گاه، بی‌شک، بی‌تردید، بی‌احترامی

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. انواع مزه‌ها را بشناسد.
۲. با عادت‌های خوب و بد غذایی آشنا شود.
۳. تفاوت انواع فست‌فود را بداند.
۴. انواع قید را بشناسد.
۵. بتواند به‌خوبی از انواع قید استفاده کند.



درس پانزدهم: پخت و پز



واژه‌ها و اصطلاحات



هریک از مواد غذایی زیر را چند بار در هفته استفاده می‌کنید؟ جدول زیر را کامل کنید.

بار در هفته	۱۹. گوچه	بار در هفته	۱۰. سس گوجه‌فرنگی	بار در هفته	۱. پرتقال
بار در هفته	۲۰. گوشت با استخوان	بار در هفته	۱۱. سس مایونز	بار در هفته	۲. پنیر
بار در هفته	۲۱. گوشت چرخ‌کرده	بار در هفته	۱۲. سوسیس	بار در هفته	۳. پیاز
بار در هفته	۲۲. گوشت راسته	بار در هفته	۱۳. سیب	بار در هفته	۴. تخم مرغ
بار در هفته	۲۳. لپه	بار در هفته	۱۴. سیب‌زمینی	بار در هفته	۵. خامه
بار در هفته	۲۴. لوبیا	بار در هفته	۱۵. شیر	بار در هفته	۶. دوغ
بار در هفته	۲۵. نخود	بار در هفته	۱۶. عدس	بار در هفته	۷. رب گوجه
بار در هفته	۲۶. مرغ	بار در هفته	۱۷. فلفل دلمه	بار در هفته	۸. روغن
بار در هفته	۲۷. موز	بار در هفته	۱۸. کره	بار در هفته	۹. زیتون



واژه‌ها و اصطلاحات



مواد غذایی بالا را در دسته‌های مناسب قرار دهید. (به هر بخش حداقل یک مورد اضافه کنید).



حبوبات	گوشت‌ها	میوه‌ها
سایر چیزها	سبزیجات	لبنیات



واژه‌ها و اصطلاحات

دو ستون زیر را به هم وصل کنید.

- | | |
|---|---|
| <input type="radio"/> الف) این خورشت فسنجان خیلی خوشمزه است. | <input type="radio"/> ۱. خیلی هوس خورشت فسنجان کرده‌ام! |
| <input type="radio"/> ب) خیلی دوست دارم امروز خورشت فسنجان بخورم. | <input type="radio"/> ۲. خورشت فسنجان با دوغ می‌چسبد! |
| <input type="radio"/> پ) در خورشت فسنجان پیاز بریز. | <input type="radio"/> ۳. انگشت‌هایت را با این خورشت فسنجان می‌خوری! |
| <input type="radio"/> ت) خورشت فسنجان با دوغ خیلی خوشمزه‌تر است. | <input type="radio"/> ۴. این خورشت فسنجان حرف ندارد! |
| <input type="radio"/> ث) این خورشت فسنجان خیلی خوب است. | <input type="radio"/> ۵. به خورشت فسنجان پیاز اضافه کن. |



شنیدن

الف) در هر گفتگو درباره چه موادی صحبت می‌کنند؟

- | | | | | | | |
|-------------|-------------|-------------|-------------|---------------|-------------|--------------|
| سیب زمینی | گوجه | روغن | گوشت | پیاز | لپه | گفتگوی اول |
| کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | |
| گوجه | روغن | تخم مرغ | رب گوجه | نان | پیاز | گفتگوی دوم |
| کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | |
| لفل دلمه | پنیر | سوسیس | پیاز | گوشت چرخ‌کرده | گوجه | گفتگوی سوم |
| کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | |
| گوشت راسته | پیاز | نان | لوبیا | نخود | سیب زمینی | گفتگوی چهارم |
| کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | کافی ناکافی | |

ب) یک بار دیگر گفتگو را گوش کنید و بگویید آیا این مواد به اندازه کافی وجود دارد یا ندارد؟



ج) یک بار دیگر به گفتگو گوش دهید؛ کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است؟

- | | | |
|--|-----------------------|---|
| <input type="radio"/> الف) او دوست دارد برای شام خورشت قیمه بخورد. | <input type="radio"/> | ۱ |
| <input type="radio"/> ب) آنها دوست دارند به همراه خورشت قیمه نوشابه بخورند. | <input type="radio"/> | |
| <input type="radio"/> الف) آنها بعد از تماشای فیلم به رستوران می‌روند. | <input type="radio"/> | ۲ |
| <input type="radio"/> ب) او املت را با سس گوجه بیشتر از املت با رب گوجه دوست دارد. | <input type="radio"/> | |
| <input type="radio"/> الف) او در پیتزا به جای سوسیس از گوشت مرغ استفاده می‌کند. | <input type="radio"/> | ۳ |
| <input type="radio"/> ب) آنها می‌خواهند به پیتزا، پیاز بزنند. | <input type="radio"/> | |
| <input type="radio"/> الف) آنها امروز ظهر در رستوران آبگوشت می‌خورند. | <input type="radio"/> | ۴ |
| <input type="radio"/> ب) برای پختن آبگوشت باید از گوشت راسته یا گوشت با استخوان استفاده کرد. | <input type="radio"/> | |

انواع غذا

سنگین

شیرین

شور

چرب

سبک

ترش

تلخ

تند

غذاهای



- چرا فلفل زیاد توی غذا می‌ریزی؟

- چون دارم غذای هندی می‌پزم.

- شما چه نوع غذایی را بیشتر دوست دارید؟

- من بیشتر غذاهای تند را دوست دارم. شما چه غذایی را دوست دارید؟

- من بیشتر غذای ترش و شیرین مثل فسنجون را خیلی دوست دارم.

- من اصلاً غذای ترش و شیرین دوست ندارم. شما شب‌ها چه می‌خوری؟

- من شب‌ها غذاهای سبک مثل سوپ می‌خورم. شما چی می‌خوری؟

- من هم شب‌ها غذای سبک می‌خورم؛ اما جمعه‌ها کله‌پاچه می‌خورم.

- کله‌پاچه؟ کله‌پاچه خیلی چرب و سنگین است.

- بله چرب و سنگین است؛ اما هفته‌ای یک بار می‌خورم.



کار گروهی

مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- شما چه غذایی را بیشتر دوست داری؟
- شب‌ها چه غذایی می‌پزی؟
- آبگوشت خیلی چرب است.
- غذاهای مکزیکی خیلی تند هستند.
- این هندوانه خیلی شیرین و آبدار است.
- آشپزی مادر بزرگم خیلی خوب است.
- من شب‌ها غذای ساده و سبک می‌خورم.
- من غذاهای ترکی را خیلی دوست دارم.
- آشپزی شما چطور است؟
- آشپزی من خوب نیست.
- این دوغ کمی تلخ است.
- این ماکارونی خیلی شور است.
- این شیر بوی بدی می‌دهد.
- این هندوانه شیرین نیست.
- من غذاهای چرب و سنگین را خیلی دوست دارم.
- من فست فود نمی‌خورم.



آیا شما عادت بد غذایی دارید؟

به نظر شما بدترین عادت غذایی چیست؟



آیا رژیم غذایی شما مناسب است؟

آیا می دانید «عادت بد غذایی» یعنی چه؟

گوشت، برنج و نان پر از پروتئین و مواد قندی هستند، اما در آنها ویتامین‌های مختلف وجود ندارد. ویتامین‌ها بیشتر در میوه‌ها و سبزیجات هستند؛ به نظر من بدترین عادت غذایی نخوردن میوه و سبزیجات است.



به نظر من صبحانه نخوردن بدترین عادت غذایی است. من صبح‌ها خیلی زود سر کار می‌روم؛ و فرصت ندارم تا صبحانه بخورم. روزهایی که صبحانه نمی‌خورم، خیلی کم انرژی هستم.



من صبحانه خیلی زیاد می‌خورم و نمی‌توانم در طول روز زیاد غذا بخورم. وقتی شب‌ها به خانه می‌آیم، بسیار گرسنه هستم؛ برای همین، قبل از خوابیدن زیاد غذا می‌خورم؛ من فکر می‌کنم بدترین عادت غذایی شام خوردن زیاد قبل از خواب است.



عادت‌های غذایی بدتری هم هست؛ مثلاً برادر من زیاد غذا نمی‌خورد؛ اما همیشه خیلی تندتند غذا می‌خورد؛ برای همین؛ معمولاً دل‌درد دارد. به نظر من تندتند غذا خوردن بدترین عادت غذایی است.



من فکر می‌کنم، بدترین عادت غذایی این است که در زمان غذا خوردن تلویزیون ببینید؛ این کار باعث می‌شود شما با آرامش غذا نخورید. غذا خوردن بدون آرامش برای سلامتی معده بسیار خطرناک است.



آب نخوردن هم کار خوبی نیست. بعضی‌ها در طول روز خیلی کم آب می‌خورند. از این بدتر اینکه بعضی‌ها به جای آب، نوشابه‌های قندی می‌خورند. به نظر من این بدترین عادت غذایی است.



به نظر شما بدترین عادت غذایی چیست؟
چطور می‌توانیم وزن خود را کاهش و افزایش دهیم؟



خوردن فست‌فود یعنی چاق شدن؛ اما آیا می‌توانیم این غذاها را طوری درست کنیم که سالم باشند. پزشکان فست‌فودها را به سه دسته «قرمز»، «زرد» و «سبز» تقسیم می‌کنند. برای خوردن یک فست‌فود سالم، سه قانون وجود دارد:



قانون اول: فست‌فودهای قرمز را نخورید.

قانون دوم: فست‌فودهای زرد را زیاد نخورید.

قانون سوم: فست‌فودهای سبز سالم هستند؛ می‌توانید آنها را بخورید.

فست‌فودهای قرمز

درصد چربی غذاهای این گروه از یک گرم بیشتر است؛ مثلاً سیب‌زمینی سرخ‌کرده در گروه غذاهای قرمز قرار دارد؛ زیرا بیشتر رستوران‌ها برای سرخ کردن آن از روغن‌های معمولی و ارزان استفاده می‌کنند؛ البته غذاهایی که در روغن‌های سالم سرخ شوند، برای سلامتی شما مفید هستند. غذاهایی که مقدار زیادی گوشت قرمز دارند نیز جزء گروه فست‌فودهای قرمز هستند؛ هم‌چنین بیشتر دسرهایی که در رستوران‌ها دیده می‌شوند، جزء گروه قرمز هستند.



فست‌فودهای زرد

فست‌فودهای زرد خیلی خطرناک نیستند؛ اما آنقدر هم سالم نیستند که آنها را در گروه سبز قرار دهیم؛ برای مثال، پیتزای معمولی جزء فست‌فودهای زرد است. در پیتزا روغن و گوشت قرمز زیادی وجود ندارد؛ اما در آن سبزیجات هم زیاد نیست. مرغ سوخاری هم در فست‌فودهای زرد قرار می‌گیرد.



فست‌فودهای سبز

غذاهایی که در این گروه هستند بسیار مفیدند. این غذاها معمولاً از میوه‌ها، سبزیجات و روغن‌های سالم درست می‌شوند. غذاهایی مثل سالادها، تخم مرغ و پیش‌غذاهایی که با سبزیجات درست می‌شوند، جزء این گروه هستند.



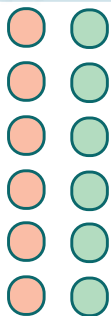
غذاهای سبز، چربی و نمک کمی دارند این غذاها را می‌توان هر روز مصرف کرد.

با انتخاب غذاهای سبز شما می‌توانید هم فست‌فود بخورید و هم سالم بمانید.

غذاهای سبز همیشه شکل طبیعی دارند؛ مثلاً سالاد همیشه شکل طبیعی سبزیجات است؛ بنابراین سالاد یک غذای سالم است.



جملات زیر درست یا نادرست هستند؟



۱. سیب‌زمینی‌ای که در روغن معمولی سرخ شود، در گروه فست‌فودهای سبز قرار دارد.
۲. پیتزای معمولی و مرغ سوخاری در گروه فست‌فودهای قرمز هستند.
۳. غذاهایی مثل سالادها، تخم مرغ‌ها جزء فست‌فودهای زرد هستند.
۴. فست‌فودهای زرد از فست‌فودهای قرمز سالم‌تر هستند.
۵. معمولاً در فست‌فودهای سبز، مواد غذایی شکل طبیعی خود را ندارند.
۶. غذاهایی که مقدار زیادی گوشت قرمز دارند نیز جزء گروه فست‌فودهای قرمز هستند.



قید کلمه یا گروهی از کلمات است که مفهومی را به مفهوم فعل، صفت، مسند یا قید دیگر اضافه می‌کند.

انواع قید از نظر معنا	نمونه‌ها	جمله‌ها
پذیرفته بودن ناپذیرفته بودن زمان مکان چگونگی تکرار میزان و درجه نفی تأکید	خوب، عاقلانه، ماهرانه، هوشمندانه بد، نادرست زود، دیر، اکنون، حالا، همیشه، بعد دور، نزدیک، جلو، عقب، بیرون آهسته، تند دوباره، همیشه کم، زیاد، فراوان، بسیار نه، هیچ، هرگز، مطلقاً، هیچ‌گاه البته، هم، نیز، بی‌شک، بی‌تردید	او عاقلانه رفتار کرد. خانه را بد تمیز کردی! من همیشه همین کار را انجام می‌دهم. بچه‌ها بدون اجازه پدر بیرون نمی‌روند. او خیلی تند غذا می‌خورد. پرویز دوباره به دوستش حرف بد زد. سعید زیاد از خانه بیرون نمی‌رفت. هرگز به پدر و مادرت بی‌احترامی نکن. من هم تفریح را دوست دارم.

الف) گزینه مناسب را برای هر جمله انتخاب کنید.

۱. معلم به علی گفت: « باید درس بخوانی تا بتوانی در امتحان موفق شوی. »
الف) به آرامی (ب) خوب (پ) البته (ت) کم
۲. من غذاهای تند را دوست دارم؛ برادرم همین‌طور.
الف) خوب (ب) بسیار (پ) هم (ت) دوباره
۳. اول کتاب هایت را جمع کن؛ به پارک برو.
الف) زود (ب) دیر (پ) بعد (ت) قبل
۴. یادم رفت اجاق گاز را خاموش کنم، غذا سوخت.
الف) البته (ب) کمی (پ) خوب (ت) سپس
۵. هادی دست پخت مادرش را دوست دارد.
الف) خیلی (ب) هرگز (پ) زود (ت) اصلاً

ب) متن زیر با قیده‌های مناسب کامل کنید. (بعضی واژه‌ها می‌تواند دو بار استفاده شود).

البته ابتدا به آرامی حدوداً اکنون خوب سپس مدام در انتها کمی

طرز تهیه شله زرد

ابتدا برنج را خوب می‌شوئیم؛ به مدت دو ساعت برنج را در آب خیس می‌کنیم. آب برنج را خالی می‌کنیم. در مرحله بعد، برنج را با آب در قابلمه می‌ریزیم. وقتی آب جوش آمد، حرارت آن را کم می‌کنیم و صبر می‌کنیم تا بپزد. بعد از دو ساعت، زعفران را به برنج اضافه می‌کنیم. وقتی برنج پخت، شکر را به آن اضافه می‌کنیم. گلاب و روغن را در قابلمه می‌ریزیم و هم می‌زنیم. اضافه کردن بادام به سلیقه شما بستگی دارد. شله زرد شما آماده است. نوش جان.



انشا: دربارهٔ غذاهای مخصوص کشور خود، انشا بنویسید.

موضوع: غذاهای کشورم

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوعهای آن)

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا)

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)

خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

نمرهٔ توصیفی: عالی (۲۰-۱۹) خیلی خوب (۱۸-۱۷)

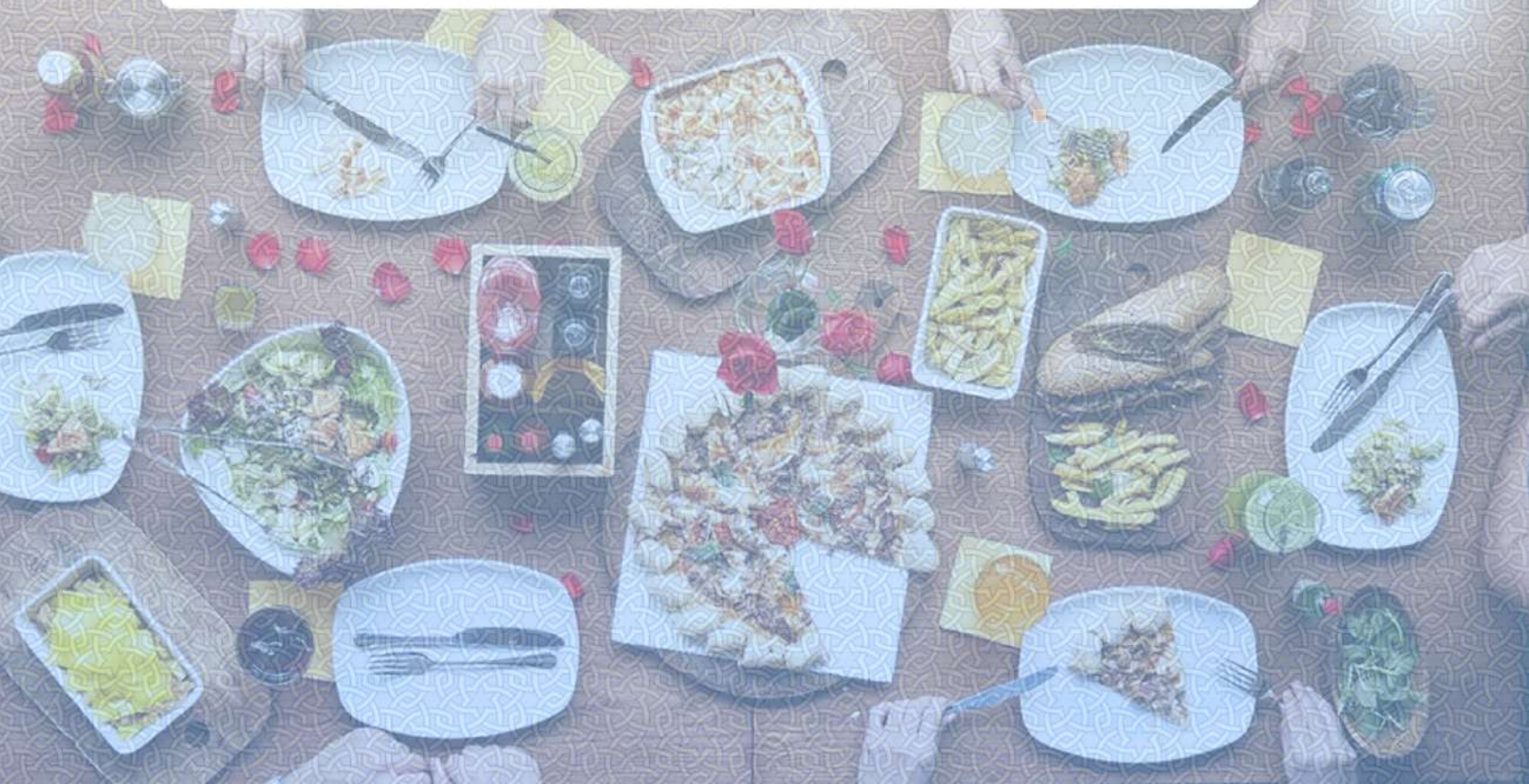
واژه‌های جدید

کباب کوبیده، کباب برگ، سینه مرغ، پودر، به روی چشم، میل داشتن، دوغ گازدار، سیخ، بطری، پیاله، پارچ، کاسه، رایگان، آشکار، یک دست، سرآشپز، اسراف، پُرس، سیر شدن، فرم نظرخواهی، انتقال، دلستر

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از غذاهای ایرانی و مواد اولیه آنها آشنا شود.
۲. روش صحبت کردن و سفارش غذا در رستوران را بداند.
۳. بداند که غذاها و نوشیدنی‌های گوناگون به چه صورت سرو می‌شوند.
۴. ویژگی‌های یک رستوران خوب را بشناسد.
۵. کاربرد مصدر را بداند و بتواند به‌خوبی از آن در جمله استفاده کند.



درس شانزدهم: رستوران

واژه‌ها و اصطلاحات



به نظر شما کدام غذا خوشمزه‌تر است؟
شما کدام غذا را دوست ندارید؟
آیا در کشور شما غذایی شبیه به غذاهای ایرانی وجود دارد؟

<p>کباب برگ مواد لازم: گوشت راسته - پیاز روغن زیتون - نمک و فلفل</p> 	<p>کباب کوبیده مواد لازم: گوشت چرخ‌کرده - پیاز - نمک و فلفل</p> 
<p>قیمه مواد لازم: لپه - پیاز - گوشت - برنج</p> 	<p>کباب بختیاری مواد لازم: گوشت راسته - سینه مرغ - پیاز آبلیمو، نمک و فلفل</p> 
<p>فسنجان مواد لازم: پودر گردو - پیاز - مرغ یا گوشت چرخ‌کرده - برنج</p> 	<p>جوجه کباب مواد لازم: سینه مرغ - پیاز - آبلیمو - نمک و فلفل</p> 
<p>قورمه سبزی مواد لازم: گوشت - سبزی - پیاز - لوبیا - برنج</p> 	<p>چلومرغ مواد لازم: مرغ - هویج - پیاز - برنج</p> 

واژه‌ها و اصطلاحات



گفتگو در رستوران: به نظر شما هر جمله را چه کسی گفته است؟ در جدول زیر بنویسید.

بی‌زحمت چند تا نوشابه برایمان بیاورید.	(می‌شود لطفاً) دو پرس فسنجان برایمان بیاورید؟	به روی چشم!
امر دیگری ندارید؟	چیز دیگری میل ندارید؟	دستتان درد نکند.
اگر امکانش هست چند تا نوشابه برایمان بیاورید.	نوشیدنی چه میل دارید (بیاورم خدمتتان)؟	منوی غذا را لطف می‌کنید؟
بفرمایید، در خدمتتان هستیم.		

پیش خدمت	
	۱
	۲
	۳
	۴
	۵

مشتری	
	۱
	۲
	۳
	۴
	۵

یکی از زبان آموزان پیش خدمت است. زبان آموز دیگر با توجه به منو، غذا سفارش بدهد.

سلام آقا. لطف می‌کنید

سلام بله حتماً. دسر چه میل دارید؟

منوی غذایی

کیاب‌ها	قیمت (تومان)
کیاب کوبیده	۲۵۰۰۰
کیاب برگ	۲۹۰۰۰
بختیاری	۳۲۰۰۰
جوجه کیاب	۱۷۰۰۰
خورشت‌ها	قیمت
چلو مرغ	۱۵۰۰۰
قرمه سبزی	۱۱۰۰۰
قیمه	۱۱۰۰۰
فسنجان	۱۸۰۰۰
سوپ‌ها	قیمت
سوپ مرغ	۷۰۰۰
سوپ شیر	۸۰۰۰
سوپ گوشت	۱۰۰۰۰

سایر	قیمت (تومان)
زیتون	۵۰۰۰
ماست	۴۰۰۰
سالاد	۳۰۰۰
میوه	۸۰۰۰
نوشیدنی‌ها: رایگان	
آب معدنی	
دلستر	
چای	
نوشابه	
دوغ	



الف) هر یک از مشتری‌ها چه چیزی سفارش می‌دهند؟ تعداد آن را در جدول زیر بنویسید.

کیاب‌ها	خورشت‌ها	سوپ‌ها	سایر	نوشیدنی‌ها
کوبیده	جوجه	سوپ مرغ	زیتون	دوغ
برگ	چلو مرغ	سوپ شیر	ماست	نوشابه
بختیاری	قرمه سبزی	سوپ گوشت	سالاد	میوه
جوجه	فسنجان			
چلو مرغ				
دوغ				
نوشابه				
آب معدنی				

ب) یک بار دیگر گفتگوها را بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.

-
- ۱ الف) دوست او سوپ نمی‌خورد.
- ب) آنها دوغ گازدار دوست ندارند.
- ۲ الف) او قورمه سبزی‌های این رستوران را خیلی دوست دارد.
- ب) آنها جوجه کیاب را با برنج می‌خورند.
- ۳ الف) آنها سوپ نمی‌خواهند.
- ب) آنها نوشیدنی نمی‌خواهند.
- ۴ الف) آنها سوپ این رستوران را خیلی دوست دارند.
- ب) او مرغ دوست ندارد.

برای جمله‌های زیر عدد مناسب را بنویسید.



<input checked="" type="radio"/>	(الف) یک بطری آب معدنی (۲)
<input type="radio"/>	(ب) یک کاسه آش رشته
<input type="radio"/>	(پ) یک پیاله ماست
<input type="radio"/>	(ت) یک قوری چای
<input type="radio"/>	(ث) یک پارچ دوغ
<input type="radio"/>	(ج) دو سیخ جوجه کباب
<input type="radio"/>	(چ) یک پرس چلومرغ
<input type="radio"/>	(ح) یک ظرف سالاد



- سلام، در خدمتتان هستم. انتخاب کردید؟
- سلام بله. لطفاً هفت پرس چلوکباب کوبیده و یک پیتزای مرغ.
- ماست، سالاد یا ترشی. کدام را میل می‌کنید؟
- هشت پیاله ماست و شش ظرف سالاد برایمان بیاورید.
- ترشی میل ندارید؟
- نه، متشکرم.
- نوشیدنی چطور؟ نوشیدنی بیاورم خدمتتان؟
- نوشیدنی سرد چه دارید؟
- نوشابه و دوغ.
- لطفاً یک دوغ خانواده و چهار تا نوشابه برایمان بیاورید.
- بله، حتماً.



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.



- انتخاب کردید؟
- ترشی، سالاد یا ماست؟
- چه میل دارید؟
- سالاد نداریم.
- شرمندانه برنجان تمام شده.
- دوغ داریم، اما گرم است / خنک نیست.
- سالاد رایگان است.
- سبزی خوردن هم بیاورم خدمتتان؟
- از غذایتان راضی بودید؟
- نظر لطف شماست.
- منو را لطف می‌کنید؟
- می‌خواهم سوپنتان را امتحان کنم.
- می‌شود لطفاً یک کاسه آش / یک پیاله ترشی / یک لیوان آب / یک پارچ دوغ و ... برایمان بیاورید؟
- من فسنجان با مرغ / گوشت دوست ندارم.
- نوشابه / دوغ / چای / قهوه / آب و ... هم دارید؟
- صورت حساب را لطف می‌کنید؟
- می‌شود برای ما یک قاشق / چنگال / لیوان اضافه بیاورید؟
- یک مقدار نان / نمک / فلفل / شکر می‌خواستم.



آیا شما آشپز خوبی هستید؟
غذای مورد علاقه شما چیست؟



آیا مادر شما آشپز بهتری است یا شما یا همسرتان؟
شما بیشتر دوست دارید در خانه غذا بخورید یا در رستوران؟

من عاشق غذاهای رستوران هستم. من آدم تنبلی نیستم، اما از آشپزی زیاد خوشم نمی آید؛ برای همین، بیشتر دوست دارم با شوهرم برای غذا خوردن به یک رستوران خیلی خوب بروم.



غذای رستوران‌ها خیلی گران است؛ نمی شود هر شب به رستوران رفت.



من و شوهرم هر روز از صبح تا شب سر کار هستیم و فرصت آشپزی کردن نداریم. برای همین همیشه به رستوران می رویم. به نظر من، غذا خوردن در رستوران بسیار خوب است؛ چون با این کار من هر روز کلی وقت دارم تا در خانه کارهای هنری کنم و آنها را بفروشم. از زمانی که من هم کار می کنم، درآمد ما خیلی خوب شده است و هر سال می توانیم به سفرهای زیارتی و تفریحی برویم.



غذا خوردن در خانه برای همه بهتر است. اینکه مادر برای خانواده غذا درست می کند و همه دور میز می نشینند و باهم غذا می خورند، خیلی زیباست. من دوست دارم غذایی را بخورم که همسرم با عشق برایم پخته است.



غذای خانگی و غذای رستوران فرقی نمی کند. مهم محبت است. اگر همان غذای رستوران را با محبت و در کنار خانواده بخورید، باز هم عشق در غذا وجود دارد. در دنیای امروز افراد دیگر وقت ندارند آشپزی کنند.



استفاده از زمان مهم است؛ اما خانواده از آن مهم تر است. غذا خوردن در خانه، باعث محبت بین اعضای خانواده می شود. برای استفاده از زمان هم می شود برنامه ریزی کرد؛ مثلاً روزهای زوج شما آشپزی کنید و روزهای فرد شوهرتان.



ببخشید جمعه ها چه کار کنیم؟ غذا نخوریم؟



من به غذای رستوران‌ها اعتماد ندارم؛ برای همین هیچ وقت به رستوران نمی روم. دوست دارم بدانم برای پختن غذا از چه موادی استفاده شده است؛ مثلاً گوشت تازه است یا نه؟ از چه روغنی در آن استفاده شده؟ دوست دارم بدانم در غذایی که می خورم چه چیزی وجود دارد.





غذا خوردن بیرون از منزل یکی از تفریح‌های ما است. بعضی از خانواده‌ها به رستوران‌های گران قیمت و بعضی هم به رستوران‌های ارزان قیمت می‌روند. فرقی نمی‌کند رستورانی که به آنجا می‌روید، غذای ایرانی یا غذای غیر ایرانی دارد؛ مهم این است که آن رستوران ویژگی‌های یک رستوران خوب را داشته باشد.



به نظر شما ویژگی‌ها و خصوصیات یک رستوران خوب چیست؟

باید مدیر رستوران در کنار

مشتریان باشد.

وقتی مدیر رستوران در جایی که مشتریان غذا می‌خورند قدم می‌زند و درباره کیفیت غذا با آنها حرف می‌زند، مشتریان احساس بهتری دارند. این کار نشان می‌دهد که برای این رستوران نظر مشتری‌ها خیلی مهم است. وجود فرم‌های نظرخواهی نیز می‌تواند این حس خوب را به مشتری‌ها می‌دهد.



آشپزخانه باید دیده شود.

در رستوران‌هایی که مشتری می‌تواند آشپزخانه را ببیند بیشتر به اصول بهداشتی توجه می‌شود. در این رستوران‌ها کارکنان و آشپزها با دقت بیشتری به اصول بهداشتی توجه می‌کنند.

پرس‌های غذا به اندازه

یک رستوران خوب در مصرف مواد غذایی اسراف نمی‌کند. تمام پرس‌های غذا در رستوران باید به اندازه یک فرد عادی باشد. یک پرس غذای استاندارد مقداری است که مشتری با خوردن آن سیر شود.



توجه به اصول بهداشتی

رعایت اصول بهداشتی در رستوران بسیار مهم است. کارکنان یک رستوران خوب، همیشه کلاه، دستکش و لباس‌های زیبا و تمیز دارند. آنها باید وقتی مشتریان غذایشان تمام شد، خیلی سریع و با دقت میزهای غذا را تمیز کنند. دیگر اینکه با مشتریان هنگام ورود و خروج از رستوران با لبخند و محترمانه برخورد کنند.



داشتن میزهای شیشه‌ای

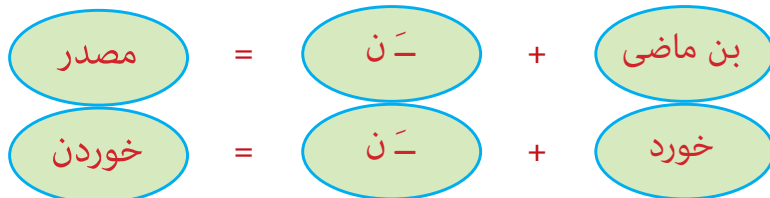
میزها، ظرف‌ها، پارچ‌ها و لیوان‌ها در رستوران باید شیشه‌ای باشند نه پلاستیکی. مواد پلاستیکی سریع آلوده می‌شوند و نمی‌توان به راحتی آنها را تمیز کرد. البته بهتر است برای نوشیدن مایعات از نی یا لیوان یک بار مصرف استفاده کنید تا بیمار نشوید.





مصدر فعلی

مصدر اسمی است که از فعل ساخته می‌شود. این کلمه معنای فعل را دارد، اما شخص، زمان و شماره ندارد.



کاربرد مصدر

همانطور که در گذشته خواندید، مصدر می‌تواند بعد از واژه‌های «بعد از»، «قبل از»، «برای» و «هنگام» و ... بیاید. در این درس با دو جایگاه دیگر مصدر آشنا می‌شویم.

۱. وقتی مصدر در جمله، در جایگاه مفعول است.

من + غذا پختن را + دوست دارم.

۲. مصدر بعد از حروف اضافه

من + از + غذا پختن + خوشم می‌آید.

الف) هر مصدر را به فعل خود وصل کنید.

الف) می‌نشینم	۱ خوردن
ب) بشنو	۲ شنیدن
پ) بیا	۳ کارکردن
ت) ببریم	۴ خندیدن
ث) خوردیم	۵ آمدن
ج) کار می‌کند	۶ نشستن
چ) مسواک می‌زنید	۷ بردن
ح) نخندید	۸ مسواک زدن

ب) مصدرها را در متن زیر مشخص کنید.

استفاده درست از اینترنت بسیار مهم است ما می‌توانیم برای خرید کردن، صحبت کردن و درس خواندن از اینترنت استفاده کنیم. مسئولین باید برای سالم شدن، امن شدن، ارزان شدن و سریع‌تر شدن اینترنت تلاش کنند. اینترنت به ما کمک می‌کند تا خیلی سریع‌تر کارهایمان را انجام بدهیم. ما می‌توانیم هر روز با خواندن مطالب علمی اینترنت، اطلاعات شخصی خود را زیاد کنیم.



انشا: دربارهٔ بهترین رستوران شهر خود، انشا بنویسید.

موضوع: ویژگی‌های یک رستوران خوب

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن)

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا)

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)

نمرهٔ توصیفی: عالی (۱۹-۲۰) خیلی خوب (۱۷-۱۸) خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

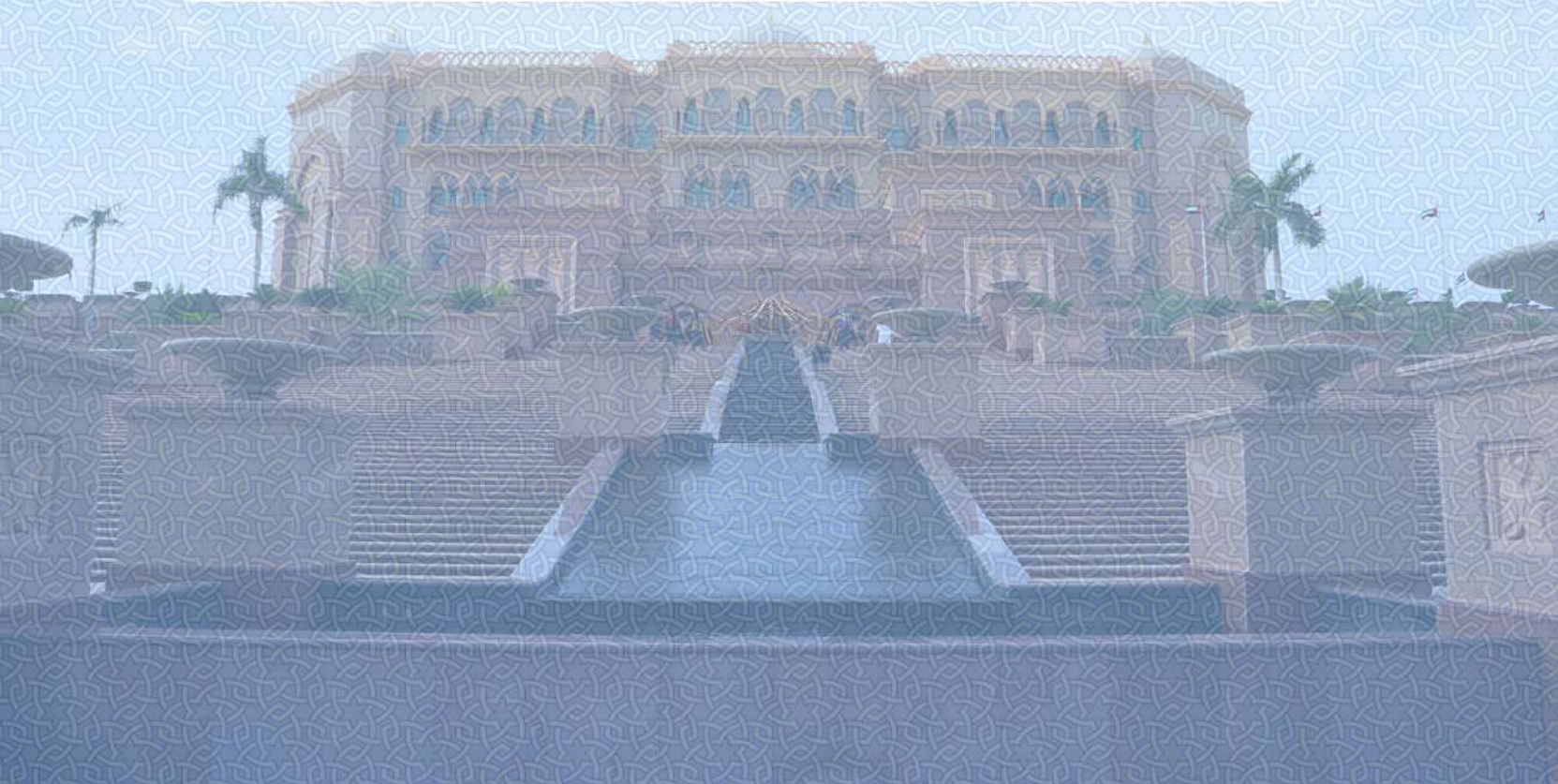
واژه‌های جدید

سوئیت، دستشویی فرنگی، دستشویی ایرانی، اینترنت بی‌سیم، تشک، خشک‌شویی، منظره، متصدی، نامرتب، به‌هم ریخته، عذرخواهی، پرسنل، فعال، سر رفتن حوصله، متنوع، به‌گونه‌ای، مجهز، استثنایی، به‌شمار آمدن، کردن

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. بخش‌های مختلف هتل را بشناسد.
۲. ویژگی‌های یک هتل خوب را بداند.
۳. با شکایت‌های معمول هتل آشنا شود.
۴. با فعل مجهول آشنا شود و بتواند از این نوع فعل در جمله استفاده کند.
۵. بداند که چگونه فعل‌های معلوم متعدی به فعل مجهول تبدیل می‌شوند.



درس هفدهم: هتل

واژه‌ها و اصطلاحات

انواع اتاق‌های هتل

اتاق سه‌تخته	اتاق دوتخته	اتاق یک‌تخته
اتاق رو به جنگل	اتاق رو به دریا	سوئیت

واژه‌ها و تصویرها را مشخص کنید.



- ۳ الف) رستوران
- ب) دستشویی فرنگی
- پ) دستشویی
- ت) سالن ورزشی
- ث) استخر
- ج) کافی‌شاپ
- چ) اینترنت بی‌سیم
- ح) تلویزیون و ماهواره
- خ) تشک اضافه
- د) خشک‌شویی

گرم

متن زیر را با واژه‌های مناسب بالا کامل کنید.

هتل خوب چه هتلی است؟ به نظر من هتل خوب هتلی است که و داشته باشد؛ چون من دوست ندارم برای خوردن غذا از هتل بیرون بروم، از این گذشته، من چای و قهوه هم زیاد می‌خورم؛ پس هم خیلی مهم است. من هر روز با لپ‌تاپم به دوستانم چت می‌کنم و ایمیل می‌زنم؛ پس هتل باید داشته باشد. من ورزش گروهی را خیلی دوست دارم و عاشق فوتبال و والیبال هستم؛ پس یک هتل خوب باید من به شنا کردن هم خیلی علاقه دارم؛ برای همین دوست دارم هتلی که در آن هستم، داشته باشد. من وقتی سفر می‌کنم خیلی با خودم لباس نمی‌برم و خیلی زود لباس‌هایم کثیف می‌شود؛ برای همین باید هتلی که رزرو می‌کنم حتماً راستی من از دستشویی فرنگی استفاده نمی‌کنم؛ به همین جهت اتاق من باید داشته باشد. به این می‌گویند یک هتل خوب و عالی. نظر شما چیست؟ با من موافق هستید؟

الف) گفتگوی مقابل را با استفاده از جملات زیر کامل کنید.

سلام، خیلی خوش آمدید.	پذیرش:
.....	مهمان:
اتاق را به نام کی رزرو کرده بودید؟	پذیرش:
.....	مهمان:
درست است.....؟	پذیرش:
بله بفرمایید، این هم شناسنامه‌ها.	مهمان:
.....؟	پذیرش:
اگر می‌شود اتاقمان رو به دریا باشد.	مهمان:
.....	پذیرش:
لطف کردید.	مهمان:
.....	پذیرش:
خیلی ممنون.	مهمان:

الف) به نام مهدی مروتی.
 ب) ببخشید، دوست دارید منظره اتاقتان چه باشد؟
 پ) بله حتماً. این هم کلید اتاقتان.
 ت) اقامت خوبی داشته باشید.
 ث) سلام، ممنون. من یک اتاق رزرو کرده بودم.
 ج) می‌شود شناسنامه‌هایتان را لطف کنید؟



الف) به سه گفتگوی زیر گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.



مدت اقامت	نوع اتاق	شماره اتاق / سوئیت
۱..... شب ۱ ۱ اتاق
۲..... شب ۲ ۲ اتاق
۳..... شب ۳ ۳ اتاق
۴..... شب ۴ ۴ اتاق

ب) یک‌بار دیگر به گفتگوها گوش دهید. جملات زیر درست هستند یا نادرست؟

- الف) میهمان اتاق رو به دریا را بیشتر از اتاق رو به جنگل دوست دارد.
 ب) آنها برای پسرشان یک اتاق دیگر گرفتند.
- الف) رستوران این هتل هر روز از ساعت ۱۲:۰۰ تا ۳:۰۰ باز است.
 ب) شماره اتاق آقای صالحی ۳۰۴ است.
- الف) میهمان سوئیت رو به جنگل را بیشتر از سوئیت روبه دریا دوست دارد.
 ب) این هتل خشک‌شویی دارد.
- الف) میهمان یک سوئیت گرفت؛ چون اتاق سه‌تخته خیلی گران است.
 ب) پدر میهمان باید از دستشویی فرنگی استفاده کند.

شکایات رایج در هتل

درخواست‌های رایج در هتل

آب دوش / حمام سرد است.
شیر توالت خراب است.
کولر روشن / خاموش نمی‌شود.
شופاژ کار نمی‌کند.
اتاق خیلی کثیف است.
تخت خواب نامرتب است.
تلویزیون خراب است.
پنجره باز / بسته نمی‌شود.
موکت‌های اتاق کثیف شده است.
دستمال کاغذی در اتاق نیست.

سلام آقا/ خانم می‌شود یک نفر را بفرستید تا
اتاقمان را تمیز / مرتب کند؟
کولر را خاموش / روشن کند؟
شیر حمام / شیر توالت را درست کند؟
پنجره را ببندد / باز کند؟
ظرف‌های کثیف را ببرد؟
چمدان‌هایمان را ببرد؟
چمدانم را پایین بیاورد؟
لباس‌هایم را خشکشویی ببرد؟
یک نوشابه سرد برایم بیاورد؟



- الو، سلام؛ پذیرش؟
- بله، بفرمایید در خدمتتان هستم.
- امروز هیچ‌کس اتاق ما را تمیز نکرده است. اینجا خیلی به‌هم ریخته است.
- عذرخواهی می‌کنم، اتاق شماره چند هستید؟
- اتاق ۳۱۱.
- همین الان یک نفر را می‌فرستم اتاقتان را مرتب کند.
- کولر اتاق هم خاموش است. می‌شود یک نفر را بفرستید کولر را روشن کند؟
- الان به خادم هتل می‌گویم کولر را روشن کند. امر دیگری ندارید؟
- تعدادی لباس کثیف دارم. لطف می‌کنید به خدمتکار بگویید لباس‌ها را به خشکشویی ببرد.
- حتماً. الان می‌آید خدمت شما.
- خیلی ممنون. بیخشید سانس استخر چند است؟
- ساعت ۱۴:۰۰ تا ۱۶:۰۰ و شب‌ها ساعت ۲۰:۰۰ تا ساعت ۲۲:۰۰.



مانند گفتگوی بالا با هم‌کلاسی خود گفتگو کنید.

- اتاق / تخت نامرتب / کثیف / به‌هم ریخته است.
- کولر / شופاژ / تلویزیون / لامپ اتاق خراب است. / روشن نمی‌شود. / خاموش نمی‌شود. / کار نمی‌کند.
- لطف می‌کنید یک نفر را بفرستید اتاق ما.
- در خدمتتان هستم.
- عذرخواهی می‌کنم.
- امر دیگری ندارید؟
- می‌شود به یک نفر بگویید این اتاق را تمیز کند.
- امکان‌ش هست، لباس من را به خشکشویی ببرید.



در زمان انتخاب هتل کدام یک از موارد زیر برای شما مهم تر است؟

کارکنان (پرسنل)، کیفیت اتاق، کیفیت غذا، قیمت، سایر

شما بیشتر در هتل می‌روید یا به مسافرخانه؟

آیا شما زیاد سفر می‌کنید؟



برای من قیمت هتل خیلی مهم است. اگر هتل خیلی گران باشد، نمی‌توانم مدت زیادی در آنجا بمانم. می‌شود در یک هتل ارزان ماند و به جای آن بیشتر تفریح کرد. هتل فقط یک اتاق برای خوابیدن است؛ همین!



چند سال پیش من و همسرم به مشهد رفتیم. هتل ما هتل خیلی خوبی بود، اما کیفیت غذای رستوران آن خیلی بد بود؛ برای همین هر روز برای خوردن غذا باید به رستوران‌های دیگر می‌رفتیم؛ بنابراین «مهم‌ترین بخش هتل، رستوران آن است».



کارکنان هتل از همه چیز مهم‌تر است. خیلی وقت‌ها شما به چیزی احتیاج دارید که در هتل نیست. اگر کارکنان هتل خوب باشند، همه مشکلات شما را حل می‌کنند.



به نظر من امکانات ورزشی هتل خیلی مهم است. من آدم بسیار فعالی هستم و دوست دارم هر روز ورزش کنم. همیشه به هتلی می‌روم که استخر یا سالن ورزشی دارد. من دوست ندارم فقط در اتاق بنشینم و به در و دیوار نگاه کنم.



فاصله هتل تا مرکز شهر خیلی مهم است. یک‌بار وقتی می‌خواستم به چین سفر کنم، در یکی از وبسایت‌ها یک هتل خیلی زیبا وسط جنگل پیدا کردم. خیلی از آن خوشم آمد و یک اتاق رزرو کردم. اما وقتی به آنجا رسیدم، متوجه شدم این هتل بیرون از شهر است و ۴۵ دقیقه با شهر فاصله دارد.



برای من مهم نیست که هتل چه امکاناتی دارد. من از هتل فقط یک تختخواب راحت و اینترنت می‌خواهم. بیشتر سفرهای من کاری است و هر روز باید ۲۰ تا ۳۰ ایمیل برای همکارانم بفرستم. برای من اینترنت از همه چیز مهم‌تر است.



به نظر من هتل باید منظره قشنگی داشته باشد. من وقتی سفر می‌روم، خیلی گردش می‌کنم و بیشتر در هتل می‌مانم. هتل محلی برای استراحت است. به نظر من یک هتل خوب هتلی است که زیبا باشد یا وسط یک جنگل باشد یا کنار دریا!



به نظر من هتلی خوب است که غذای حلال داشته باشد. من دوست ندارم در هر وعده غذایی از کارکنان هتل پرسم: «این غذا حلال است یا نه؟». به نظر من همه هتل‌ها باید برای مسلمانان غذای حلال داشته باشند.



به نظر شما یک هتل خوب چه هتلی است؟



هتل استقلال تهران

در اتاق‌های این هتل اینترنت بی‌سیم و تلویزیون ماهواره‌ای وجود دارد و میهمانان می‌توانند به صورت رایگان از شبکه‌های خبری سرتاسر دنیا استفاده کنند. استخر و سالن ورزشی این هتل بسیار مجهز است و به گونه‌ای برنامه ریزی شده است که بانوان مسلمان بدون هیچ مشکلی بتوانند از این امکانات استفاده کنند. ویژگی مهم این هتل کافی‌شاپ و رستوران آن است که غذاهای متنوع و لذیذ ایرانی و غیر ایرانی در آنها سرو می‌شود.



هتل صداقت کیش

هتل بزرگ صداقت، هتلی پنج ستاره در جزیره کیش است که در هر شب امکان پذیرایی از پانصد میهمان را دارد. در این هتل علاوه بر تلویزیون و اینترنت، یک استخر و یک سالن ورزشی بسیار مدرن نیز وجود دارد. ویژگی مهم این هتل ماساژهای تایلندی هستند که با یک ماساژ ساده بسیاری از بیماری‌ها را درمان می‌کنند. از آنجایی که این ماساژها در محیطی اسلامی اتفاق می‌افتد، هر ساله مسلمانان زیادی از کشورهای اسلامی به این هتل می‌آیند.



هتل عباسی اصفهان

هتل عباسی اصفهان، قدیمی‌ترین هتل ایران است. ساختمان این هتل حدود سیصد سال پیش ساخته شد. ماندن در هتل عباسی؛ یعنی زندگی در یک مکان تاریخی. این هتل بسیار زیبا چهار رستوران، یک سالن ورزشی مجهز، یک کافی‌شاپ و یک فروشگاه صنایع دستی بزرگ دارد؛ معماری سنتی و دسترسی سریع و آسان به مراکز دیدنی اصفهان مهم‌ترین ویژگی هتل عباسی است.



هتل صخره‌ای کندوان

هتل صخره‌ای کندوان از استثنایی‌ترین هتل‌های جهان به شمار می‌آید. روستای تاریخی کندوان در ۸۰ کیلومتری شهر تبریز و در شمال غربی ایران قرار دارد. خانه‌های این روستا مانند سوراخ‌هایی در میان کوه هستند. هر ساله گردشگران بسیاری از سرتاسر دنیا برای دیدن آنها به ایران می‌آیند و با اقامت در این هتل، زندگی در خانه صخره‌ای را تجربه می‌کنند. فروشگاه صنایع دستی این هتل بسیار دیدنی است. ویژگی مهم این هتل نداشتن آسانسور است.

با توجه به متن جدول را کامل کنید.

ویژگی مهم این هتل	اینترنت	استخر	ماهواره	تلویزیون	کافی‌شاپ	ورزشگاه	رستوران	سایر
۱. استقلال، تهران	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۲. صداقت، کیش	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۳. عباسی، اصفهان	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
۴. صخره‌ای، کندوان	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>



ساخت مجهول

هر گاه بخواهیم بر روی مفعول جمله تأکید کنیم یا زمانی که فاعل جمله مشخص نباشد، از ساختار مجهول استفاده می‌کنیم. ساخت جمله مجهول چند مرحله دارد:

۱. فاعل را حذف می‌کنیم.
۲. مفعول جمله را به جای نهاد یا فاعل قرار می‌دهیم و اگر نشانه مفعول «را» در جمله بود، آن را حذف می‌کنیم.
۳. فعل جمله را به صورت « صفت مفعولی » می‌نویسیم.
۴. از فعل کمکی «شدن» ساخت مناسب با زمان فعل اصلی می‌سازیم.
۵. شناسه را از نظر شخص و شمار با فاعل مطابقت می‌دهیم.

مثال: به جمله‌های زیر توجه کنید:

سعید، رضا را در دانشگاه دید. رضا در دانشگاه دیده شد.

الف) جدول زیر را با مصدر «دیدن» کامل کنید.

تمرین

مجهول زمان‌ها	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
مضارع ساده	دیده شوی
مضارع اخباری	دیده می‌شویم
ماضی ساده	دیده شدم
ماضی استمراری	دیده می‌شد
ماضی نقلی	دیده شده‌اند

ب) مجهول جمله‌ها را در جدول زیر بنویسید.

تمرین

جمله مجهول

جمله معلوم

یک پخته شد.

مثال: مادرم کیک را پخت.

۱. محمد درس خواند.

۲. کودک کتاب را پاره کرد.

۳. مجید در را بست.

۴. مریم غذا را خورد.

۵. پدرم ماه را در آسمان دید.

۶. سمیرا کفش را پوشید.

۷. حسین نامه را نوشت.

۸. خیاط چادر را دوخت.



انشا: دربارهٔ بهترین هتل شهر خود انشا بنویسید.

موضوع: ویژگی‌های یک هتل خوب

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن)

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا)

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)

خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

نمرهٔ توصیفی: عالی (۲۰-۱۹) خیلی خوب (۱۸-۱۷)

واژه‌های جدید

فوق دیپلم، دکتری، لیسانس، فوق لیسانس، روانشناسی، فیزیک، شیمی، ریاضیات، مدیریت، زیست‌شناسی، حقوق، اقتصاد، مدرک تحصیلی، اختیاری، اجباری، شهریه، کنکور، پیام نور، دانشگاه آزاد، دانشگاه دولتی، ترم، پایان‌نامه، آزمون، پرداختن، شهریه، مقطع، افتادن (در امتحان)، مدرسه خصوصی، سرویس رفت و برگشت، جامعه، فقر، فرصت کردن، مُسن، انگیزه، امید، نعمت، وی، شرط، وضعیت

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. مقاطع گوناگون تحصیلی را بشناسد.
۲. با رشته‌های مختلف دانشگاهی آشنا شود.
۳. با انواع دانشگاه‌های ایران آشنا شود.
۴. تفاوت مدارس دولتی و خصوصی را بداند.
۵. با جمله‌های شرطی واقعی آشنا شود و بتواند به‌خوبی از آنها استفاده کند.



درس هجدهم: تحصیل



واژه‌ها و اصطلاحات

مدارک تحصیلی زیر را به ترتیب از ۱ تا ۵ شماره بزنید.

- فوق دیپلم
 دکتری
 لیسانس
 دیپلم ۱
 فوق لیسانس

تصاویر زیر بیشتر مربوط به کدامیک از رشته‌های دانشگاهی زیر است؟



- | | | |
|-----------------------|----|-----------------|
| <input type="radio"/> | ۱ | روانشناسی |
| <input type="radio"/> | ۲ | فیزیک |
| <input type="radio"/> | ۳ | شیمی |
| <input type="radio"/> | ۴ | ریاضیات (ریاضی) |
| <input type="radio"/> | ۵ | مدیریت |
| <input type="radio"/> | ۶ | هنر |
| <input type="radio"/> | ۷ | زیست‌شناسی |
| <input type="radio"/> | ۸ | ادبیات |
| <input type="radio"/> | ۹ | مهندسی |
| <input type="radio"/> | ۱۰ | پزشکی |
| <input type="radio"/> | ۱۱ | حقوق |
| <input type="radio"/> | ۱۲ | اقتصاد |
| <input type="radio"/> | ۱۳ | علوم اسلامی |

رشته تحصیلی مورد علاقه شما چیست؟ چرا؟

نام رشته و آخرین مدرک تحصیلی چند نفر از دوستان خود را بگویید.

تمرین

نام متخصص هر یک از رشته‌های بالا چیست؟ در جدول زیر مانند مثال بنویسید.

کم کردن یک یا چند حرف از واژه	اضافه کردن مند و مدان به واژه
۱ روانشناسی ← روانشناس	۱ فیزیک ← فیزیکدان
۲	۲
۳	۳
۴	۴
۵	۵
۶	۶



واژه‌ها و اصطلاحات

با استفاده از واژه‌های زیر متن را کامل کنید.

اجباری، شهریه، فارغ‌التحصیل، کنکور، آزاد، پیام نور، دولتی، ترم، اختیاری، پایان‌نامه/رساله

دانش‌آموزان در ایران برای تحصیل در دانشگاه اول باید در آزمون شرکت کنند. کسانی که در این امتحان قبول می‌شوند می‌توانند به دانشگاه‌های مختلف بروند. در ایران چند نوع دانشگاه وجود دارد. معمولاً بهترین دانشگاه‌های ایران، دانشگاه‌های هستند؛ تحصیل در این دانشگاه‌ها رایگان است. نوع دیگر دانشگاه در ایران، دانشگاه است. تحصیل در این دانشگاه رایگان نیست و دانشجویان برای درس خواندن در آنجا باید زیادی بپردازند.

نوع دیگر دانشگاه در ایران، دانشگاه است. دانشجویان برای تحصیل در این دانشگاه شهریه می‌دهند؛ اما شهریه آن خیلی زیاد نیست. آنها در طول یک برای هر درس فقط ۵ یا ۶ بار به کلاس می‌روند. رفتن به کلاس در این دانشگاه است؛ یعنی هر دانشجویی که دوست دارد، به کلاس می‌رود و هر کس دوست ندارد، به کلاس نمی‌رود؛ اما شرکت در امتحانات پایان ترم برای همه است.

دانشجویان مقطع لیسانس در ایران پس از چهار سال تحصیل در دانشگاه می‌شوند؛ اما در مقطع فوق لیسانس و دکتری آنها باید هم بنویسند.



شنیدن

الف) کدام یک از جملات زیر درست و کدام نادرست است؟

- | | | |
|-----------------------|-----------------------|---|
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۱. او به درس ریاضی خیلی علاقه دارد. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۲. او فردا امتحان ریاضی دارد. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۱. او به دوستش تلفن زده؛ چون خیلی نگران است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۲. او بسیار نگران است؛ چون امسال کنکور دارد. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۱. او در امتحان ریاضی قبول شده است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۲. او در دانشگاه آزاد قبول شده است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۱. او دو ماه پیش از فرانسه به ایران آمده است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۲. او امروز خیلی کار دارد. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۱. او در امتحانات قبول نشده است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۲. دوست او می‌خواهد به او پول قرض بدهد. |

ب) یک بار دیگر گفتگوها را بشنوید و حدس بزنید گفتگو با کدام جمله ادامه پیدا می‌کند؟

- | | | | |
|------------|------------------------------------|-----------------------------------|------------------------------------|
| اول گفتگوی | ● الف) من فردا سینما می‌آیم. | ● ج) الف) نترس حتماً قبول می‌شوی. | ● سوم) الف) چشم، حتماً می‌آیم. |
| دو گفتگوی | ● ب) کی امتحان داری؟ | ● ب) من هم استرس دارم. | ● ب) فردا سرم شلوغ است. |
| سه گفتگوی | ● ج) نگران نباش حتماً قبول می‌شوی. | ● ج) نباید زیاد درس بخوانی. | ● ج) راستی، کدام دانشگاه قبول شدی؟ |

- | | | |
|--------------|--|---------------------------|
| چهارم گفتگوی | ● الف) فردا نمی‌آیم. | ● الف) قابل شما را ندارد. |
| پنجم گفتگوی | ● ب) اگر امروز نشد، فردا حتماً می‌آیم. | ● ب) می‌دانم. |
| ششم گفتگوی | ● ج) امروز اصلاً نمی‌آیم. | ● ج) خسته نباشی. |

کارنامه درسی

نام خانوادگی: صابری		نام: حمید	
وضعیت	نمره	تعداد واحد	نام درس
قبول	۲۰	۱	فیزیک
قبول	۱۸/۷۵	۱	شیمی
قبول	۱۷/۲۵	۴	زیست شناسی
قبول	۱۶	۲	ریاضی
مردود	۷/۵	۲	تاریخ
قبول	۱۵	۲	زبان انگلیسی



- سلام حمید، کارنامه‌ات را گرفتی؟
- بله، امروز صبح کارنامه‌ام را گرفتم. یکی از درس‌هایم را افتادم.
- جدی؟ چه درسی را نمره نگرفتی؟
- درس تاریخ را نمره نگرفتم.
- واقعا! امتحان تاریخ که خیلی ساده بود!
- شب امتحان مریض شدم؛ نتوانستم خوب درس بخوانم.
- نمره فیزیک را چند شدی؟
- فیزیک بیست.
- آفرین؛ شیمی چطور؟
- هجده و هفتاد و پنج. شما چکار کردی؟
- من همه امتحانات را بیست شدم.
- خوش به حالت.



مانند گفتگوی بالا با همکلاسی خود گفتگو کنید.

- ترم قبل فیزیک / شیمی / ریاضی چند شدی؟
- نوزده / نوزده و بیست و پنج / نوزده و نیم
- من به فیزیک / شیمی / ریاضی خیلی علاقه دارم.
- ترم پیش همه درس‌هایم را قبول شدم.
- برادر من لیسانس / فوق لیسانس / دکتری دارد.
- ترم پیش معدلم بالا شد.
- ترم پیش معدلم پایین شد.
- من از فیزیک / شیمی / ریاضی اصلاً خوشم نمی‌آید.
- شهریه دانشگاه خیلی زیاد است.
- من در دانشگاه آزاد / دولتی / پیام نور درس می‌خوانم.
- شب امتحان مریض شدم / مهمان داشتیم / خوب درس نخواندم.



به نظر شما تحصیل کردن در مدرسه دولتی بهتر است یا در مدرسه خصوصی؟

آیا شما در مدرسه دولتی تحصیل می کنید یا در مدرسه خصوصی؟

شهریه مدرسه‌های خصوصی خیلی زیاد است. آنها فقط از پدر و مادرها پول می‌گیرند؛ فقط همین! آنها هر سال گلی پول از خانواده‌ها می‌گیرند تا سرویس رفت و برگشت بچه‌ها یک اتوبوس گران باشد و یا نهار بچه‌ها مثل غذای یک هتل پنج ستاره باشد. بچه برای درس خواندن به مدرسه می‌رود، نه اینکه ماشین گران قیمت سوار شود و غذای هتل بخورد.



من با شما موافقم؛ چرا باید این همه پول به مدرسه داد؟ وظیفه دولت این است که پول تحصیل همه بچه‌ها را بدهد. وقتی مدرسه‌های دولتی خوب و رایگان هستند، چرا باید بچه‌ها را به مدرسه‌های خصوصی فرستاد؟



پولی که در مدرسه‌های خصوصی از پدر و مادرها می‌گیرند فقط برای غذا و سرویس رفت و برگشت نیست. معمولاً معلم‌ها در این مدرسه‌ها وقت بیشتری برای دانش‌آموزان می‌گذارند؛ بنابراین این پول برای کار بیشتر معلم‌ها است.



معمولاً بچه‌هایی که به مدرسه‌های خصوصی می‌روند، از خانواده‌های ثروتمند هستند. بچه‌هایی که به مدرسه خصوصی می‌روند با بچه‌های خانواده‌های فقیر بازی نمی‌کنند، حرف نمی‌زنند و این برای بچه‌ها خوب نیست. آنها باید با همه افراد جامعه خود آشنا باشند. بچه‌هایی که در این مدرسه‌ها درس می‌خوانند، معنای فقر را نمی‌فهمند.



کلاس‌های مدرسه‌های دولتی خیلی شلوغ هستند. مثلاً در یک کلاس حدود ۳۰ دانش‌آموز درس می‌خوانند. در چنین مدرسه و کلاسی معلم فرصت نمی‌کند با همه بچه‌ها درباره درس صحبت کند و مشکلات درسی آنها را جواب دهد.



شما دوست دارید بچه‌ها به مدرسه‌های دولتی بروند یا
مدرسه‌های خصوصی؟ چرا؟



مسن ترین دانشجوی ایران در دانشگاه آزاد مهاباد تحصیل می‌کند.

مسن ترین دانشجوی کشور، آقای سید محمد کاظم قاضی است که با ۸۵ سال سن هم اکنون در دانشگاه مهاباد در مقطع لیسانس و در رشته روانشناسی همراه با نوه اش مشغول تحصیل است. او قبل از این در سه رشته دیگر لیسانس گرفته و این لیسانس چهارم اوست.



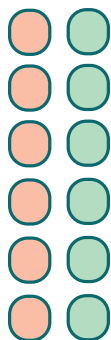
آقای قاضی هفت فرزند، سیزده نوه و یک نتیجه دارد. او سال‌ها در تبریز معلم بوده و در سال ۱۳۵۳ بازنشسته شده است. وی درباره تحصیل در رشته حقوق می‌گوید: «دلم می‌خواهد درباره رشته حقوق بیشتر بدانم؛ اما در آزمون این رشته قبول نشدم و تصمیم گرفتم یک بار دیگر لیسانس رشته دیگری را بگیرم تا از تحصیل دور نباشم، برای همین به همراه نوه ام رشته روانشناسی را انتخاب کردیم.»

آقای قاضی می‌گوید: «از کودکی به درس خواندن علاقه زیادی داشتم و تا زنده هستم، ادامه تحصیل می‌دهم». استادان دانشگاه رابطه خوبی با او دارند و همه آنها از اینکه آقای قاضی با این سن همچنان تحصیل می‌کند، خوشحال هستند. آقای قاضی درس خواندن را نعمت خدا می‌داند و اینکه همه باید از این نعمت به خوبی استفاده کنند. وی رابطه بسیار خوبی با همکلاسی‌های خود دارد و می‌گوید: «همه آنها را مانند فرزندانم دوست دارم.»

آقای قاضی می‌گوید: «همسرم ۸۳ سال دارد و از اینکه من در دانشگاه تحصیل می‌کنم، بسیار خوشحال است. او همیشه مرا تشویق می‌کند و به من انگیزه می‌دهد تا ادامه تحصیل بدهم. بزرگ‌ترین آرزوی آقای قاضی تحصیل در مقطع دکتری است و می‌گوید: «همیشه از خدا می‌خواهم در سر کلاس درس از دنیا بروم.»



جمله‌های زیر را بخوانید. کدام یک درست و کدام یک نادرست است؟ پاسخ خود را توضیح دهید.



۱. آقای قاضی برای سومین بار در دانشگاه قبول شد.
۲. او معلم بود و در شهر تبریز درس می‌داد.
۳. آقای قاضی رشته روانشناسی را بیشتر از رشته حقوق دوست دارد.
۴. همسر آقای قاضی در سن ۸۳ سالگی در دانشگاه درس می‌خواند.
۵. آقای قاضی رابطه خوبی با همکلاسی‌هایش دارد و می‌گوید: «آنها نعمت خداوند هستند.»
۶. بزرگ‌ترین آرزوی آقای قاضی این است که در کلاس درس از دنیا برود.

وقتی فارسی را خوب یاد گرفتید، چه کار می‌کنید؟ سخنرانی کنید.



جمله شرطی

جمله شرطی جمله‌ای است که انجام کاری را به انجام کار دیگری مشروط می‌کند.

ساخت واژه

اگر + جمله با فعل حال التزامی + جمله با فعل حال اخباری

مثال:

اگر خوب درس بخوانی، در امتحان قبول می‌شوی.
اگر باران بیارد، هوا تمیز می‌شود.

تمرین

الف) جمله‌های زیر را به صورت شرطی بنویسید.

۴ مراقب خودت نیستی، بیمار می‌شوی.

۱ سارا امروز زودتر از سر کار می‌آید. امشب به سینما می‌رویم.

۵ به موقع حاضر نشوند، به هواپیما نمی‌رسند.

۲ کم درس می‌خوانی، در امتحان موفق نمی‌شوی.

۶ به دیدن مادرت نمی‌روی، مادرت ناراحت می‌شود.

۳ به موقع به گل‌ها آب نمی‌دهی، گل‌ها پژمرده می‌شوند.

ب) جمله‌های زیر را مرتب کنید.

۱. تشویق - کار - خوب - کنی - اگر - می‌شوی

۲. اگر - به - رفتی - مسجد - بکن - برای - دعا - من

۳. را - حسن - دیدی - به - بده - اگر - کتاب - را - او

۴. آخر هفته - می‌رویم - اگر - هوا - به - باشد - مسافرت - خوب

ج) جمله‌های زیر را کامل کنید.

۱. اگر خوب درس بخوانی،

۲. اگر به خانه من بیاید،

۳. اگر به بازار بروم،

۴. اگر به صحبت‌های پدرتان گوش کنید،

۵. اگر در امتحان موفق بشوم،



موضوع: درس خواندن در مدرسه و دانشگاه

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

 اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن) محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریز موضوع‌های آن) زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا) ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)نمرهٔ توصیفی: عالی (۱۹-۲۰) خیلی خوب (۱۷-۱۸) خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

درس نوزدهم: مشکلات خرید

واژه‌های جدید

خمیردندان، فکس (دورنگار)، پرینتر (چاپگر)، تره‌بار، لوازم اداری، لوازم التحریر، اسباب‌بازی، قالب، دستگاه، بسته، تاریخ مصرف، پاره شدن، سوختن لامپ، آب رفتن، گندیدن، رفتن رنگ چیزی، لکه، فاسد شدن، آستین، یقه، پاچه، دکمه، قربان، عوض کردن، پس دادن، پیک، پشیمانی، لوازم شوینده، هزینة، منطقی، مارک، عمده

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. واحدهای شمارش کالاهای مختلف را بداند.
۲. با واژه‌های مربوط به خراب شدن کالاها آشنا شود.
۳. مشکلات خرید را بشناسد.
۴. نکاتی را درباره یک خرید خوب بیان کند.
۵. بتواند از گذشته بعید به خوبی استفاده کند.



درس نوزدهم: مشکلات خرید



واژه‌ها و اصطلاحات

جدول زیر را با واژه‌های مناسب کامل کنید.

ماکروویو فکس (دورنگار) رایانه اسکیت خودکار	ماشین لباسشویی مداد شامپو مسواک مرغ	اجاق گاز توپ پنیر صابون پاک‌کن	خمیردندان تلفن خیار ماکارونی پیراهن	سیب‌زمینی جوراب پرینتر (چاپگر) دفتر نقاشی عروسک
--	---	--	---	---

<p>پوشاک</p> <p>۱</p> <p>۲</p> <p>۳</p> <p>۴</p> <p>۵</p>	<p>لوازم اداری</p> <p>۱</p> <p>۲</p> <p>۳</p> <p>۴</p> <p>۵</p>	<p>میوه و تره‌بار</p> <p>۱</p> <p>۲</p> <p>۳</p> <p>۴</p> <p>۵</p>	<p>مواد غذایی</p> <p>۱</p> <p>۲</p> <p>۳</p> <p>۴</p> <p>۵</p>
<p>اسباب‌بازی</p> <p>۱</p> <p>۲</p> <p>۳</p> <p>۴</p> <p>۵</p>	<p>لوازم التحریر</p> <p>۱</p> <p>۲</p> <p>۳</p> <p>۴</p> <p>۵</p>	<p>لوازم خانگی</p> <p>۱</p> <p>۲</p> <p>۳</p> <p>۴</p> <p>۵</p>	<p>آرایشی-بهداشتی</p> <p>۱</p> <p>۲</p> <p>۳</p> <p>۴</p> <p>۵</p>

گزینه

این افراد برای خرید باید به کدام یک از بخش‌های فروشگاه بروند؟ در جدول پایین بنویسید.

۲ بسته مداد رنگی ۲ جلد کتاب نقاشی ۱ کیلو گوشت چرخ کرده ۴ دست شلوار مدرسه ۳ دست پیراهن مدرسه ۵ عدد کیف زنانه	۷ دست شلوار ورزشی ۶ عدد پیراهن ورزشی ۹ جفت جوراب مردانه ۳ جفت کفش بچگانه ۳ عدد توپ فوتبال ۵ عدد آمیوه پرتقالی	۱ دستگاه رایانه ۳ دستگاه پرینتر ۲ دستگاه فکس ۲ یخچال کوچک ۶ مازیک وایت برد ۲۰ عدد مداد قرمز	۲ بسته ماکارونی ۲ کیلو گوشت راسته ۱ عروسک بزرگ ۱ عدد خمیردندان ۲ قالب پنیر تبریز ۲ جفت جوراب	۳ کیلو کاهو ۴ بسته خرما ۲ کیلو سیب زمینی ۱ کیلو انار ساوه ۲ قوطی رب گوجه ۲ عدد مرغ بزرگ
--	--	--	---	--

اسباب‌بازی	لوازم التحریر	لوازم خانگی	آرایشی-بهداشتی	پوشاک	لوازم اداری	میوه و تره‌بار	مواد غذایی	لیست ۱
								لیست ۲
								لیست ۳
								لیست ۴
								لیست ۵

واژه‌ها و اصطلاحات



هر جمله مربوط به کدام تصویر است؟

- | | | |
|---|---|---|
| <input type="radio"/> ۱ تاریخ مصرف پنیر گذشته است. خ | <input type="radio"/> ۴ شیر فاسد شده است. | <input type="radio"/> ۷ رنگ پیراهنم رفته است. |
| <input type="radio"/> ۲ سیب گندیده است. | <input type="radio"/> ۵ لباسم پاره شده است. | <input type="radio"/> ۸ لباس سعید لکه دارد. |
| <input type="radio"/> ۳ لامپ یخچال سوخته است. | <input type="radio"/> ۶ صندلی شکسته است. | <input type="radio"/> ۹ پیراهنم آب رفته است. |



شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید و جدول را کامل کنید.

لکه دارد.	رنگ رفته است.	آب رفته است.	گندیده است.	فاسد شده است.	درست کار نمی‌کند.	شکسته است.	سوخته است.	پاره است.	تاریخ مصرف آن گذشته است.	۱
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۶



ب) کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است.

-
-
-
-
-
-

۱. او این پیراهن را تازه خریده است.
۲. او می‌تواند یک پرینتر دیگر بگیرد.
۳. مادر او پیراهنش را با آب سرد شسته است.
۴. شیر داخل یخچال، فاسد شده است.
۵. شلوار پسر او آب رفته است.
۶. تلویزیون آنها خراب نیست.

دو ستون زیر را به هم وصل کنید.

- | | |
|------------------------------|--------------|
| الف) ... شلوارم لکه دارد. | ۱ آستین |
| ب) ... شلوارم سوراخ شده است. | ۲ یقه |
| پ) ... پیراهنم پاره شده است. | ۳ پاچه |
| ت) ... پیراهنم افتاده است. | ۴ زیپ |
| ث) ... پیراهنم کثیف شده است. | ۵ دگمه |
| ج) ... شلوارم خراب شده. | ۶ جیب |



- سلام قربان؛ خسته نباشید.
- سلام، بفرمایید در خدمتتان هستم.
- من این پیراهن‌ها را دیروز از شما خریدم. وقتی بردم خانه متوجه شدم که پاره هستند.
- می‌شود ببینم؟ بله، حق با شما است. می‌خواهید پیراهن‌ها را پس بدهید؟
- نه، می‌خواهم عوضشان کنم.
- حتماً، در خدمت شما هستم. پیراهن چه رنگی می‌خواهید؟
- بی‌زحمت آن پیراهن آبی و زرد را برایم بیاورید؟
- چشم، در خدمتم.
- خیلی ممنون. قیمتشان چند می‌شود؟
- جنس این پیراهن‌ها بهتر از قبلی است، شما ۲۰ هزار تومان بدهید درست می‌شود.
- خیلی ممنون.



مانند گفتگوی بالا با هم کلاسی خود گفتگو کنید.

- دگمه پیراهنم / شلوارم / کتم افتاده است.
- زیپ شلوارم / کیفم خراب شده است.
- پاچه شلوارم / آستین پیراهنم پاره شده است.
- بفرمایید، در خدمتتان هستم.
- سلام، امری داشتید؟
- جیب شلوارم سوراخ شده است.
- می‌خواهم این پیراهن را عوض کنم / پس بدهم.
- جنس این پیراهن چیست؟
- این پیراهن رنگ دیگر هم دارد.
- اندازه کوچک‌تر هم دارید؟
- رنگ این روسری رفته است.



معمولاً در زمان خرید بیشتر به چه چیزی توجه می‌کنید؟

آیا شما زیاد خرید می‌کنید؟



خوب، قیمت برای من خیلی مهم است. من همیشه دوست دارم زیاد خرید کنم، برای همین، از فروشگاه‌هایی خرید می‌کنم که قیمت‌های آنها ارزان‌تر است؛ مخصوصاً برای خریدن لباس. به جای اینکه یک پیراهن بخرم پنج پیراهن می‌خرم.



برای من قیمت خیلی مهم نیست. کیفیت از همه چیز مهم‌تر است؛ مثلاً اگر شما یک جاروبرقی بی‌کیفیت بخرید، هر سال باید آن را تعمیر کنید؛ اما یک جاروبرقی خوب و باکیفیت چندین سال خیلی خوب کار می‌کند. من همیشه از فروشگاه‌هایی خرید می‌کنم که جنس‌های باکیفیت دارند.



من دوست ندارم هر بار که برای خرید کردن به فروشگاه می‌روم، نیم‌ساعت به دنبال پارکینگ بگردم. برای من مهم‌ترین چیز در زمان خرید کردن، دوری یا نزدیکی فروشگاه است. من همیشه از فروشگاه‌هایی خرید می‌کنم که به خانه‌ام نزدیک هستند.



فروشگاه خوب فروشگاهی است که «تنوع محصول» دارد؛ مثلاً وقتی از جنس یک پیراهن خوشم می‌آید، دوست دارم همه رنگ‌های آن در فروشگاه باشد یا مثلاً اگر می‌خواهم یک پیراهن سبز بخرم، دوست دارم فروشنده چند مدل پیراهن سبز برای من بیاورد.



من اصلاً از خرید کردن خوشم نمی‌آید؛ برای همین همیشه از فروشگاه‌هایی خرید می‌کنم که پیک رایگان دارند. من همیشه تلفنی یا اینترنتی خرید می‌کنم.



من دوست دارم هم خرید کنم و هم تفریح. به نظر من یک فروشگاه خوب مثل یک شهر بازی است. من و شوهرم دوست داریم در زمان خرید تفریح هم کنیم. بعضی وقت‌ها قبل از خرید به سینما یا پارک می‌رویم؛ به این می‌گویند یک خرید خوب.



به نظر شما یک فروشگاه خوب چگونه است؟
شما معمولاً در زمان خرید به چه چیزهایی بیشتر توجه می‌کنید؟



برای یک خرید خوب لازم است...

انجام هرکاری به تجربه نیاز دارد و اگر می‌خواهید هر کاری را درست انجام دهید، باید با کسانی که تجربه دارند، مشورت کنید. بسیاری از مردم نمی‌دانند چه چیزهایی را باید بخرند و چه چیزهایی را نباید بخرند یا اینکه در چه زمانی خرید کنند. در این متن کوتاه می‌خواهیم به شما کمک کنیم راحت‌تر خرید کنید. برای یک خرید خوب لازم است:

۱.
قبل از اینکه برای خرید مواد غذایی به بازار بروید، حتماً یک غذای ساده بخورید. هرگز زمانی که گرسنه هستید، خرید نکنید. اغلب مردم هنگام خرید با حالت گرسنگی، چیزهایی می‌خرند که بعداً پشیمان می‌شوند.
۲.
بعضی کالاها هستند که همیشه به آنها نیاز دارید؛ مانند دستمال کاغذی و لوازم شوینده و ... که تاریخ مصرف طولانی دارند، شما می‌توانید آنها را در بسته‌های بزرگ‌تر بخرید تا هزینه‌هایتان کمتر بشود.
۳.
خیلی وقت‌ها، زمانی که از افراد (به ویژه خانم‌ها) می‌پرسیم که چرا کالایی را خریده‌اند، تنها پاسخی که می‌شنویم این است: «آن را دوست داشتم.»؛ اما دوست داشتن کافی نیست. سعی کنید برای هر خرید، یک دلیل درست و منطقی داشته باشید.
۴.
برخی مارک‌های مشهور بدون هیچ دلیلی کالاهای خود را با قیمت‌های بسیار بالا می‌فروشند؛ در حالی که شما می‌توانید همان کالا را با همان کیفیت و با قیمتی بسیار کمتر تهیه کنید؛ پس لطفاً در زمان خرید، مارک‌ها را فراموش کنید.
۵.
هیچ فردی در فصل تابستان یک پالتویا بارانی نمی‌خرد؛ پس فروشندگانش معمولاً برای فروش آنها در این فصل تخفیف خوبی به مشتری می‌دهند. بد نیست خارج از فصل خرید کنید.
۶.
معمولاً کالاهایی را که تاریخ مصرف کمی دارند، می‌توان ارزان‌تر خرید. اگر تاریخ انقضای یک خوراکی نزدیک باشد، فروشندگانش آن را بسیار ارزان‌تر می‌فروشند؛ چون می‌ترسند آن کالا خراب شود.



هر جمله می‌تواند عنوان کدام بند باشد؟ شما با این نکته‌ها موافقت یا مخالف؟

مخالفم	موافقم	شماره بند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	مارک‌ها را فراموش کنید.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دوست داشتن کافی نیست.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	عمده خرید کنید.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	خارج از فصل خرید کنید.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تاریخ مصرف را نگاه کنید.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرسنه نباشید.



هر کلمه را به معنای درست آن در ستون چپ وصل کنید.

- | | |
|--|--------------|
| الف) فروش یک کالا با قیمت ارزان‌تر. | ۱ پشیمان |
| ب) خریدن | ۲ منطقی |
| پ) ناراحت بودن به خاطر اشتباهی که در گذشته اتفاق افتاده. | ۳ تهیه کردن |
| ت) قابل قبول | ۴ تخفیف دادن |



گذشته بعید (یادآوری)

ماضی بعید معمولاً دو کاربرد دارد:

۱. بیان فعلی که در گذشته دور اتفاق افتاده است.
مثال: سال‌ها پیش دوستم یک تابلوی نقاشی برای من کشیده بود. پنج سال پیش با پدر و مادرم به کشور لبنان رفته بودم.
۲. بیان فعلی که قبل از فعل دیگر اتفاق افتاده باشد.
مثال: وقتی من به خانه رسیدم، فرهاد به مدرسه رفته بود. وقتی تو رسیدی، پریسا خوابیده بود.

الف) در جای خالی فعل مناسب بنویسید.

- مثال** وقتی من به کلاس ... رسیدم ... (رسیدن)، معلم درس را شروع کرده بود (شروع کردن).
- ۱ برادران رایت، اولین هواپیما را سال‌ها پیش (ساختن).
 - ۲ سیمین غذا را (آماده کردن)، وقتی سعید (آمدن).
 - ۳ وقتی پدر بزرگم به خانه ما (آمدن)، ما غذایمان را (خوردن).
 - ۴ او حدود سی سال پیش پسرش را برای تحصیل به اتریش (فرستادن).
 - ۵ او در تصادف زیاد (آسیب ندیدن) چون کمربند ایمنی اش را (بستن).
 - ۶ پسرم تکالیفش را امروز سریع (انجام دادن) و برای بازی خیلی زودتر به پارک (رفتن).
 - ۷ او قبل از رفتن به مهمانی (عطر زدن).

ب) به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. ده سال قبل در کدام دانشگاه درس خوانده بودید؟

۲. شما دو سال قبل به کجا سفر کرده بودید؟

۳. امروز قبل از آمدن به کلاس چه کارهایی کرده بودید؟



انشا: درباره مشکلاتی که هنگام خرید داشته‌اید، انشا بنویسید.

موضوع: مشکلات خرید

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)

محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن)

زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا)

ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)

نمره توصیفی: عالی (۱۹-۲۰) خیلی خوب (۱۷-۱۸) خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

واژه‌های جدید

خر ما از کرگی دُم نداشت، آستین نو بخور پلو، اخم، ریختن، طلبکار، کَنده شدن، مرغ یک پا دارد، مو را از ماست می‌کشد، نخودِ هر آش، روده راست در شکم کسی بودن، شیطان را درس دادن، پای کسی لب‌گور بودن، بخور و بخواب کار کسی بودن، پرچانه، فضول، تنبل، لچ‌باز، سختگیر، مکار، فرفره، چند پیراهن بیشتر پاره کردن، سر کسی به کار خودش بودن، دست و دل باز، سر کسی برود اما حرفش نرود، دل کسی پاک بودن، خسیس، صداقت، قرض گرفتن، شیوه، فیلسوف، یکی بود یکی نبود، مرغابی، ترک کردن، کور، لعنت به دهانی که بی‌موقع باز شود، ده، دانه

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو با خواندن این درس:

۱. با برخی از ضرب‌المثل‌های ایرانی آشنا شود.
۲. کاربرد ضرب‌المثل‌ها را بداند.
۳. بتواند در صحبت‌ها به خوبی از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها استفاده کند.
۴. تفاوت گذشته استمراری و مستمر را بداند.
۵. گذشته استمراری و گذشته مستمر را به خوبی در جمله‌ها به کار ببرد.





معنای کدام یک از ضرب‌المثل‌های زیر را می‌دانید؟

الف) خر ما از گِره‌گی دُم نداشت. (ب) یک روز من مریض می‌شدم، یک روز استاد. (پ) آستین نو بخور پلو.

خواندن

داستان‌های زیر را بخوانید و ضرب‌المثل هر داستان را مشخص کنید.

①

پدری فرزندش را برای درس خواندن به شهر فرستاد. پسر چند سال در شهر تحصیل کرد و به روستا بازگشت. پدر که خود فردی باسواد بود، از فرزندش چند سؤال پرسید، اما فهمید فرزندش چیز زیادی از معلم یاد نگرفته است؛ از او پرسید: «چرا نمی‌توانی جواب سؤال‌های من را بدهی؟ چرا خوب درس نخواندی؟»

پسر پاسخ داد: «معمولاً شنبه‌ها من بیمار می‌شدم و یکشنبه‌ها استادم بیمار می‌شد. دوشنبه‌ها من به حمام می‌رفتم و سه‌شنبه‌ها استادم به حمام می‌رفت.»

چهارشنبه‌ها من لباس‌هایم را می‌شستم و پنجشنبه‌ها استادم لباس‌های خود را می‌شست. جمعه‌ها هم که تعطیل بود و درس نمی‌خواندیم.

②

روزی مردی را به یک مهمانی دعوت کردند و او با لباسی کهنه به مهمانی رفت. در مهمانی مهمان‌ها و صاحبخانه با اخم به او نگاه می‌کردند و با او صحبت نمی‌کردند. مرد خیلی ناراحت شد و بدون اینکه غذا بخورد، به خانه برگشت.

هفته بعد آن مرد یک لباس زیبا و گران‌قیمت خرید و به آن خانه رفت. همه مهمان‌ها به او احترام می‌گذاشتند و با او صحبت می‌کردند.

صاحبخانه غذا را آورد و روی سفره گذاشت. مهمان‌ها دور سفره نشستند و شروع کردند به غذا خوردن. اما آن مرد غذا را با ظرف بلند کرد و در آستین لباسش ریخت. همه با تعجب به او نگاه کردند. و به او گفتند چرا غذا را در آستین می‌ریزی؟ مرد گفت: «هفته قبل من با لباس کهنه به مهمانی آمدم و هیچکس با من صحبت نکرد. این هفته با لباس نو آمدم و حالا همه با من صحبت می‌کنند؛ پس من مهمان شما نیستم؛ لباسم مهمان شما است.»

③

تاجری از مردی مقداری پول قرض گرفت. آن مرد به تاجر گفت: «باید تا یک ماه دیگر پول من را بدهی، اگر ندادی من یکی از پاهای تو را می‌بُرم.» یک ماه گذشت؛ اما تاجر نتوانست پول آن مرد را بدهد. مرد طلبکار دست تاجر را گرفت؛ تا او را پیش پادشاه ببرد. تاجر در راه خری را دید؛ دم خر را گرفت تا سوار آن شود و فرار کند؛ اما دم خر کنده شد. تاجر فرار کرد و صاحب خر و مرد طلبکار به دنبال او می‌دویدند و فریاد می‌زدند: «دزد! دزد را بگیرید!» جوانی خواست تاجر را بگیرد؛ اما تاجر با مشت به چشم او زد و جوان کور شد. بالاخره مردم تاجر را گرفتند و پیش پادشاه بردند و از او شکایت کردند.

پادشاه متوجه شد تاجر دوست قدیمی‌اش است و خواست به او کمک کند؛ به مرد طلبکار گفت: «پای تاجر را بپُر؛ اما نباید از پای او خون بیاید. اگر خون آمد، پای تو را می‌بُرم.» مرد طلبکار ترسید و گفت: «من شکایتی ندارم.»

پادشاه به مرد جوان گفت: «چرا دروغ گفتی؟ مگر با یک مشت کسی کور می‌شود؟ بعد به تاجر گفت: «یک مشت به چشم دیگر او بزن تا ببینم کور می‌شود یا نه؟» جوان ترسید و گفت: «حق با شماست من شکایتی ندارم.»

صاحب خر سرش را پایین انداخت و بیرون رفت. پادشاه داد زد: «کجا می‌روی؟ مگر شکایت نداری؟» صاحب خر گفت: «نه، خر ما از اول دم نداشت.»

الف) خر ما از گِره‌گی دم نداشت. (ب) یک روز من مریض می‌شدم، یک روز استاد. (پ) آستین نو بخور پلو.



عبارت‌های زیر را با ضرب‌المثل مناسب کامل کنید.

- پروین قبلاً زیاد با من دوست نبود؛ خیلی با من حرف نمی‌زد. اما از وقتی رئیس شرکت شده‌ام؛ هر روز به من تلفن می‌زند. بعضی‌ها این طور هستند؛ تا وقتی یک کارمند ساده هستی با تو کاری ندارند. وقتی رئیس می‌شوی، به تو احترام می‌گذارند.

- الو! سلام.

- علیکم السلام. بفرمایید.

- من دیروز یک شارژ هزار تومانی برای تلفنم خریدم؛ اما تلفنم شارژ نشد. باید چکار کنم؟

- شما باید به وب سایت ما بروید و مشکل خودتان را برای ما ایمیل کنید. تا دو هفته دیگر مشکل شما حل می‌شود.

- چي؟ دو هفته دیگر؟ برای هزار تومان دو هفته صبر کنم!؟

- فرسید؛ چرا آنقدر نمره ریاضیات کم شده؟

- امتحان خیلی سخت بود؛ استادمان هم خوب درس نمی‌داد. تازه روز امتحان هم دیر به دانشگاه رسیدم.

- چرا بهانه می‌آوری؟ «.....» بگو درس نخواندم.

اصطلاحات



جملات زیر را به صفات منفی مناسب وصل کنید.

۱	فضول	۱	می‌گوید: مرغ یک پا دارد.
۲	تنبل	۲	مو را از ماست می‌کشد.
۳	لجباز	۳	خودش را نخود هر آشی می‌کند.
۴	پرحرف	۴	یک روده راست در شکمش نیست.
۵	دقیق و سختگیر	۵	شیطان را درس می‌دهد.
۶	خیلی پیر (کاربرد منفی)	۶	یک پایش لب گور است.
۷	دروغگو	۷	بخور و بخواب کار من است، خدا نگهدار من است.
۸	مکار	۸	خیلی پرچانه است.



شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید و ضرب‌المثل مناسب را در جدول بنویسید.

۴	یک روده راست در شکمش نیست.	۳	خودش را نخود هر آشی می‌کند.	۲	مو را از ماست می‌کشد.	۱	مرغ یک پا دارد.
۱							
۲							
۳							
۴							

ب) یک بار دیگر به گفتگوها گوش کنید و عدد صحیح را انتخاب کنید.

۴	پرچانه	۳	بخور و بخواب کار من است، خدا نگهدار من است.	۲	یک پایش لب گور است.	۱	شیطان را درس می‌دهد.
۱							
۲							
۳							
۴							

دو ستون زیر را به هم وصل کنید.

- | | |
|---|--------------------------------------|
| الف) کسی که همه کارها را سریع انجام می دهد. | ۱ چند پیراهن بیشتر از شما پاره کرده. |
| ب) کسی که خیلی بخشنده است. | ۲ مثل فریره است. |
| پ) شخصی که در کارها خیلی دقیق است. | ۳ مو را از ماست می کشد. |
| ت) برای انجام دادن کار هیچ وقت دیر نیست. | ۴ دست و دل باز است. |
| ث) کسی که به قولش عمل می کند. | ۵ هر وقت ماهی را بگیری، تازه است. |
| ج) کسی که باتجربه است. | ۶ سرش برود، حرفش نمی رود. |



- رئیس جدیدت چطور آدمی است؟

- آدم خوبی است. خیلی دقیق است؛ مو را از ماست می کشد.

- وای چقدر بد.

- نه، خیلی هم بد نیست. رئیس قبلی ام خیلی تنبل بود؛

بخور و بخواب کارش بود؛ اما این رئیس جدید مثل فریره است.

- مثل اینکه رئیس جدیدت را بیشتر دوست داری؟

- آره، خیلی.

- چرا؟

- چون خیلی دست و دل باز است به همه کمک می کند.

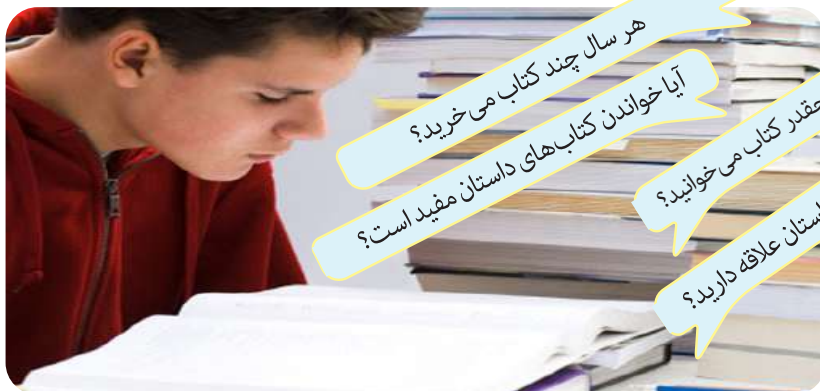
- واقعاً! چه عالی.



با کمک استاد معانی ضرب‌المثل‌های زیر را یاد بگیرید و با همدیگر گفتگو کنید.

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ● چند پیراهن بیشتر از شما پاره کرده. | ● دست و دل باز است. |
| ● مثل فریره است. | ● دلش پاک است. |
| ● سرش به کار خودش است. | ● سرش برود، حرفش نمی رود. |
| ● می گوید: «مرغ یک پا دارد.» | ● شیطان را درس می دهد. |
| ● مو را از ماست می کشد. | ● یک پایش لب گور است. |
| ● خودش را نخود هر آشی می کند. | ● بخور و بخواب کار من است، خدا نگهدار من است. |
| ● یک روده راست در شکمش نیست. | ● خیلی پرچانه است. |





هر سال چند کتاب می‌خرید؟

آیا خواندن کتاب‌های داستان مفید است؟

شما در طول روز چقدر کتاب می‌خوانید؟

آیا به کتاب‌های داستان علاقه دارید؟

بزرگ‌ترین مشکل کسانی که زیاد کتاب می‌خوانند، گرانی کتاب است. من هر سال حدود دویست تا سیصد هزار تومان کتاب می‌خرم؛ اما راه‌هایی هست که می‌شود ارزان کتاب خواند:

۱. می‌توانید از دوستانتان کتاب قرض بگیرید.
۲. می‌توانید از کتابخانه کتاب امانت بگیرید.
۳. می‌توانید از اینترنت کتاب دانلود کنید.



به نظر من قیمت کتاب مشکل اصلی نیست. بعضی‌ها می‌دانند کتاب خواندن چقدر مهم است. رادیو و تلویزیون همیشه در حال تبلیغ مواد غذایی، لباس و چیزهای دیگر هستند. چرا در تلویزیون کتاب را تبلیغ نمی‌کنند؟ چون می‌دانند اگر مردم کتاب بخوانند، دیگر تلویزیون نمی‌بینید.



کتاب خواندن هم یک نوع تفریح است؛ درست مثل تلویزیون دیدن یا فیلم دیدن. چه فرقی می‌کند شما یک کتاب داستان را بخوانید یا یک داستان را از تلویزیون ببینید؟ به نظر من دیدن فیلم آن خیلی بهتر و راحت‌تر است.



بله با شما موافقم؛ خواندن یک کتاب دو یا سه هفته طول می‌کشد؛ ولی دیدن فیلم آن فقط چند ساعت طول می‌کشد. الان کسی فرصت ندارد سه هفته فقط یک کتاب بخواند. الان باید به جای کتاب داستان، فیلم سینمایی و به جای کتاب‌های علمی، فیلم مستند بسازند.



فیلم و مستند برای تفریح خوب است؛ اما آیا با دیدن چند مستند کسی دکتر یا مهندس یا فیلسوف می‌شود؟ به نظر من همه باید در طول روز چند ساعت کتاب بخوانند.



۱. نظر شما چیست؟ کتاب خواندن چقدر اهمیت دارد؟

۲. چطور می‌توان مردم را به کتاب خواندن تشویق کرد؟



لعنت به دهانی که بی‌موقع باز شود.

دوستی لاک‌پشت و مرغابی



یکی بود یکی نبود. در کنار دریاچه‌ی زیبایی دو مرغابی و یک لاک‌پشت زندگی می‌کردند. آنها با هم بسیار دوست بودند و یکدیگر را بسیار دوست داشتند. تا اینکه آب دریاچه رفته‌رفته خشک شد و زندگی را برای حیوانات بسیار سخت کرد. مرغابی‌ها وقتی خشکی آب را دیدند، پیش لاک‌پشت آمدند و به او گفتند: «دوست عزیز، ما برای خداحافظی آمدیم. ما باید اینجا را ترک کنیم و به دریاچه‌ی دیگری برویم. آب دریاچه خیلی کم شده است.»

لاک‌پشت شروع به گریه کرد و گفت: «ای دوستان، دریاچه خشک شده و من هم دیگر نمی‌توانم در اینجا زندگی کنم. لطفاً من را هم با خود ببرید.»

مرغابی‌ها باهم فکر کردند تا راه حلی پیدا کنند. آنها پیش لاک‌پشت آمدند و به او گفتند: «تورا با خود می‌بریم؛ اما باید به حرف ما گوش کنی و در راه به هیچ وجه حرف نزنی.» مرغابی‌ها رفتند و چوبی آوردند. لاک‌پشت وسط چوب را با دهانش محکم گرفت و مرغابی‌ها هم هر کدام یک طرف چوب را گرفتند و پرواز کردند.

در راه، وقتی پرنده‌ها و حیوانات دیگر دیدند که مرغابی‌ها لاک‌پشت را با چوب می‌برند. خندیدند و گفتند: «لاک‌پشت پرنده شده! لاک‌پشت پرنده شده!» لاک‌پشت نتوانست ساکت بماند و گفت: «تا کور شود هرکس نمی‌تواند ببیند!» وقتی لاک‌پشت دهانش را باز کرد، از آسمان به زمین افتاد و مرد! مرغابی‌ها که از مرگ دوستشان بسیار غمگین بودند، گفتند: «لعنت بر دهانی که بی‌موقع باز شود.»

داستان روباه و خروس



یکی بود یکی نبود. در یک روستای زیبا خروسی زندگی می‌کرد. روزی او بیرون از ده دانه می‌خورد که روباهی را دید. روباه به خروس گفت: «ای خروس! من پدر تو را می‌شناسم؛ صدای او بسیار زیبا بود. آیا تو هم می‌توانی مثل او آواز بخوانی؟»

خروس گفت: «بله» و بعد چشمانش را بست و با صدای بلند شروع به آواز خواندن کرد. وقتی خروس چشم‌هایش را بست، روباه سریع به پشت او پرید، گردنش را با دندان‌هایش گرفت و فرار کرد. خروس شروع به فریاد زدن کرد. وقتی سگ‌ها صدای او را شنیدند، به سرعت به دنبال روباه دویدند تا خروس را نجات دهند.

روباه خیلی ترسیده بود و با تمام سرعت می‌دوید. خروس گفت: «ای روباه! به آنها بگو من این خروس را از روستای شما ندزیده‌ام. اگر سگ‌ها فکر کنند من برای یک روستای دیگر هستم، با تو کاری ندارند.»

روباه خوشحال شد و خواست این را به سگ‌ها بگوید، اما تا دهانش را باز کرد، خروس بیرون پرید و فرار کرد. روباه که همچنان با سرعت می‌دوید، به خروس نگاه کرد و گفت: «لعنت بر دهانی که بی‌موقع باز شود.»

با توجه به داستان‌های صفحه قبل جملات را مرتب کنید.

- | | | | |
|---|--|---|--|
| ۱ | مرغابی‌های می‌خواستند دریاچه را ترک کنند. | ۱ | خروس چشمانش را بست و آواز خواند. |
| ۲ | لاک‌پشت افتاد و مرد. | ۲ | خروس فرار کرد. |
| ۳ | لاک‌پشت از آنها خواهش کرد که او را با خود ببرند. | ۳ | روباه دهانش را باز کرد. |
| ۴ | آب دریاچه خشک شد. | ۴ | خروس بیرون از ده دانه می‌خورد. |
| ۵ | مرغابی‌ها چوبی آوردند تا لاک‌پشت را ببرند. | ۵ | روباه با دندان‌هایش گردن خروس را گرفت. |
| ۶ | لاک‌پشت دهانش را باز کرد. | ۶ | سگ‌های روستا به دنبال روباه دویدند. |

درباره یکی از داستان‌هایی که قبلاً خوانده‌اید، سخنرانی کنید.



- | | |
|--|--|
| گذشته استمراری (یک اتفاق) | گذشته مستمر / گذشته ساده (دو اتفاق همزمان) |
| من هر روز به بازار می‌رفتم. | دیروز داشتم به بازار می‌رفتم که تصادف کردم. |
| (کاری که در گذشته تکرار می‌شده) | داشتم با برادرم تلفنی حرف می‌زدم که زنگ در خانه را زدند. |
| دیروز با برادرم دو ساعت تلفنی حرف می‌زدیم. | |
| (در گذشته اتفاق افتاده و طول کشیده) | |

متن زیر را بخوانید. در این متن چند فعل گذشته استمراری و چند فعل گذشته مستمر وجود دارد

یکی بود یکی نبود. در یک روستای زیبا خروسی زندگی می‌کرد. روزی او داشت در بیرون از روستا دانه می‌خورد که روباهی را دید. خروس از ترس خیلی سریع به بالای درختی پرید. همین‌طور که روباه داشت به درخت نزدیک می‌شد، به خروس گفت: «ای خروس، چرا فرار کردی؟» خروس گفت: «تو دشمن من هستی و می‌خواهی من را بخوری.»

روباه گفت: «نه! دیروز پادشاه دستور داد که دیگر هیچ حیوانی نباید حیوانات کوچک‌تر را بخورد و همه باید با هم دوست باشند. از درخت پایین بیا تا با هم در روستا گردش کنیم.»

خروس گفت: «گردش، دسته جمعی خوب است نه دو نفری. من چند دوست خوب دارم که همیشه در کودکی با هم به گردش می‌رفتیم، با هم غذا می‌خوردیم و با هم بازی می‌کردیم. صبر کن تا با آنها برویم.»

روباه گفت: «اسم دوستان تو چیست؟»

خروس گفت: «آنها سگ هستند و الان دارند به اینجا می‌آیند.»

روباه تا فهمید دوستان خروس سگ‌های گله هستند فرار کرد.

خروس گفت: «پس چرا فرار می‌کنی؟ مگر نگفتی همه حیوانات با هم دوست هستند؟»

روباه همین‌طور که داشت فرار می‌کرد، گفت: «این سگ‌ها دیروز در بیرون از روستا بازی می‌کردند و فرمان پادشاه را نشنیده‌اند.»



انشا: درباره یکی از ضرب‌المثل‌ها انشا بنویسید.

موضوع: خلاصه ضرب‌المثل

بخش آغازین

بخش میانی

بند اول

بند دوم

بخش پایانی

ارزیابی

- محتوا: ۵ نمره (پرداختن به موضوع و ریزموضوع‌های آن)
- اهداف ارتباطی: ۴ نمره (دارای بخش آغازین، میانی، بخش پایانی و توضیحات آن)
- ساختار متن: ۵ نمره (انسجام و پیوستگی متن)
- زبان: ۶ نمره (دستور، واژه، سطح زبانی مناسب، نگارش و املا)
- نمره توصیفی: عالی (۱۹-۲۰) خیلی خوب (۱۷-۱۸) خوب (۱۴-۱۶) متوسط (۱۱-۱۳) تلاش بیشتر (۱۰-۰)

ضمیمه شنیدن

درس اول

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○
(الف) فعلاً با اجازه!
(ب) خداحافظ!

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○
(الف) خانواده چطورن؟
(ب) ممنون. سلام می‌رسونن.

○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○
(الف) به‌به! مرضیه خانم. کی از سفر اومدین؟
(ب) امروز صبح زود رسیدیم.

○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○
(الف) ببخشین قربان، میدون امام اینجاس؟
(ب) نه اینجا میدون حافظه، مستقیم برو. میدون بعدی، میدون امامه!

○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○
(الف) خب قربان اجازه مرخصی می‌دین؟
(ب) خواهش می‌کنم، موفق باشین.

○○○○○○○○ ۶ ○○○○○○○○
(الف) بفرمایین منزل در خدمتون باشیم.
(ب) ممنون! شما بفرمایین.

○○○○○○○○ ۷ ○○○○○○○○
(الف) خب، تعریف کن. چه خبرا؟
(ب) سلامتی! خبر خاصی نیس.

○○○○○○○○ ۸ ○○○○○○○○
(الف) فعلاً با اجازتون! امری ندارین؟
(ب) عرضی نیس! به سلامت خوش اومدین.

○○○○○○○○ ۹ ○○○○○○○○
(الف) دارم می‌رم. کاری ندارن؟
(ب) نه قربانت! فقط نون یادت نره!

○○○○○○○○ ۱۰ ○○○○○○○○
(الف) روز شما بخیر. من اتاق رزرو نکردم. شما اتاق خالی دارین؟
(ب) نه! متاسفم. الان همه اتاق هامون پره!

درس دوم

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○
(الف) الو سلام مامان بابا هس؟
(ب) نه! چی شده؟

(الف) چیز مهمی نیس! ماشینم خراب شده. می‌خواستم بیاد کمکم.
(ب) صبر کن عزیزم الان باهاس تماس می‌گیرم.
(الف) ممنون! منتظرما!

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○
(الف) آژانس مسافرتی صبا بفرمایین.
(ب) سلام. روزتون بخیر. تو هفته آینده برا مالزی پرواز دارین؟

(الف) بله!

(ب) چه روزایی؟

(الف) یه لحظه گوشی خدمتتون... برا... اوم... شنبه، دوشنبه و چهارشنبه پرواز هس.
 ساعت ۱۱.

(ب) ممنون! میشه برا دوشنبه ۳ تا بلیط رزرو کنین؟

(الف) بله حتماً! اسم شریفتون.....

○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○
(الف) الو هتل پارسیان؟
(ب) بله بفرمایین!

(الف) من رستمی هسم! چن روز پیش با شما تماس گرفتم و یه اتاق دو تخته رزرو کردم.
(ب) یه لحظه گوشی خدمتتون. بله... درسته... یه اتاق دو تخته.

(الف) آگه امکانش هس اتاقمو عوض کنم. می‌خوام یه اتاق سه تخته رزرو کنم.
(ب) یه لحظه اجازه بدین... آآ... بله مشکلی نداره! الان اتاقونو عوض می‌کنم.

○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○
(الف) الو سلام. منزل آقای نظری؟
(ب) بله بفرمایین!

(الف) حسین آقا تشریف دارن؟

(ب) نه! نیسن. شما؟

(الف) من دوششون هسم. کریمی.

(ب) در خدمتم.

(الف) حسین آقا کی تشریف میارن؟

(ب) تا دو ساعت دیگه میان.

(الف) ممنون! پس من بعدازظهر تماس می‌گیرم.

○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○
(الف) الو سلام! تاکسی زاله؟
(ب) بله بفرمایین.

(الف) یه تاکسی می‌خواستم برا فرودگاه.

(ب) آدرستون لطفاً؟

(الف) هتل پارسیان هسم.

(ب) هتل پارسیان؟

(الف) بله! هتل پارسیان. توی خیابون خلیج فارس.

(ب) آهان! به نام؟

(الف) رستمی هسم.

(ب) تا پنج دقیقه دیگه میاد خدمتتون.

(الف) تشکر!

○○○○○○○○ ۶ ○○○○○○○○
(الف) الو سلام!
(ب) سلام بفرمایین.

(الف) از آژانس دوسی مزاحمتون می‌شم. آقای مهدوی؟

(ب) بله بفرمایین.

(الف) شما برا فردا ساعت ۷ صبح پرواز داشتین؟
(ب) بله! برا امارات.

(الف) شرمنده! ساعت پروازتون تغییر کرد. پروازتون افتاده ساعت ۸.

(ب) مشکلی نداره! ممنون که خبر دادین.
(الف) خواهش می‌کنم.

○○○○○○○○ ۷ ○○○○○○○○
(الف) الو سلام! یه تاکسی می‌خواستم.
(ب) شرمنده الان تاکسی نداریم. می‌تونید نیم ساعت صبر کنین؟

(الف) باشه! پس هر وقت تاکسی داشتید باهام تماس بگیرین.

(ب) چشم حتماً! شماره تون؟

(الف) ۳۲۱۱۴۱۲۷

(ب) باهاتون تماس می‌گیرم.

(الف) لطف می‌کنین. خدا نگهدار.

○○○○○○○○ ۸ ○○○○○○○○
(الف) الو سلام! آقا این چه وضعیه!!!
(ب) سلام بفرمایین! اتفاقی افتاده!

(الف) من الان نیم ساعته منتظرم!
(ب) شما آقای؟

(الف) رسولی! کوچه ۱۷ پلاک ۳۹.

(ب) من واقعاً شرمنده‌ام. الان با راننده تماس می‌گیرم.

(الف) فقط سریعتر. خیلی دیرم شده!!!

(ب) چشم، چشم... باز شرمنده!

درس سوم

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○
(الف) تو خیلی ورزش می‌کنی؟
(ب) خیلی نه ولی سعی میکنم هفته ای یه بار استخر برم.

(الف) معمولاً چه روزایی بیشتر می‌ری استخر.
(ب) خوب من هر روز تا دیر وقت کار می‌کنم.
 خیلی وقت برا ورزش کردن ندارم.

(الف) یعنی هیچ وقت ورزش نمی‌کنی؟

(ب) چرا بعضی وقتا با خانمم آخر هفته‌ها می‌ریم کوه. تو چی؟

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○
(الف) شما اهل ورزش هسی؟
(ب) کم و بیش.

(الف) چه ورزشی؟

(ب) والیبال و فوتبال.

(الف) کدومو بیشتر دوس داری؟

(ب) نزدیک خونه ما یه زمین چمن هس که

گه‌گاهی وقتا با همسایه‌ها می‌ریم اونجا و با هم فوتبال بازی می‌کنیم.

(الف) ولی من از فوتبال خیلی خوشم نمیاد، والیبالی دوس دارم.
(ب) دوس داری بعضی وقت‌ها بیایی با ما والیبالی بازی کنی؟

○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○

(الف) رامین چرا انقدر چاق شدی؟
(ب) راستی چن وقته سرم خیلی شلوغ شده. نمی‌رسم خیلی ورزش کنم. تو چی، باشگاه می‌ری؟
(الف) آره مرتب) من عاشق جودوام. نمی‌تونم ورزش نکنم.

(ب) هفته‌ای چنبار می‌ری باشگاه؟
(الف) تقریباً هر روز می‌رم باشگاه. روزهای زوجم هر روز صبح میرم پارک و می‌دوم. خیلی حال می‌ده. دوس داری صبا با من بیای پیاده روی؟
(ب) نه صبا خیلی زود می‌رم سرکار. ولی دوس دارم ورزش کنم.
(الف) ببین! من همیشه آخر هفته‌ها می‌رم استخر. می‌خوای این هفته باهم بریم؟

○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○

(الف) اگه یه سوالی ازت بپرسم ناراحت نمی‌شی؟
(ب) نه راحت باش.
(الف) گوشت چی شده؟
(ب) آهان! گوشت شکسته.
(الف) چی؟ مگه گوشت می‌شکنه؟
(ب) آره، بیشتر کسایی که کشتی گیر هستن. گوششون میشکنه. منم چون کشتی می‌گیرم گوشت شکسته.

(الف) تو فقط کشتی می‌گیری؟ ورزش دیگه‌ای نمی‌کنی؟
(ب) چرا ورزش باستانیم کار میکنم.
(الف) ورزش باستانی چیه؟

○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○

(الف) از بس تلویزیون دیدم حوصلم سر رفت.
(ب) خب تلویزیون ببین!
(الف) تلویزیون ببینم چکارکنم! می‌دونی چنوقته تصمیم گرفتم برم ورزش کنم. اگه بخوام برم ورزش توام میای؟
(ب) چه ورزشی؟
(الف) میای صبح‌ها بریم کوه؟
(ب) کوه؟! صبح؟! من صبح‌ها تا ۱۰ می‌خوابم. حوصله کوه ندارم. یه ورزش بریم که توسالن باشه!
(الف) تکواندو خوبه؟
(ب) تکواندو؟! نه بابا تکواندو چیه؟ فوتبال خوبه؟
(الف) اتفاقاً یه بازی فوتبال جدید گرفتم واسه کامپیوترم. میای بازی کنیم؟



درس چهارم

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○

(الف) دیشب فوتبال رو دیدی؟
(ب) نه مهمونی بودم! نتونستم بازی رو ببینم.
(الف) ایران بازی رو ۳ هیچ برد!
(ب) جدی؟! بازی چطور بود؟
(الف) نمی‌دونم. منم بازیو ندیدم! دیشب تا آخر شب سر کار بودم. صبح توی روزنامه خوندم که ایران برده! ای کاش دیده بودم.

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○

(الف) دیشب اخبار رو دیدی؟
(ب) نه! چطور مگه؟
(الف) قیمت نفتو می‌گم! باز اومد پایین‌تر!!!
(ب) جدی می‌گی؟ چن؟
(الف) دیشب رسید به ۷۰ دلار. اخبار می‌گفت ممکنه هفته آینده پایین‌ترم بیاد!
(ب) خیلی عجله نکن! باید تا هفته آینده صبر کنیم.

○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○

(الف) کاری نداری؟ من دارم می‌رم.
(ب) نه قریونت.
(الف) من تا هفته دیگه نیسم. دارم می‌رم مسافرت.
(ب) کجا به سلامتی؟
(الف) اردبیل
(ب) اردبیل؟! این وقت سال؟ الان اونجا خیلی سرده.
(الف) نه! دیشب از اینترنت آب و هوای اردبیلو چک کردم. این هفته کامل آفتابیه!
(ب) پس خوش بگذره!

○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○

(الف) سلام! خانم محمدی کجاس؟
(ب) سلام آقای دکتر! خانم محمدی امروز نیومدن بیمارستان!
(الف) چرا؟
(ب) هفته قبل با شوهرش رفتن شمال، قرار بود امروز بیاد! نمی‌دونم کجاس.
(الف) شمال؟! پس امروز نیامد.
(ب) چطور آقای دکتر؟
(الف) امروز توی ماشین که میومدم اخبار گفت که جاده شمال تهران ترافیکه! احتمالاً توی ترافیک مونده.

○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○

(الف) سلام!
(ب) (عطسه) سلام! با من دست نده.
(الف) خدا بد نده! چی شده؟
(ب) هیچی بابا سرما خوردم! خیلی حالم بده.
(الف) دکتر رفتی؟
(ب) آره رفتم. گفته فقط باید استراحت کنم.
(الف) من هر موقع سرما می‌خورم، شربت عسل می‌خورم!
(ب) شربت عسل؟! شربت عسل دیگه چیه؟!
(الف) یکم عسل توی آب ولرم حل می‌کنی، بعد چن قطره آبلیمو بهش اضافه می‌کنی و می‌خوری!
(ب) این شربتو از کجا یادگرفتی؟
(الف) چن سال پیش توی مجله خوندم. خیلی خوبه. مثل آب روی آتیشه!



درس پنجم

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○

(الف) بانڈ از روی دستت باز کن. کی این اتفاق افتاد؟
(ب) امروز صبح. توی آشپزخانه. داشتم پیاز خرد می‌پرادم که دستمو بریدم.

(الف) نگران نباش. بریدگی دست خیلی عمیق نیس. نیازی به بخیه کردن نداره. با باند و گاز استریل پانسمان می‌کنم. فقط یادتون باشه روزی یه بار پانسمانشو عوض کنین.
(ب) چشم، آقای دکتر.

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○

(الف) چه شده؟ کی تصادف کردین؟
(ب) بایه ماشین تصادف کردم حدود نیم ساعت پیش.
(الف) الان کجاست درد می‌کند؟
(ب) ساق پام آقای دکتر.
(الف) ساقی پات ورم کرده. اما خوشبختانه کیبودی نداره. فکر نمی‌کنم شکسته باشه. اما با این وجود باید از پاهات عکس بگیری.

○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○

(الف) اتفاقی افتاده؟
(ب) چیز مهمی نیس آقای دکتر. دیشب داشتم از ماشینم پیاده می‌شدم که یه مرتبه از بالای درخت یه گربه پرید روی ماشین و دستمو خراش داد.
(الف) بذار ببینم. دردم داری؟
(ب) نه خیلی. فقط ترسیدم بعداً عفونت کنه
(الف) نگران نباش. الان یه آمپول بهت می‌زنم تا عفونت نکنه.

○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○

(الف) چی شده عزیزم؟
(ب) راستی جناب دکتر دو روز پیش با دوسام بازی میکردیم یه دفعه خوردم زمین، آرنجم خیلی درد گرفت.
(الف) عکس از دست گرفتی.
(ب) بله بفرمایین آقای دکتر.
(الف) بله آرنج دست شکسته. باید برایت گچ بگیرم. اما نگران نباش، تا یه ماه دیگه خوب خوب میشی.



درس ششم

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○

(الف) آقا سلام.
(ب) سلام.
(الف) کجا دارین می‌رین؟
(ب) می‌خوام برم توی پارکینگ.
(الف) شما نمی‌تونین ماشینتونو اینجا پارک کنین. اینجا پارکینگ پزشکاس.
(ب) من دکتر حسینی هستم.
(الف) آخ ببخشین من تازه اومدم این بیمارستان
(ب) اشکالی نداره. موفق باشین.

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○

(الف) سلام خانم.
(ب) سلام.
(الف) عذرخواهی می‌کنم. پدر منو اینجا آوردن؟
(ب) آروم باشین. اسم پدرتون چیه؟
(الف) میرزایی. کیومرث میرزایی.
(ب) میرزایی... بله! روی تخت ۲ بستری هستن.
(الف) ببخشین دقیقاً کجاس؟
(ب) انتهای همین سالن.

○○○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○○○

(الف) بیا امروز بریم سینما!

(ب) باشه! چه فیلمی؟

(الف) رنگ خدا! می‌گن خیلی فیلم خوبیه.

(ب) -آره قصه‌اش مربوط به یه نوجوونه که نابیناس. پدر او تصمیم می‌گیره با یه خانم ازدواج کنه.

(الف) -آره! دو سه بار دیدمش، ناراحت کننده اس اما بدم نمیداد دوباره ببینمش!

○○○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○○○

(الف) عجب فیلمی بود! خیلی قشنگ بود.

(ب) اون خانمه چقدر خوب بازی کرد؟ من که آخرش گریه کردم.

(الف) جدی! کجای فیلم گریه کردی؟

(ب) اون صحنه‌ای که سربازا توی مزرعه کشته می‌شدن خیلی ناراحت کننده بود!

(الف) -درسته؛ اما دوس دارم این فیلمو دوباره ببینم.

○○○○○○○○○○ ۶ ○○○○○○○○○○

(الف) وای! عجب فیلمی بود. مگه نه لیلا؟ لیلا!

(ب) چی؟ تموم شد؟

(الف) خوابی؟

(ب) آره بابا! خوابم برد.

(الف) فیلم خوبی بود کاش می‌دیدي.

(ب) حالا چه فیلمی بود؟

(الف) یه پلیس دنبال دو قاتل بود، دستگیرشون کرد. خیلی هیجان داشت.

(ب) به نظر من که اصلنم فیلم خوبی نبود!

(الف) تو که خواب بودی! پس از کجا می‌گی فیلم بدی بود.



درس دهم

○○○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○○○

(الف) چه تابلوی قشنگی!

(ب) آره! این تابلو را خواهرم کشیده.

(الف) مگه خواهرت نقاشه؟

(ب) خیلی ساله که نقاشی می‌کنه مگه خبر نداشتی؟

(الف) نه! راستی منم از بچگی همیشه دوس داشتم نقاشی کنم، اما نقاشی ام خیلی خوب نیس.

(ب) دوس داری کلاسای نقاشی خواهر من بری؟

(الف) مگه خواهرت تدریس می‌کنه؟

(ب) آره یه مؤسسه نقاشی داره.

(الف) می‌شه شماره تلفن خواهرتو بهم بدی؟

○○○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○○○

(الف) الو! سلام سلمان خوبی؟

(ب) سلام، چطور ی؟

(الف) ممنون. راستی اون شعریو که برام فرستادی خوندم. خیلی قشنگ بود.

(ب) راست می‌گی؟ خوشت اومد؟

(الف) آره عالی بود. کار خودت بود؟

(ب) آره هفته پیش نوشتمش. می‌شه شمام چنتا از شعرای جدیدت رو برام بفرستی؟

○○○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○○○

(الف) کجا داری می‌ری؟

(ب) دارم می‌رم تالار وحدت.

(الف) چطور مگه؟

(ب) فرهاد اصلانی یه کار جدید کارگردانی کرده.

دارم می‌رم اونو ببینم. شمام می‌ای؟

(الف) باز یگر اصلی اش کیه؟

(ب) خود فرهاد اصلانی.

(الف) جدی؟ من همیشه فرهاد اصلانیو توی

سینما دیده بودم. خیلی دوس دارم بهبار از نزدیک ببینمش.

○○○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○○○

(الف) به نظر من فوق العاده است. خصوصاً رنگی که استفاده شده.

(ب) آره واقعاً زیبا نوشته شده. معمولاً توی

مسجدای قدیمی از خط نستعلیق کم استفاده می‌شه، اما توی این مسجد فرق می‌کنه.

(الف) چرا؟

(ب) نمی‌دونم. شاید نظر معمار این طوری بوده.

(الف) حالا چی نوشته؟ می‌تونن بخونی؟

(ب) آره یکی از شعرهای سعدیو نوشته.

(الف) جدی؟ من اول فکر کردم حدیثه. کدوم شعر سعدیه؟

○○○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○○○

(الف) خیلی خواننده خوبیه من صداشو خیلی دوس دارم.

(ب) کی؟

(الف) محمد اصفهانی.

(ب) آره واقعاً کاراش قشنگه. معمولاً شعرای حافظ و مولانا رو می‌خونه.

(الف) آره. سی دی آخرش خیلی خوبه. دیروز

خریدم. می‌خوای توام گوش بدی؟



درس یازدهم

○○○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○○○

(الف) مامان، من چطور بچه‌ای بودم؟ خیلی شیطونی می‌کردم؟

(ب) نه! تو خیلی آروم بودی. آروم و خجالتی. بیشتر وقتا یکی دو ساعت توی اتاق بازی می‌کردی.

خیلی اهل شیطونی و بازیگوشی نبودی.

(الف) چه بچه با ادبی بودم من!

(ب) آره! بودی!!!!

○○○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○○○

(الف) این آقا مهران عجب آدم مؤدب و باشخصیتیه. من خیلی ازش خوشم میاد.

(ب) آره برعکس بچگیش.

(الف) چطور مگه؟

(ب) مهران وقتی بچه بود خیلی بی‌ادب بود! هر روز یه دست گل به آب می‌داد.

(الف) جدی؟ من فکر می‌کردم آقا مهران وقتی بچه بوده خیلی با ادب و درس خون بوده.

(ب) من که هیچوقت نمی‌دیدم درس بخونه.

○○○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○○○

(الف) مامان این عکس کیه؟

(ب) عکس دایی کاظمه.

(الف) داییه؟ (خننده) چقد چاق و تپل بوده؟

(ب) آره. دایی خیلی چاق بود. صبح و شب فقط می‌خورد.

(الف) بازیگوشم بود؟

(ب) نه بابا. فقط کتاب می‌خوند. عاشق کتاب و درس و مدرسه بود. چن بار پدر بزرگ برا این کار تنبیه‌اش کرد.

(الف) تنبیه؟ چرا؟ برا اینکه زیاد درس می‌خوند؟

(ب) آره! آخه فقط حواسش به کتاب بود. حتی وقتی راه می‌رفت کتاب می‌خوند. یه بار حتی تصادف کرد و پاش شکست.

○○○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○○○

(الف) آخ سر درد گرفتیم. چقدر بچه برادرت امشب گریه کرد؟

(ب) آره، من که سردرد گرفتم.

(الف) داشت گریه می‌کرد، مادرش یه پرتقال بهش داد که گریه نکنه. اونم پرتقالو پرت کرد طرف مهمونا.

(ب) آره داداشم امشب خیلی خجالت کشید.

(الف) نوه من خیلی پسر خوب و مؤدبیه. وقتی برام مهمون میاد خیلی به من کمک می‌کنه. هر کاری بهش می‌گم انجام می‌ده.

(ب) خداحفظش کنه چه نوه آرومی دارین.

درس خون هم اس؟

(الف) نه خیلی، چون یکم بازیگوشه.

○○○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○○○

(الف) این بچه دوستت چقدر بی ادب بود!

(ب) پروین؟ چطور مگه؟

(الف) یکی دو بار سلام کردم جواب سلام من رو نداد.

(ب) نه! اتفاقاً بچه خیلی مهربون و با ادبیه. فقط یکمی خجالتیه. دیر با دیگران دوس می‌شه.

(الف) جدی؟

(ب) آره بچه درس خونی هم هس. امسال تو مدرسه‌شون شاگرد اول شد.



درس دوازدهم

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○

(الف) ببخشین خانم، من دوربین عکاسیو گم کردم. چه کار کنم؟
(ب) دوربین عکاسی تون رو دزدیدن؟ نه! فکر نکنم. به نظرم گم شده.
(الف) برید دفتر اشیاء گم شده.
(ب) کجاس؟
(الف) طبقه پایین، انتهای سالن، کنار بانک.

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○

(الف) چه تابلوی قشنگی! ببخشین این تابلو چنه؟
(ب) ۳۵۰ هزار تومن!
(الف) خیلی خوبه. معذرت می‌خوام. من پول ایرانی ندارم. چطوری خرید کنم؟
(ب) می‌تونین با دلار خرید کنین.
(الف) شرمنده، دلارم ندارم. فقط یورو دارم.
(ب) اشکالی ندارد. صرافی درست کنار فروشگاه ماست. می‌تونین از همون جا دلار بگیرین.
(الف) ممنون!

○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○

(الف) ببخشین نمازخانه کجاس؟
(ب) نمازخانه؟ همین روبه‌روه!
(الف) ممنون! می‌خوام وضو بگیرم.
(ب) سرویس بهداشتی کنار نمازخونه‌اس.
(الف) یه دنیا ممنون.

○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○

(الف) سلام ببخشین آقا دفتر گمرک کجاس؟
(ب) با من بیاین. انتهای سالنو ببینین.
(الف) خب!
(ب) رستورانو می‌بینین؟
(الف) بله بله.
(ب) دفتر گمرک بین رستوران و سالن تحویل بار.
(الف) آقا خیلی ممنون!
(ب) خواهش میکنم.

○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○

(الف) سلام. ببخشین، هواپیمای وین پرواز کرده؟
(ب) وین؟ بذارید ببینم. وین... وین... نه ولی تا نیم ساعت دیگه پرواز می‌کنه.
(الف) برا کنترل گذرنامه کجا برم؟
(ب) همین رو برو. کنار اداره پلیس.

○○○○○○○○ ۶ ○○○○○○○○

(الف) ببخشین آقا! شما اینجا یه پسر بچه پنج شش ساله ندیدین؟
(ب) نه شرمنده! گم شده؟
(الف) الان همین جا بود. داشتیم غذا می‌خوریم. نمی‌دونم کجا رفته؟
(ب) نگران نباشین! همین اطرافه؟
(الف) شما می‌دونین دفتر پلیس کجاس؟
(ب) آره! طبقه پایینه کنار سالن تحویل بار.
(الف) ممنون! خیلی لطف کردین.



درس سیزدهم

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○

(الف) (صدای آژیر پلیس) سواری مشکی رنگ بزن کنار.
(ب) سلام. گواهی نامه لطفاً.
(الف) سلام. چیزی شده جناب سروان.
(ب) متوجه نشدین؟ همین الان از چراغ قرمز رد شدین.
(الف) کدوم چراغ قرمز؟ اینجا که چراغ قرمز نبود.
(ب) چرا. چهارراه قبلی چراغ قرمز داشت. شما عبور کردین، بیشتر توجه کنین.

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○

(الف) سلام. گواهی نامه لطفاً.
(ب) اه! سلام جناب سروان. چی شده؟
(الف) نگاه کنین ماشینتونو کجا پارک کردین. اینجا خط عابر پیاده‌اس.
(ب) ای وای! ببخشین جناب سروان، ندیدم خط عابر رو. حالا شما این بار ما رو ببخش...
(الف) متأسفم.

○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○

(الف) سواری آبی رنگ بزن کنار / سواری آبی رنگ لطفاً توقف کن.
(ب) سلام. چرا جناب سروان؟
(الف) شما توی این خیابون چکار می‌کنین؟
(ب) دارم می‌رم سینما، جناب سروان. چطور مگه؟
(الف) این خیابون یه طرفه اس شما ورود ممنوع اومدین مگه تابلوی ورود ممنوعو ندیدید؟
(ب) نه! کدوم تابلو؟ ببخشین اصلاً حواسم نبود.

○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○

(الف) وانت سفید بزن کنار / وانت سفید
(ب) سلام ببخشین سرعتم بالا بود؟
(الف) نه شما نمی‌تونین با این ماشین رانندگی کنین. این ماشین نقص فنی داره.
(ب) نقص فنی؟ این ماشین کاملاً سالمه جناب سروان.
(الف) چراغ خطر سمت چپ شما شکسته.
(ب) این که نقص فنی نیس.

○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○

(الف) چرا نداشتن چراغ خطر، نقص فنیه.
(الف) ببخشین سرکار تلفن خیلی مهمی بود باید جواب می‌دادم.
(ب) هر قدرم که تلفن مهم باشه، شما نباید موقع رانندگی با تلفن همراه صحبت کنین. گذشته از این کمربند ایمنی تونم بازه. چرا کمربند نبستین؟
(الف) وای فراموش کردم.
(ب) بستن کمربند همیشه الزامیه. اگه خدای نکرده تصادف می‌کردید چی می‌شد؟ هم کمربند نبستید، هم دارین با تلفن همراه صحبت می‌کنین. لطفاً. گواهینامتونو بدین.

○○○○○○○○ ۶ ○○○○○○○○

(الف) سواری قرمز سریع بزن کنار / (صدای آژیر)
(ب) سلام قربان.

(الف) سلام. چرا اینقدر سرعتتون بالاس؟

(ب) من که تند نمی‌رفتم.
(الف) تند نمی‌رفتید؟ ۱۴۰ کیلومتر سرعت داشتین.
(ب) ۱۴۰ تا؟ راست می‌گین؟
(الف) بله، لطفاً گواهی نامه‌تونو بدین.
(ب) گواهی نامه ندارم.
(الف) چی؟!؟



درس چهاردهم

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○

******* چن سال پیش من و یکی از همکارام برا یه سفر کاری رفتیم رشت، اما صبح اون روز ماشین دوسم خراب شد. برا همین خیلی زود رفتیم و ۲ تا بلیت اتوبوس خریدیم. موقع ناهار اتوبوس توی یه رستوران کوچیک ایستاد و مام رفتیم تا ناهار بخوریم. اما عجب رستورانی بود! من تا حالا توی زندگی‌م یه همچین جای کثیفی ندیده بودم. میز و صندلیای کهنه، در و دیوار کثیف. به دوسم گفتم چیکار کنیم؟ دوسم گفت من که خیلی گشمنه، صبحونم نخوردم. عیب نداره بیا بخوریم. منم قبول کردم. آخه منم خیلی گرسنه بودم. اما چشمون روز بد نبینه! من تا حالا همچین غذای بد مزه ای نخورده بودم. کباب اون رستوران خیلی ارزون بود فقط ۵ هزار تومان، اما بعد از ظهر اون روز من و دوسم هر دو مریض شدیم و کلی پول دکتر و دارو و بیمارستان دادیم.

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○

******* چن سال پیش من و شوهرم و دختر کوچیکم سارا رفتیم مشهد. سارا اون موقع پنج سالش بود. یه روز من و سارا برا زیارت رفتیم حرم امام رضا. من رو به روی ضریح ایستاده بودم و داشتم نماز می‌خوندم. سارام توی حرم داشت با بچه‌های دیگه بازی می‌کرد. وقتی نمازم تموم شد هر چی نگاه کردم سارا رو ندیدم. حرم خیلی شلوغ بود. حدود یه ساعت با چن تا خانم دیگه دنبال سارا گشتیم. من فقط گریه می‌کردم. بعد از یه ساعت دوباره اومدم و نشستم رو به روی ضریح. گفتم یا امام رضا من توی این شهر کسیو ندارم. کمکم کن. تا این و گفتم یکی دستمو گرفت! وقتی برگشتم دیدم سارا کنارم وایساده. زدم زیر گریه. گفتم سارا تو کجا بودی؟ سارا هم با گریه گفت مامان من اینجا پیش تو خوابیده بودم. راست می‌گفت. آخه من همه جای حرمو گشتم بجز همون جایی که نماز می‌خواندم.

*** چن ماه پیش من و دو تا از دوسام رفتیم تبریز. همگی صبح زود سوار ماشین شدیم و به طرف تبریز راه افتادیم. من به کیف کوچیک داشتم. وقتی بچه‌ها کیف منو دیدند گفتن: می‌شه همه پولارو بذاریم توی این کیف؟ منم گفتم باشه و همه پول‌ها رو گذاشتم توی کیف من. اما وقتی به هتل رسیدیم دیدم که کیف دستیم گم شده! همه جا رو گشتم اما کیفمونو پیدا نکردم. حدود ۶۵۰ کیلومتر رانندگی کرده بودیم، حالا که به مقصد رسیده بودیم پولمونو گم شده بود. خوشبختانه هنوز ۳۰، ۴۰ هزار تومن داشتیم تا پول بزین ماشین تا تهرانو بدیم. وقتی رسیدیم تهران، من داشتم وسایلمو از توی صندوق عقب ماشین جمع می‌کردم که دیدم کیف دستی توی صندوق عقب ماشینه! خیلی عصبانی شدم. هنوزم بعد چن ماه وقتی یاد این ماجرا می‌افتم، خندم می‌گیره.



درس پانزدهم

(الف) مامان، مامان! شام چی داریم؟
(ب) نمی‌دونم. هنوز تصمیم نگرفتم برا شام چی درست کنم؟
(الف) آگه به غذایی رو بگم درست می‌کنی؟
(ب) چی؟
(الف) خیلی هوس قیمة کردم، برا شام قیمة درست می‌کنی؟
(ب) باشه عزیزم. بذار ببینم مواد لازمشو داریم یا نه!
(الف) هر چی‌شو نداشتیم همین الان می‌رم می‌خرم.
(ب) باشه! اول ببین لپه داریم؟
(ب) لپه... لپه... آره آره. لپه داریم.
(الف) (خب) سیب‌زمینی و پیاز چی؟
(ب) اووووو... سه تا دونه پیاز داریم با دو تا سیب‌زمینی کوچیه.
(الف) (خب).. سه تا پیاز بسه اما سیب‌زمینی می‌خوایم. یه کیلو سیب‌زمینی بگیر.
(ب) چشم!
(الف) یه بطری نوشابه یا دوغم بگیر.
(ب) قیمة با دوغ می‌چسبه! دوغ می‌گیرم.
(الف) راستی، مصطفی!
(ب) جانم مامان.
(الف) روغن هم بگیر، روغنمون کمه.

(الف) امشب فیلم ساعت چن شروع می‌شه؟ ساعت چن باید بریم سینما؟
(ب) فیلم ساعت ۹:۰۰ شروع می‌شه، آگه ساعت ۸:۳۰ بریم خوبه!
(الف) شام چی بخوریم؟
(ب) بعد از سینما می‌ریم رستوران.
(الف) نه بابا. فیلم ساعت ۱۱:۰۰ تموم می‌شه. یه غذای ساده تو خونه بخوریم بعد بریم سینما.

(ب) (خب) چی بخوریم؟
(الف) یه غذای ساده. مثل املت
(ب) آره خیلی هم خوبه! ببین تخم‌مرغ داریم؟
(الف) صبر کن. آره پنج تا تخم‌مرغ داریم، بسه!
(ب) گوجه چی؟
(الف) گوجه ... گوجه ... گوجه یک‌دونه بیشتر نداریم. بسه؟
(ب) نه خیلی کمه!
(الف) می‌خوای همین الان برم گوجه بخرم؟
(ب) نه! نمی‌خواد با رب گوجه درست میکنم. آخ فرهاد فقط نون نداریم!
(الف) عیب نداره. تا تو املت و درست می‌کنی، من می‌رم نون می‌خرم و میام.
(ب) باشه! راستی فرهاد دوباره نوشابه بگیریا...
(الف) بابا املت با نوشابه می‌چسبه.
(ب) خیلی داری چاق می‌شی... انقدر نوشابه نخور!
(الف) باشه!

(الف) امشب یه پیتزا برات درست می‌کنم که انگشتاتو بخوری.
(ب) دستت درد نکنه.
(الف) فقط بذار ببینم همه مواد لازمشو داریم یا نه. فکر کنم باید برم خرید. خوب ... فلفل دلمه که داریم. گوجه داریم اما کمه. ای وای سوسیسم که نداریم.
(ب) می‌خوای با سوسیسم پیتزا درست کنی؟
(الف) آره دیگه



درس شانزدهم

(الف) سلام. روزتان بخیر! انتخاب کردین؟
(ب) بله، دو تا سیخ کباب بختیاری برامون بیاورین.
(الف) حتماً! چیز دیگه‌ای میل ندارین؟
(ب) چرا، برا من سوپ بیارین. اما دوسم چیزی نمی‌خورن.
(الف) چه سوپی براتون بیارم قربان؟
(ب) یه کاسه سوپ مرغ لطف کنین.
(الف) چشم حتماً. نوشابه، سالاد؟
(ب) دو تا سالاد فصل لطف کنین، با دوتا دوغ.
(الف) (می‌نویسد) بله! دوتا سالاد فصل با دوتا دوغ! دوغتون گازدار باشه یا بدون گاز؟
(ب) گازدار باشه بی‌زحمت.
(الف) حتماً امر دیگه‌ای ندارین؟
(ب) نه ممنون.
(الف) همین الان میارم خدمتون.

(الف) سلام مجدد! انتخاب کردین؟
(ب) بله! یه پرس قورمه سبزی لطف کنین با یه پرس کباب برگ برا دوسم.
(الف) آخ، واقعاً شرمندم. قرمه‌سبزی مون تموم شده.
(ب) ای بابا! حیف شد. من قرمه‌سبزی‌ای رستوران شما رو خیلی دوس دارم.
(الف) نظر لطف‌تونه! اما شرمنده ...
(ب) نه اشکالی نداره. برا منم کباب برگ بیارین. راستی یه جوجه کبابم برامون بیارین.
(الف) باشه چشم. جوجه با برنج باشه؟

(ب) نه بدون برنج.

(الف) چشم! پس شد (می نویسد) دو پرس کباب

برگ با یه جوجه، نوشابه و سالاد میل دارین؟

(ب) سه تا سالاد و دو تا نوشابه.

(الف) نوشابه مشکلی یا زرد؟

(ب) یه مشکلی، یه زرد، راستی ماست هم دارین؟

(الف) نه شرمنده!

(ب) فقط بعد از غذا یه قوری چای برامون بیارین!

(الف) حتماً! امر دیگه ای ندارین؟

(ب) نه! دستتونم درد نکنه.

○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○

(الف) در خدمتونو همس، انتخاب کردین؟

(ب) بله! یه پرس کباب کوبیده، یه پرسم چلومرغ.

(الف) یه پرس کباب کوبیده و یه پرسم چلومرغ!

(ب) بله! سوپ چطور؟ سوپم میل دارین؟

(ب) بله! سوپ شیر.

(الف) (می نویسد) دو تام سوپ شیر!

(ب) نه! یه دونه کافیه، همسرم میل نداره.

(الف) چیز دیگه ای می خواین براتون بیارم؟ دوغ،

نوشابه، سالاد؟

(ب) نه دیگه! سپاس گزارم، همین کافیه فقط آگه

امکانش هس دوتا ماه الشعیرم برامون بیارین.

(الف) یه روی چشم! چه طعمی؟

(ب) چه طعمی دارین؟

(الف) هلو، سیب، انار و آناناس.

(ب) دو تا سیب برامون بیارید.

(الف) امر دیگه ای ندارین؟

(ب) نه ممنون.

○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○

(الف) روزتون بخیر! در خدمتون همس.

(ب) ببخشین آقا کاسه های سوپتون بزرگن یا کوچیک؟

(الف) تقریباً بزرگن.

(ب) جدی؟! راستی بیشتر می خوام سوپاتونو

امتحان کنم، می شه دوتا کاسه کوچولو برامون

بیارین؟

(الف) چرا که نه، میارم خدمتون، (می نویسد) دوتا کاسه

کوچیه سوپ، مطمئنم خوشتون میاد! دیگه چی؟

(ب) یه پرس فسنجون برا من بیارید، یه پرس جوجه

کیابم برا برادرم.

(الف) حتماً!

(ب) آخ راستی یادم رفت بیرسم، فسنجونتون با

مرغ درست شده یا با گوشت؟

(الف) با مرغ!

(ب) اه؟! با مرغ، من مرغ خیلی دوس ندارم، پس

فسنجان نمی خورم، برا من کباب کوبیده بیارین

(الف) به روی چشم! سالاد چطور؟

(ب) یه سالاد فصل برامون بیارید با یه کاسه زیتون!

(الف) چشم! امر دیگری ندارین؟

(ب) راستی دو تا آب معدنیم برامون بیارین.



درس هفدهم

○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○

(الف) سلام روزتون بخیر!

(ب) متشکرم، روز شما بخیر! بفرمایین، در

خدمتتون همس.

(الف) من یه اتاق رزرو کرده بودم، به نام محمد

شریف زاده.

(ب) بله آقای شریف زاده، یه اتاق دو تخته برا ۶

شب؟

(الف) بله، ۶ شب)

(ب) می شه شناسنامه هاتونو لطف کنین؟

(الف) بله، حتماً. بفرمایین.

(ب) متشکرم... (صدای صفحه کلید کامپیوتر)، بله!

.... بفرمایین اینم کلید اتاقتون. اتاق ۵۱۱. ضمناً

برا صبحانه هر روز از ساعت ۷:۰۰ تا ۱۰:۰۰ صبح

در خدمتونو همسیم.

(الف) متشکرم، ببخشین منظره اتاق ما چیه؟

(ب) اتاق رو به جنگله.

(الف) جنگل؟ ببخشین! من دوس دارم اتاقمون رو

به دریا باشه، می شه اتاقمونو عوض کنین؟

(ب) بگذارید ببینم... (صدای صفحه کلید کامپیوتر)،

نه اشکالی نداره. کلیدتونو لطف کنین؟

(الف) بفرمایین!

(ب) ممنون! بفرمایین، خدمت شما! این اتاق ۵۰۶

رو به روی دریاست.

(الف) خیلی لطف کردین.

(ب) خواهش میکنم.

(الف) یه موضوع دیگه! پسر من ممکنه فردا شب

بیاد پیش ما بخوابه.

(ب) مشکلی نیس! فردا یه تشک اضافه براتون

میاریم بالا.

(الف) یه دنیا ممنون.

(ب) خواهش میکنم.

○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○

(الف) خسته نباشین!

(ب) سلام، خوش آمدین. بفرمایین!

(الف) ببخشین من یه اتاق رزرو کرده بودم.

(ب) به نام؟

(الف) به نام محمد رضا صالحی.

(ب) یه لحظه صبر کنین!... بله... یه اتاق یه تخته برا

یه شب؟

(الف) برا یه شب؟ من برا سه شب اتاق رزرو کرده

بودم.

(ب) آهان! بله ببخشین. برا سه شب شناسنامهتونو

لطف می کنین؟

(الف) حتماً، خدمت شما!

(ب) متشکرم. اینم کلید اتاقتون آقای صالحی.

اتاق ۴۰۳.

(الف) راستی، یه سؤال دیگه، رستوران تا چه

ساعتی بازه؟ می تونم الان برم ناهار بخورم؟

(ب) بله.

(الف) رستوران چه ساعتی بازه؟

(ب) هر روز از ساعت ۱۲:۰۰ تا ۳:۰۰ باز اس.

(الف) متشکرم.

(ب) خواهش می کنم.

○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○

(الف) سلام، خسته نباشین!

(ب) سلامت باشین. بفرمایین، در خدمتم.

(الف) هفته گذشته یه اتاق رزرو کرده بودم، به نام محمدی.

(ب) بله! ... آقای محمدی... درسته یه اتاق دو

خوابه برا شش شب)

(الف) نه من یه سوئیت رزرو کرده بودم. برا دو شب)

(ب) اما اینجا نوشته یه اتاق دو خوابه! ببینین. اینجا

نوشته. آقای امین محمدی، اتاق دو خوابه، شش شب)

(الف) من امین محمدی نیسم. من صادق

محمدی ام.

(ب) آه! ببخشین!.. (صدای صفحه کلید کامپیوتر)،

درسته. یه سوئیت برا دو شب) دوس دارین

سوئیتتون رو به دریا باشه یا رو به جنگل؟

(الف) فرقی نمی کنه!

(ب) سوئیتتون رو به جنگل یه مقدار بزرگتر اس.

سوئیت شماره ۸۰۹.

(الف) همین خوبه.

(ب) بسیار خب) می شه شناسنامهتونو لطف کنین؟

(الف) ببله، حتماً! بفرمایین. یه نکته دیگه می شه

این کت و شلوارو برام اتو کنین؟ برا فردا شب

لازمش دارم.

(ب) بله حتماً می دم قسمت خشکشویی هتل.

(الف) سپاس گزارم.

○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○

(الف) سلام، خسته نباشین. رضایی همس. یه اتاق

رزرو کرده بودم.

(ب) سلام آقای رضایی. (صدای صفحه کلید کامپیوتر)،

یه اتاق دو تخته برا ۴ شب؟ اتاق ۷۲۱.

(الف) ممنون اما اول قرار بود من و خانمم دو نفری

بیاییم سفر؛ اما الان سه نفر همسیم. پدرم با ما

اومده. میشه یه اتاق سه تخته بگیریم؟

(ب) بذارین ببینم، بله مشکلی نداره. اما رو به حرم

نیس.

(الف) وای، نه! دوس داریم حتماً رو به حرم باشه

(ب) شرمنده! اتاق سه تخته رو به حرم نداریم، می تونم

همون اتاق ۷۲۱ رو بپتون بدم، با یه تشک اضافه؟

(الف) نه اینطوری خوب نیس.

(ب) می خواید سوئیت بگیرین. اتفاقاً یه سوئیت

بزرگ رو به حرم داریم. درست روبروی گنبد.

(الف) عالیه!

(ب) فقط قیمتش یکم بیشتر اس.

(الف) چقدر اس؟

(ب) شبی ۳۲۰ هزار تومان.

(الف) نه، اشکالی نداره.

(ب) پس می شه شناسنامهتونو لطف کنین؟

(الف) بفرمایین!

(ب) ممنون! بفرمایین، اینم کلید سوئیتتون.

سوئیت ۸۰۴.

(الف) راستی داشتم فراموش می کردم، پدرم زانو

درد داره، واسه همین نمی تونم از دستشویی ایرانی

استفاده کنن. این سوئیت دستشویی فرنگی داره؟

(ب) بله نگران نباشین. هم دستشویی فرنگی داره و

هم دستشویی ایرانی.

(الف) خیلی لطف کردین.

(ب) خواهش می کنم. اقامت خوبی داشته باشین!

(الف) ممنون!



درس هجدهم

○○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○○

(الف) سلام خوبی؟ امشب میای بریم سینما؟
(ب) سلام! امشب نه.

(الف) چرا؟ مگه چی شده؟

(ب) فردا امتحان دارم.

(الف) امتحان چی؟

(ب) ریاضی.

(الف) اه! من از ریاضی متنفرم.

(ب) منم. اما اگه قبول نشم، مامانم کله مو می کنه.

○○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○○

(الف) الو! سلام.

(ب) سلام. خوبی؟

(الف) قربونت. یه کمی استرس داشتم، گفتم زنگ بزنگم بات حرف بزنگم.

(ب) استرس؟! استرس برا چی؟

(الف) آخه امسال کنکور دارم. یکم می ترسم.

(ب) از چی؟ از کنکور؟ مطمئن باش اگه خوب

درس بخونی حتماً قبول می شی.

(الف) می دونم، اما می ترسم قبول نشم.

○○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○○

(الف) الو... مهری... سلام!

(ب) سلام عزیزم. چی شده؟ چرا انقدر خوشحالی؟ بردارین.

(الف) قبول شدم... قبول شدم... کنکور رو قبول

شدم.

(ب) راست می گی؟ مبارک باشه عزیزم. کدوم

دانشگاه قبول شدی؟

(الف) دانشگاه مشهد.

(ب) دانشگاه دولتی یا آزاد؟

(الف) دانشگاه دولتی.

(ب) دانشگاه دولتی؟ راست می گی؟

(الف) آره! امشب شام میای خونه ما؟

○○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○○

(الف) الو.

(ب) الو سلام بفرمایین.

(الف) نشناختی؟

(ب) نه شرمنده به جا نیاوردم. شما؟

(الف) منصورم دیگه.

(ب) اه! اسلام منصور. مگه تو ایرانی؟ کی از فرانسه

برگشتی؟

(الف) دو ماه پیش فارغ التحصیل شدم. الان یه

هفته اس که برگشته ام ایران

(ب) آقا خیلی تبریک می گم. دلم برات تنگ شده.

میای امشب خونه ما؟

(الف) خیلی دوس دارم بیام ولی امروز یکم سرم

شلوغه. اگه کارم زود تموم شه حتماً میام.

○○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○○

(الف) سلام! چرا انقدر ناراحتی؟

(ب) سلام چیز مهمی نیست در مورد دانشگاه.

(الف) چی شده؟ امتحانات قبول نشدی؟

(ب) باید شهریۀ دانشگاهو بدم ولی پول کم دارم.

(الف) جدی؟ مگه توتوی دانشگاه دولتی درس

نمی خونی؟

(ب) نه! دانشگاه آزادم.

(الف) این که نگرانی نداره. من یکم پول توی بانک

دارم. بهت قرض می دم. ناراحت نباش.

(ب) جدی؟ خیلی لطف می کنی.

درس نوزدهم

○○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○○

(الف) چقدر این پیراهنت خوش رنگه.

(ب) کدوم؟

(الف) اینی که توی کمد. تازه خریدیش؟

(ب) نه دو سال پیش خریدمش.

(الف) پس چرا هیچ وقت نمی پوشیش. این که

خیلی قشنگه.

(ب) آره قشنگه اما پشتش پاره شده.

(الف) ببینم. آخ راست می گی... چه حیف!

○○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○○

(الف) سلام قربان خسته نباشین.

(ب) سلام علیکم، بفرمایین!

(الف) من دیروز این پیرترو ازتون خریدم.

(ب) بله! یادم هست!

(الف) وقتی پیرترو رو بردم خونه و کارتشو باز کردم

دیدم درش شکسته!

(ب) جدی؟! میشه ببینم؟

(الف) بله! نگاه کنین. اینجاش شکسته.

(ب) بله حق با شماست. نگران نباشین! اجناس ما

همه گارانتی دارن. شمام می تونین پولتونو کامل

پس بگیرین، یا اینکه می تونین یه پرینتر دیگه

○○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○○

(الف) اه! مامان این پیراهن منه؟

(ب) کدوم؟

(الف) این رو می گم. این که قرمز بود. چرا صورتی

شده؟ اینو با آب خیلی گرم شستی؟

(ب) نه عزیزم. من همیشه لباسا رو با آب ولرم

می شورم. این پیراهنت جنسش خوب نبود.

○○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○○

(الف) چه بوی بدی از توی یخچال میاد؟

(ب) آره راست می گی.

(الف) اه! بوی اینه.

(ب) بوی چی؟

(الف) بوی شیر. فاسد شده.

(ب) اه! اه! اه! بندازش توی سطل آشغال.

○○○○○○○○○ ۵ ○○○○○○○○○

(الف) این شلوار پسرته؟

(ب) نه شلوار شوهرمه.

(الف) شوهرت؟ این که خیلی کوچیکه.

(ب) کوچیک شده. اولش اندازه بود. یه بار که

شستمش این جور شد.

○○○○○○○○○ ۶ ○○○○○○○○○

(الف) حمید! حمید!

(ب) جانم.

(الف) تلویزیون روشن نمیشه. ببین.

(ب) کنترل تلویزیونو بده ببینم. اه! راست می گی.

این که درست بود. یعنی تلویزیون سوخته؟

(الف) نمی دونم. بذار دگمه خود تلویزیون رو بزنگم

شاید کنترل خرابه.

(ب) اه! تلویزیون روشن شد. این که خراب نیست.

(الف) آره فکر کنم کنترل تلویزیون مشکل داره.

○○○○○○○○○

درس بیستم

○○○○○○○○○ ۱ ○○○○○○○○○

*** همکار من یا هر روز دیر سر کار می یاد یا

در زمان کار خوابه. معمولاً هر ماه چن روزی

را هم سرکار نمیاد. من همیشه باید کارای او

را انجام بدم. وقتی از او می پرسم کجا بودی

همیشه می گه یهی از اقواممون فوت کرده. تا

الان صد بار به من گفته که مادر بزرگم فوت

کرده. من نمی دونم او چن تا مادر بزرگ داره؟

○○○○○○○○○ ۲ ○○○○○○○○○

*** یکی از دوسان من خیلی حرف می زنه.

او دختر بدی نیست، اما من خیلی از او خوشم

نمیاد. او فکر می کنه جواب همه سؤالا را

می دونه برا همین در مورد هر موضوعی

حرف می زنه حتی موضوعات خونوادگی و

خصوصی دیگران. فقط این هم نیست. او فکر

می کنه همیشه حق با اونه و هر وقت حرف

اشتباهی می زنه و به او می گیم این حرف

شما درست نیست، قبول نمی کنه و می گه:

«حرف من درسته و حرف شما اشتباه.»

○○○○○○○○○ ۳ ○○○○○○○○○

*** رئیس من ۸۵ ساله اس. او هر روز ساعت

ورود و خروج کارمندا را چک می کنه و اگه

یه نفر حتی ۵ دقیقه دیر کنه در آخر ماه از

حقوقش کم می کنه. من اصلاً از او خوشم

نمی یاد. با این سن بالا فقط به فکر پول و

به جز پول به چیز دیگه ای فکر نمی کنه.

○○○○○○○○○ ۴ ○○○○○○○○○

*** همسایه ما حدود ۳۹ سالش اس. یه خانم

فضول. هر روز صبح که از خواب بیدار میشه با

من تماس می گیره و یه ساعت حرف می زنه.

البته صبح که نه ظهر چون معمولاً ساعت

۱۱ از خواب بیدار میشه وقتی هم که بیدار

می شه همش می خوره و می خوابه و پشت

سر دیگران حرف می زنه. وقتی از خواب

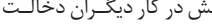
بیدار میشه به من زنگ می زنه و من باید بگم

دیروز چیکار کردم. اون در مورد همه چیز سؤال

می کنه. همه چیز. حتی چیزای خصوصی.

من اصلاً از این کارش خوشم نمی یاد

چون همش در کار دیگران دخالت می کنه.



فهرست منابع

❖ برون، داگلاس. (۱۳۸۹). ارزشیابی زبان اصول و عملکردهای کلاسی. ترجمه علیرضا فرح بخش. تهران: رهنما.

❖ ثمره، یدالله. (۱۳۸۵). آواشناسی زبان فارسی. تهران: نشر دانشگاهی.

❖ حق شناس، علی محمد. (۱۳۸۴). آواشناسی. تهران: آگه.

❖ Baltova, I. (1994). "The impact of video on the comprehension skills of core French students". Canadian Modern Language Review, 50, 507-531.

❖ Brown, Douglas H. (2000). Principles of language learning and teaching. London: Longman.

❖ Buck, Gary. (2001). Assessing listening. Cambridge: Cambridge University Press.

❖ Carroll, David W. (2008). Psychology of language. Boston: Thomson Wadsworth.

❖ Chastain, Kenneth. (1988). Developing second-language skills theory and practice. Orlando: Harcourt Brace Jovanovich.

❖ Fromkin, Victoria. (1973). Speech errors as linguistics evidence. The Hague: Mouton.

❖ Gruba, P. (1997). "The role of video media in listening assessment". System, 25, 335-345.

❖ Hanley, J. and Herron, C. and Cole, S. (1995). "Using video as an advance organizer to a written passage in the FLES classroom". MLJ, 79, 57-66.

❖ Harmer, Jeremy. (2009). The practice of English language teaching. London: Longman.

- ❖ Herron, C. (1994). "An investigation of the effectiveness of using an advance organizer to introduce video in the foreign language classroom". MLJ, 78, 190-198.
- ❖ Herron, Carol and Cole, Steven P. and Corrie, Cathleen and Dubreil, Sebastien. (1999). "The effectiveness of a video-based curriculum in teaching culture". MLJ, 83, 518-533.
- ❖ Herron, Carol and Cole, Steven P. and Corrie, Cathleen and Dubreil, Sebastien. (2002). "A classroom investigation : can video improve intermediate-level French language students' ability to learn about a foreign culture?". MLJ, 86, 36-53.
- ❖ Hinkle, E. (2006). "Current perspectives in teaching the four skills". TESOL Quarterly, 40/1.
- ❖ Joe, A. (1998). "What effects do text-based tasks promoting generation have on incidental vocabulary acquisition?" Applied Linguistics, 19, 3, 357-377.
- ❖ Krahanke, Karl. (1987). Approaches to syllabus design for foreign language teaching. Englewood Cliff: Prentice-Hall.
- ❖ Krashen, S. (1985). The input hypothesis : Issues and implications. New York : Longman.
- ❖ Ladefoged, Peter. (2006). A Course in Phonetics. Boston : Thomson Wadsworth.
- ❖ Larson-freeman, Diane. (2000). Techniques and Principles in Language Teaching. Oxford : Oxford University Press.

❖ Lightbown, Patsy M. and Spada, Nina. (2006). *How languages are learned*. Oxford: Oxford University Press.

❖ Long, Michael H. (2009). "Methodological principles for language teaching." In Long, Michael H. and Doughty, Cathrine J. *The hand book of language teaching*, 373–394. Chichester: Wiley-blackwell.

❖ Lottmann, A. (1961). "Films in the modern language class". *MLJ*, 45, 178-180.

❖ Marion, Williams and Burden, Robert. (2002). *Psychology for Language Teachers*. Cambridge: Cambridge University Press.

❖ Ments, M. (1999). *The effective use of role play*. London: Kogan Page.

❖ Nikitina, Larisa. (2010). "Video-making in the foreign language classroom: applying principles of constructivist pedagogy". *Electronic Journal of Foreign Language Teaching*, 7, 21–31.

❖ Nunan, David. (2000). *Second Language Teaching and Learning*. Boston: Heinle & Heinle Publishers.

❖ Nunan, David. (2003). *Practical English language teaching*. Boston: McGraw Hill.

❖ Progosh, D. (1996). "Using video for listening assessment: Opinions of test-takers". *TESL Canada Journal*, 14, 34-44.

❖ Purcell, E. T. and Suter, R. w. (1980). "Predictors of pronunciation accuracy: a reexamination". *Language Learning*, 30(2), 271–287.

❖ Richards, Jack C. (1983). "Listening comprehension: approach, design, procedure". *TESOL Quarterly*, 17, 219–239.

❖ PHOTO CREDITS: Shutterstock.com/ Google Image

PHOTO CREDITS:

Shutterstock.com/ Google Image/

<https://www.freepik.com>/<https://icon-icons.com>/<http://aks.roshd.ir>/<https://icon-icons.com/>

<http://www.freeflagicons.com>/<https://www.pinterest.com>/<http://pngimg.com/>

<https://www.kisspng.com>/<https://www.galleryacs.ir>/<https://www.stockvault.net/>

<http://www.sxc.hu>/<http://www.freebieimages.com>/<https://freerangestock.com/>

<http://compfight.com>/<http://www.flickr.com>/<http://www.dreamstime.com/>

<http://www.pixelperfectdigital.com>/<https://openphoto.net>/<http://www.artfavor.com/>

<https://www.cepolina.com>/<http://www.sunipix.com>/<http://www.getfreeimage.com/>

<http://tofz.org>/<http://www.pixmac.com>



